

## فصل اول

### معرفی برات

قانون تجارت ایران برات را تعریف نکرده است؛ ولی طبق تعریف کلاسیک، این سند تجاری عبارت از نوشته‌ای است که به موجب آن شخصی به دیگری دستور می‌دهد در وعده‌ای معین یا قابل تعیین مبلغی را به شخص ثالث یا به حواله کرد او پرداخت کند. دستوردهنده را «برات‌کش»، «صادرکننده»، یا «برات‌دهنده» می‌نامند و به شخصی که دستور را دریافت می‌کند، «براتگیر» و یا «مجال‌علیه» می‌گویند و شخص ثالث نیز «دارنده برات» نامیده می‌شود. این تعریف دقیقی نیست و بدرایت نظر گرفتن ماهیت حقوقی برات عنوان شده است و ما در مباحث آتی به آن خواهیم پرداخت.

در این فصل، قبل از بیان نقش اقتصادی برات و ماهیت حقوقی آن، به ذکر مختصری از تاریخچه برات و چگونگی تحول آن می‌پردازیم.<sup>1</sup>

#### بخش اول: تاریخچه برات

##### مبحث اول: تاریخچه اقتصادی برات

تاریخ‌نویسان گاه از اسنادی سخن می‌گویند که جانشین پول بوده و در آتن و روم مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. به نظر اینان سابقه استفاده از برات به عنوان وسیله پرداخت، به همین اسناد پرداخت بازمی‌گردد. متخصصان حقوق تجارت، برات را

1. *Ibid*; n° 1915 et seq.; Rodière R. et B. Oppetit; *Droit commercial*; n° 5 et s.

تا این حد قدیمی نمی‌دانند؛ گرچه در مبنای پیدایش این سند تجاری اختلاف عقیده دارند. بعضی آن را ناشی از عرفی می‌دانند که بازرگانان قدیم اروپا دنبال می‌کردند و به موجب آن، برای جلوگیری از حمل پول از مکانی به مکان دیگر (معمولاً از بازاری به بازار دیگر) «اسناد حواله پرداخت در محل»<sup>۱</sup> صادر می‌کردند و عده‌ای دیگر آن را به «حواله‌های از حساب به حساب» میان بانکها نسبت می‌دهند.

مطالعه تحول برات مسئله را روشن‌تر می‌کند. در واقع، سالها برات وسیله‌ای برای تبدیل پولی به پول دیگر بوده است و اصطلاح «حواله تبدیل»<sup>۲</sup> که در فرانسه برای برات به کار می‌رود نیز در واقع از همین واقعیت گرفته شده است. در قرون وسطی، بازرگان از بانک خود تقاضا می‌کرد که در یک بازار خارجی، پول محلی در اختیار او قرار دهد و متعاقب آن، بانک حوائلی به او تحویل می‌داد که بر روی بانک کارگزارش در آن محل کشیده شده بود. این حواله که به صورت نامه تهیه می‌شد، دلیل وجود قرارداد تبدیل پول، به پول آن محلی بود که تاجر معین می‌کرد. این نوع حواله که در وجه شخص معین صادر می‌شد، از حمل توأم با خطر و پرهزینه پول چارگیری می‌کرد. از طرفی، چون در دین مسیح، معاملات ربوی حرام و ممنوع بود، با این اقدام بانکها می‌توانستند قوانین شرعی را نادیده بگیرند.

بر پایه دین مسیح، بانکی که به بازرگانان تقاضای به صورت پول خارجی وام می‌داد، نمی‌توانست از آنان بهره تقاضا کند؛ اما با استفاده از روش فوق، بانکها می‌توانستند با پرداخت همان پول توسط کارگزار خود در خارج، مبلغی برای حمل پول به محلی که بازرگان نیاز داشت از او دریافت دارند. برای مثال، بانک ایتالیایی مبلغی پول به لیر ایتالیا از بازرگان دریافت می‌کرد و در عوض توسط کارگزار خود در هلند مبلغی به فلورن در اختیار او قرار می‌داد، با این تفاوت که ارزش این پول از ارزش پول دریافت شده در ایتالیا کمتر بود.

از آنجا که بعدها این اقدام موجب سوءاستفاده بانکها شد و رد و بدل شدن پول بدون مسافرت بازرگانان به محل انجام می‌گرفت، صحت حواله منوط به تسلیم

1. billets à ordre domiciliés  
2. lettre de change

پول خارجی در محل شد و برای مثال، در فرانسه فرمان ۱۶۷۳ و نیز قانون تجارت ۱۸۰۷ این قاعده را به صورت قانون درآورد.

تحول برات، به عنوان وسیله پرداخت، زمانی سریع‌تر شد که ظهور نوینی مرسوم گردید. تا زمانی که نام دارنده برات در برات درج می‌شد، این سند وسیله پرداخت واقعی محسوب نمی‌شد؛ زیرا گردش دست به دست آن، به سبب مقررات دست‌وپاگیر مربوط به تبدیل تعهد، آسان نبود؛ اما با ظهور ظهور نوینی در قرن شانزدهم این کار آسان شد؛ چرا که به موجب ظهور نوینی، منتقل‌الیه حق مطالبه وجه برات را از براتگیر پیدا می‌کرد، بدون آنکه مجبور به رعایت قواعد حقوق مدنی باشد؛ به این علت، برات که ابتدا همچون پول مبادله می‌شد، از این زمان به بعد، قابلیت تنزیل یافت.

از آنجا که برات، برخلاف پول، دارای صلت پرداخت است، در عملیات تنزیل، کسی که براتی را از دارنده برات دریافت می‌کند، می‌تواند معادل بهره وجه آن، از تاریخ دریافت تا تاریخ سررسید، از مبلغ مندرج در برات کسر و به اصطلاح «تنزیل» کند و باقیمانده را به دارنده برات بپردازد. این عمل به بازرگانان امکان می‌دهد تا به جای خرید از مشتریانشان را به اصطلاح به گردش درآورند و حالی کنند.<sup>۱</sup> استفاده از تنزیل به بانکداران امکان می‌دهد تا بخشی از براتهای مختلف داشته باشند و آنها را در اختیار بازرگانانی قرار دهند که قصد پرداخت مبلغی را به ارز خارجی دارند. این روش باعث می‌شود که ارزش پولهای خارجی مورد مبادله در بازارهای مختلف، با توجه به حجم این اسناد تجاری تعیین گردد؛ اگرچه تقریباً در سراسر جهان، مقررات ارزی موجود امکان اینای چنین نقشی را به برات نمی‌دهد.<sup>۲</sup>

### مبحث دوم: تاریخچه حقوقی برات

#### الف) اختلاف در سیستمهای حقوقی کشورها

برات از ابتدای ظهورش در قرون وسطی، تا مدتها وسیله تبدیل پولی به پول دیگر بود.

1. mobilisation des créances

۲. در واقع، پرداخت وجه براتی که مبلغ آن به ارز خارجی است، منوط به اراده قانونگذار است که ممکن است، در مقاطع خاصی، به موجب مقررات ارزی، آن را مجاز بداند یا ممنوع کند.

است، کمیسیون سازمان ملل متحد برای حقوق تجارت بین الملل (آنسیترال) درصدد برآمد یک رژیم حقوقی فراملی، صرفاً دربارهٔ براتها و سفته‌هایی که جنبه بین‌المللی دارند، تأسیس کند.

کمیسیون مزبور در ابتدا تحقیقاتی را در بین دولتها و سازمانهای حرفه‌ای بین‌المللی به عمل آورد و در سال ۱۹۷۲ موفق به تدوین یک طرح مقدماتی در زمینه برات و سفته بین‌المللی شد. این طرح توسط یک گروه کار، در چندین نشست مورد بررسی قرار گرفت و سرانجام مجمع عمومی سازمان ملل متحد در وین، در نهم دسامبر ۱۹۸۸ آن را به تصویب رساند.<sup>۱</sup> به علت پیروی کنوانسیون آنسیترال از روشهای سیستم آنگلو ساکسون و همچنین برخی دلایل دیگر، بعضی حقوقدانان کشورهای لاتین معتقدند این کنوانسیون نسبت به کنوانسیون ژنو اهمیت کمتری دارد.<sup>۲</sup> در حال حاضر، کنوانسیون وین برای امضای کشورها مفتوح است و رسمیت آن زمانی تحقق پیدا می‌کند که لاقبل ده کشور آن را امضا کنند. ایران که به کنوانسیونهای ژنو ملحق نشده،<sup>۳</sup> در پیوستن به کنوانسیون آنسیترال نیز رغبتی نشان نداده است.

اگرچه حقوقدانان ما در تنظیم این کنوانسیون سهمی نداشته‌اند، با توجه به اینکه در تدوین این کنوانسیون تحولات عملی و عرف بین‌المللی موجود در زمینه معاملات برواتی در نظر گرفته شده است،<sup>۴</sup> مقررات آن برای تغییر قانون تجارت در زمینه اسناد تجاری، منبع ارزشمندی به شمار می‌رود.

۱. به قطعهنامه شماره ۴۳/۱۶۵ رجوع کنید.

2. Bloch, P.; "Le projet de convention sur les lettres de change internationales et les billets à ordre internationaux", *Chunet*, n°. 770.

۳. قانون‌گذار ما در تدوین و اصلاح قانون تجارت ایران به مقررات قانون ۱۸۰۷ فرانسه توجه کرده است؛ لکن حقوقدانان و قضات ایران، در تفسیر و اجرای قانون تجارت ایران همواره به مقررات قانون متحدالشکل ژنو مراجعه می‌کنند.

۴. در مورد محتوای طرح کنوانسیون آنسیترال رجوع کنید به: صقری، محمد؛ «ارزیابی کلی پیش‌نویس ضمیمه اول کنوانسیون برات و سفته بین‌المللی»، *مجله حقوقی*؛ ش ۱۲، ص ۱۳۹ به بعد.

### بخش دوم: نقش برات در حیات اقتصادی

برای آنکه نقش اقتصادی برات روشن شود، بهتر است این بخش را با مثالی آغاز کنیم. عمده‌فروشی به نام احمد، کالایی را به خرده‌فروشی به نام تقی می‌فروشد. بدیهی است که تقی باید به موجب قرارداد، ثمن معامله را که به فرض پنج هزار ریال است به احمد پرداخت کند. هرگاه، معامله نقدی باشد، یعنی برای پرداخت ثمن مهلتی مقرر نشود، ثمن معامله باید نقداً پرداخت شود؛ اما فرض کنیم که برای پرداخت ثمن معامله، مهلت شصت روزه‌ای معین شده باشد و احمد (فروشنده) نیز معادل همین ثمن به بازرگان دیگری به نام اکبر بدهکار باشد که مهلت پرداخت آن، همان مهلت پرداخت شصت روز باشد. در چنین حالتی، احمد می‌تواند براتی بر روی تقی صادر کند و به او دستور دهد ثمن معامله بین خریدشان را در سر وعده شصت روز به اکبر بپردازد.

حال فرض کنیم که اکبر نیز به حسن بدهکار باشد و برات را از طریق ظهرنویسی به او منتقل سازد تا در سر وعده مستقیماً به تقی مراجعه کند. در این فرض، اکبر ظهرنویس خوانده می‌شود و حسن، منتقل‌آلیه یا دارنده جدید برات.

هرگاه حسن یعنی دارنده برات، نیاز فوری به پول نقد داشته باشد، می‌تواند به بانک خود مراجعه کند. در این وضعیت، بانک با کسر مقداری از مبلغ مندرج در برات، باقیمانده را به صورت وجه نقد به حسن می‌پردازد. وجه کسر شده معمولاً معادل بهره مبلغ اصلی برات تا روز سررسید است. این اقدام بانک را «تنزیل» می‌گویند که از طریق ظهرنویسی مجدد برات صورت می‌گیرد.

مثال فوق نشان می‌دهد که برات، از نظر اقتصادی، هم یک وسیله پرداخت است و هم یک وسیله کسب اعتبار.

### مبحث اول: برات، وسیله پرداخت

در آغاز، یعنی هنگام وضع قواعد مربوط به برات در قانون تجارت، این سند از وسایل عمده و مهم پرداخت بود، تا آنجا که به جای پول به کار گرفته می‌شد.

فروشنده به جای دریافت پول کاغذی یا فلزی - که حمل و نگهداری آن دشوار بود - براتی دریافت می‌کرد؛ سپس آن را به طلبکار خود می‌داد و او نیز آن را به دیگری منتقل می‌کرد و شخص اخیر هم می‌توانست آن را تنزیل کند. اما در حال حاضر، در اغلب کشورها، برات به عنوان وسیله پرداخت، سهم عمده‌ای در روابط تجاری داخلی ندارد؛ زیرا در این گونه روابط، پرداخت به صورت نقد، واریز به حساب، چک بانکی و یا حواله پستی صورت می‌گیرد که مطمئن‌تر به نظر می‌رسد. برعکس، در روابط بین‌المللی، استفاده از برات بسیار معمول است؛ زیرا وسیله‌ای است که از انتقال پول نقد از کشوری به کشور دیگر و نیز تبدیل پولی به پول دیگر جلوگیری می‌کند و به خصوص تضمینی برای فروشنده است که به موجب آن تا خریدار برات را، در صورت داشتن وعده، قبول نکند و یا در صورت به رؤیت بودن، پرداخت نکند، کالا در اختیار وی قرار نخواهد گرفت. البته، در این موارد فقط خود برات برای خریدار فرستاده نمی‌شود، بلکه اسنادی نظیر فاکتور، گواهی مبدأ، بارنامه و بیمه‌نامه نیز به آن ضمیمه می‌شود که نشان‌دهنده اجرای تعهدات فروشنده است. این نوع برات را به دلیل وجود همین اسناد ضمیمه، «برات اسنادی»<sup>۱</sup> می‌نامند.

### مبحث دوم: برات، وسیله تأمین اعتبار

برات همواره وسیله‌ای برای تأمین اعتبار بوده است. ماهیت این نقش در گذشته و حال تغییر نکرده، اما در طول زمان نوع براتهایی که ردوبدل می‌شود، بسته به علت صدورشان ثابت نمانده است. در حال حاضر از برات به دو منظور استفاده می‌شود: اعطای اعتبار در معاملات تجاری و اعطای اعتبار در معاملات مالی و به همین علت، امروزه دو نوع برات وجود دارد: برات تجاری<sup>۳</sup> و برات مالی<sup>۴</sup>.

### الف) برات تجاری

هدف از صدور چنین براتی تسهیل پرداخت غیرنقدی در معاملات بازرگانی است. از آنجا که پرداخت برات فوری نیست، خریدار می‌تواند به وسیله این سند از فروشنده کالا مهلتی بگیرد تا آنکه در مهلت مزبور، ثمن معامله را تهیه و تسلیم فروشنده کند. هرچند به رؤیت بودن برات اشکالی ندارد، اما این امر به ندرت اتفاق می‌افتد و در معاملات نقدی نیز عملاً برات به رؤیت مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

استفاده از براتی که دارای مهلت چندماهه است به خریدار امکان می‌دهد ثمن معامله را از طریق فروش اموال خریداری‌شده، در سر وعده به براتگیری که برات را قبول کرده است برساند. به علاوه، این نوع برات برای فروشنده نیز وسیله اخذ اعتبار است. به این صورت که او می‌تواند برات را به دیگری منتقل کرده، در عوض پول نقد دریافت کند. دارنده برات این کار را اغلب با مراجعه به بانک و تنزیل برات به انجام می‌رساند. در واقع، بانکها با استفاده از مبالغی که مشتریان برای مدت کوتاهی نزد آنان نگهداری می‌کنند، مبلغ براتهایی را که برای تنزیل به آنها ارائه می‌شود، می‌پردازند. پس برات از سویی وسیله اخذ اعتبار توسط بازرگانان است و از سویی دیگر برای سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت، به وسیله بانکها و مؤسسات اعتباری دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

علت اهمیت برات به عنوان وسیله تأمین اعتبار، این است که برات به خودی خود نماینده طلب دارنده آن است. در واقع، در روابط مدنی، انتقال طلب تابع مقررات پیچیده‌ای است که با طبیعت معاملات بازرگانی، که سرعت و امنیت از خصایص بارز آنهاست، سازگار نیست. هرگاه طلبی به یک شخص ثالث منتقل شود، منتقل‌آلیه ممکن است با مدیونی روبه‌رو شود که دین خود را قبلاً پرداخت کرده و یا می‌تواند ثابت کند که به دلیل عدم انجام یافتن تعهد اصلی توسط انتقال‌دهنده، به منتقل‌آلیه بدهکار نیست. از نظر قواعد مدنی، مدیون می‌تواند در مقابل منتقل‌آلیه به تمام ایراداتی متوسل شود که حق طرح آنها را در مقابل انتقال‌دهنده داشت؛ اما برات، به دلیل آنکه تعهد مندرج در آن از تعهدی که برات

1. traite documentaire

2. Riperty, G. et R. Roblot; *Traité de droit commercial*; t.2, n°. 1920.

3. effets commerciaux

4. effets financiers

به خاطرش ردوبدل شده، مستقل است، دلیل بی‌چون و چرای طلبکار بودن منتقل‌الیه محسوب می‌شود و در نتیجه متعهد برات نمی‌تواند در مقابل دارنده به ایراداتی متوسل شود که می‌توانست آنها را در مقابل انتقال‌دهنده برات مطرح کند. چون وجود برات دلیل وجود طلب است و تصرف برات به دارنده آن امکان می‌دهد که بدون دغدغه وجوه آن را مطالبه کند، این سند تجاری مورد توجه بانکها قرار گرفته است.

#### ب) برات مالی

این نوع برات، که در اروپا شایع است<sup>۱</sup>، دلیل انجام یافتن معاملات بازرگانی و یا ردوبدل شدن کالا و سرویس نیست، بلکه صرفاً منشأ مالی و بانکی دارد. وقتی بانک وامی در اختیار مشتری خود قرار می‌دهد، براتی روی او می‌کشد که سررسید آن، سررسید بازپرداخت وام اعطایی است. ظهرنویسی این برات به بانک امکان می‌دهد دیون خود را پردازد و یا برات را با نرخ کمتری منتقل کند و به عبارت دیگر، روی برات عمل تنزیل انجام دهد. استفاده از این نوع اسناد به بانکها امکان داده است که از پاره‌ای مشتریان خود که از دیگران وام اخذ می‌کنند، ضمانت کنند. این ضمانت بر روی ورقه برات صورت می‌گیرد.

گاه اعطای اعتبار بانک به مشتری از طریق قبول برات صورت می‌گیرد. به این ترتیب که بانک براتی را که مشتری روی او کشیده است، قبول می‌کند. در این حالت، بانک پولی در اختیار مشتری خود قرار نمی‌دهد، بلکه فقط امضای خود را در اختیار او می‌گذارد. گاه بانک طلبی را که از مشتری خود دارد در برات قید می‌کند و با این کار، گردش طلب را امکان‌پذیر می‌سازد. ایجاد این نوع برات مزایای فراوانی دارد؛ چرا که با استفاده از این روش، بانک سندی در اختیار دارد که کلیه مزایای برات تجاری را داراست: مبلغ طلب کاملاً معین و مشخص است، مهلت پرداخت آن معلوم است،

بدهکاران سند مسئولیت تضامنی دارند و به‌ویژه طلب مزبور به راحتی قابل انتقال است و بانک در صورت لزوم می‌تواند آن را با تنزیل، تبدیل به پول نقد کند.

#### بخش سوم: ماهیت حقوقی برات

برات معمولاً برای پرداخت مابه‌ازای کالا یا خدمتی صادر می‌شود که به صادرکننده تسلیم شده و یا برای او انجام یافته است. این رابطه که علت صدور برات است، «رابطه اصلی» نامیده می‌شود.<sup>۱</sup> بعد از صدور برات و شروع گردش آن، اشخاص دیگری (ظهرنویس، ضامن، برانگیر)، به عناوین مختلف امضای خود را روی آن منعکس می‌کنند. امضا، تعهد جدیدی برای امضاکننده ایجاد می‌کند که «تعهد براتی»<sup>۲</sup> خوانده می‌شود؛ زیرا منحصرأ ناشی از خود برات است. اغلب کشورها تعهد براتی را از تعهد ناشی از رابطه اصلی مستقل می‌دانند و به دارنده حق می‌دهند که بدون توجه به رابطه اخیر، مبلغ مندرج در برات را از مسئول یا مسئولان برات مطالبه کند. حقی که دارنده در مطالبه مبلغ برات دارد و به صرف انعکاس آن در ورقه برات و به شرط امضای متعهد برات ایجاد می‌شود، ساخته ذهن حقوقدانان نیست، بلکه حاصل فکر افرادی است که در زمینه تجارت فعالیت دارند. حقوقدانان تنها کوشیده‌اند ماهیت برات و وجود حق دارنده را در مراجعه به مسئولان برات با تأسیسات حقوق مدنی تطبیق و توجیه کنند.

قانون تجارت ایران درباره ماهیت حقوقی تعهد مسئولان برات در مقابل دارنده صحبتی نکرده است. این وضع در مورد کنوانسیونهای ژنو مورخ ۷ ژوئن ۱۹۳۰ نیز صادق است. کنوانسیون ۱۹۸۷ آنسیترا نیز به این موضوع نپرداخته است تا به نظریاتی که کشورهای مختلف در این مورد دارند تعرضی نکرده باشد و

۱. برای مثال، خریداری از فروشنده‌ای کالایی می‌خرد و در قبال تسلیم کالا براتی صادر می‌کند و در اختیار فروشنده که دارنده برات می‌شود قرار می‌دهد؛ قرارداد بیع «رابطه اصلی» میان صادرکننده و دارنده برات است.

2. obligation cambiaire

1. Jacquelin: "La place des effets commerciaux, et des effets financiers dans le système bancaire français", *Banque*; n°. 937.

## فصل اول

### سفته

قانون تجارت ایران، مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ خود را به بیان شکل و مندرجات سفته اختصاص داده است. ماده ۳۰۹ قانون تجارت قاعده‌ای کلی را بیان می‌کند که به موجب آن، مقررات راجع به برات در مورد سفته نیز لازم‌الرعایه است. در این فصل پس از بیان مختصر تاریخچه و فایده سفته، به توضیح ماهیت حقوقی و ویژگیهای سفته خواهیم پرداخت.

#### بخش اول: تاریخچه و فایده سفته

حقوقدانان ایران گاه از سندی سخن می‌گویند که عنوان «سفته» داشته و فقها در مورد آن بحث فراوان کرده‌اند؛ اما اذعان می‌کنند که این سند با سفته موضوع حقوق تجارت متفاوت است و بیشتر به عقد حواله نزدیک است؛ چه در صدور و گردش آن مُحیل و محتال و محال علیه نقش دارند.<sup>۱</sup>

واقعیت این است که سابقه کاربرد سفته به اروپا بازمی‌گردد و این سند از قدیم در آنجا مورد استفاده بوده است. حقوقدانان فرانسه معتقدند که سفته قبل از برات مورد استفاده قرار گرفته است و بانکداران از این سند که در اصطلاح «Billets de change» نامیده می‌شد، برای پرداخت مبالغ مندرج در برات استفاده می‌کردند.<sup>۲</sup> نظر به اینکه در فرانسه از سفته برای بازپرداخت وام استفاده می‌شده،

۱. اسناد تجاری؛ جزوه درسی، ص ۱۹۵ و ۱۹۶.

۲. Ripert, G. et R. Roblot; *Traité de droit commercial*; t. 2, n°. 2112.

فرمان ۱۶۷۳ از آن یاد نکرده است. مع ذلك، بعدها که ارزش وام و نقش اقتصادی آن مورد تأیید قرار گرفت، سفته ارزش خود را باز یافت و قانون تجارت فرانسه برای اولین بار، مقررات ویژه‌ای را به این سند تجاری اختصاص داد. استفاده از سفته در کشور فرانسه از ابتدای این قرن توسعه پیدا کرده است و از آن در معاملات مختلف تجاری و مدنی به عنوان وسیله پرداخت و اعطای اعتبار استفاده می‌شود.

ظهور سفته در ایران به زمان تدوین قانون تجارت در سال ۱۳۱۱ بازمی‌گردد و امروزه در کشور ما از این سند بیش از برات استفاده می‌شود. از سفته می‌توان به عنوان وسیله پرداخت در معاملات غیرنقدی استفاده کرد. برای مثال، فروشنده‌ای که کالایی به خریدار می‌فروشد و برای پرداخت ثمن آن به خریدار مهلتی می‌دهد، در قبال تسلیم کالا از او سفته مطالبه می‌کند. این امر در معاملات کالاهای مصرفی بسیار معمول است. بانک و مؤسسات اعتباری نیز از این سند برای اعطای وام و تقسیط بازپرداخت آن استفاده می‌کنند و به این منظور، در مقابل پرداخت وام به مشتری از او سفته مطالبه می‌کنند. در قراردادهایی که شرکتها و مؤسسات اداری با مقاطعه کاران منعقد می‌کنند، سفته وسیله‌ای ارزان و مطمئن برای تضمین اجرای تعهد توسط مقاطعه کاران است. استفاده از سفته در ایران به حدی شایع است که اگرچه مقررات قانون تجارت به طور عمده در مورد برات وضع شده است؛ اما در عمل، بیشتر برای حل و فصل اختلافات ناشی از صدور سفته به کار گرفته می‌شود.

شماره برات و تاریخ	شماره	مبلغ برات	تاریخ
۰۵۲۹۲			
سری ع			

بافتد در سال

شکل ۲ نمونه‌ای از برگه‌های سفته که توسط وزارت دارایی چاپ می‌شود.

### بخش دوم: شکل سفته

سفته نیز مانند برات باید به صورتی تنظیم شود که قانون تجارت مقرر کرده است و الا دارنده آن نمی‌تواند از مقررات مربوط به آن در قانون تجارت استفاده کند. در این بخش ابتدا به توضیح مندرجات سفته می‌پردازیم و سپس ضمانت اجرای عدم وجود این مندرجات قانونی را مطالعه می‌کنیم.

#### مبحث اول: مندرجات سفته

سفته نیز مانند برات ممکن است متضمن مندرجات اختیاری باشد که به دلیل تشابه احکام سفته با برات، از تکرارشان خودداری می‌کنیم. برای بیان مندرجات اجباری یا به عبارتی، قانونی سفته باید مواد ۳۰۸ و ۳۰۹ قانون تجارت را با یکدیگر تلفیق کنیم. به موجب ماده ۳۰۸ قانون تجارت: «فندطلب علاوه بر امضا یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد: (۱) مبلغی که باید تأدیه شود با تمام حروف؛ (۲) گیرنده وجه؛ (۳) تاریخ پرداخت» که در ادامه به شرح این مندرجات خواهیم پرداخت.

#### الف) امضا یا مهر صادرکننده

این نکته به صراحت در ماده ۳۰۸ قانون تجارت ذکر شده است و با توجه به شباهت سفته و برات در این مورد، توضیح مطلب همان است که در مورد برات متذکر شدیم.

#### ب) تاریخ صدور

ماده ۳۰۸ قانون تجارت فقط قید تاریخ را ضروری دانسته است و به این نکته که آیا تاریخ باید با تمام حروف نوشته شود یا خیر، اشاره‌ای نکرده است. مع ذلك، اگرچه لازم نیست که تاریخ تحریر سفته به تمام حروف نوشته شود، قید روز، ماه و سال تاریخ صدور سفته ضروری است، و الا سفته اعتبار ندارد؛ زیرا منظور قانون‌گذار از قید تاریخ این است که روز و ماه و سال آن معین باشد.

## ج) مبلغ سفته

بند ۱ ماده ۳۰۸ قانون تجارت تعیین مبلغ سفته را با تمام حروف ضروری دانسته است؛ اما عدم رعایت این امر، سفته را از اعتبار نمی‌اندازد. در واقع، اگرچه بند ۱ ماده مذکور صراحت دارد که مبلغ قابل تأدیه در سفته باید به تمام حروف باشد، برای عدم قید مبلغ به تمام حروف، ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده است. این نکته را شعبه چهارم دیوان کشور ایران مورد تأیید قرار داده و در رأی شماره ۱۳۵۵۴ - ۱۲۵۹ مورخ ۱۳۱۶/۵/۳۱ آن را به نحو زیر بیان کرده است:

«مواد راجع به قه‌طلب دلالتی بر اینکه نوشتن مبلغ به تمام حروف از شرایط اساسی است، ندارد و ماده ۳۰۸ در مقام ذکر تمام شرایط قه‌طلب است؛ نه [در] خصوص شرایط اساسی؛ چنانچه در ماده ۲۲۳ راجع به برات که نظیر قه‌طلب است، شرایط لازم ذکر شده و در ماده ۲۲۶ بعضی از شرایط؛ و همچنین نوشته شدن مبلغ به تمام حروف که در ماده ۲۲۵ مذکور است در شرایط اساسی مشور نگردیده است. بنابراین، دعوی مستند به قه‌طلب و بر اینکه مبلغ در آن به تمام حروف نوشته نشده باشد، تجاری است و تابع آثار احکام دعاوی تجاری از قبیل سرور، زمانه و غیره، خواهد بود.»

## د) نام گیرنده و بینه

ماده ۳۰۷ قانون تجارت در تعریف سفته چنین می‌گوید: «فته طلب سندی است که به موجب آن امضاکننده تعهد می‌کند مبلغی در موعده معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص، کارسازی نماید». پس در سفته (مانند برات)، گیرنده وجه شخصی است که سفته در وجه یا به حواله کرد او صادر می‌شود و نوشتن نام و مشخصات او تابع قواعد برات است؛ اما، برخلاف برات، در سفته می‌توان نام کسی که سفته به نفع او صادر می‌شود (دارنده سفته) را ذکر نکرد و آن طور که ماده ۳۰۷ بیان می‌کند، سفته را «در وجه حامل» صادر کرد.

۱. به نقل از: جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ دانشنامه حقوقی؛ ج ۴، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

حقوقدانان در اینکه آیا متعهد می‌تواند سفته را (مانند برات) به نفع خود صادر کند یا خیر، اختلاف نظر دارند. در مورد برات، ماده ۲۲۴ قانون تجارت مقرر می‌کند: «برات ممکن است به حواله کرد شخص دیگر باشد یا به حواله کرد خود برات‌دهنده». فایده صدور چنین براتی این است که پس از صدور، صادرکننده می‌تواند به جای آنکه آن را به‌فوریت در اختیار دارنده قرار دهد، ابتدا قبولی براتگیر را اخذ کند، تا اطمینان یابد که برات نکول نخواهد شد؛ اما در مورد سفته پاره‌ای از حقوقدانان این امر را منع کرده‌اند؛ زیرا به عقیده آنان، سفته از نظر صورت، تابع مقررات برات نیست.<sup>۱</sup> این دلیل قانع‌کننده نیست؛ چه هرچند ماده ۳۰۹ قانون تجارت به صراحت مقررات راجع به صورت برات را در مورد سفته لازم‌الرعایه نکرده است، از نظر وحدت ملاک سفته از نظر شکل نیز تابع مقررات برات است؛ جز در مواردی که ذات سفته ایجاب می‌کند. که مقررات برات در مورد آن قابل اعمال باشد؛ از جمله مورد فوق.

در واقع، در برات صادرکننده در پی دریافت امضا و تأیید شخصی است که براتگیر نام دارد و «تعهد اصلی برات نخواهد بود» در حالی که در سفته قبولی براتگیر مضامق ندارد و از همان ابتدا، صادرکننده متعهد اصلی محسوب می‌شود و نمی‌تواند سفته را در وجه خود صادر کند؛ زیرا با این کار، صادرکننده اقدام به عمل لغری می‌کند که منجر به ایجاد سند تجاری نمی‌شود. بنابراین، چنین سفته‌ای قابلیت ظهرنویسی نیز ندارد؛ اما براتی که به حواله کرد خود برات‌دهنده صادر می‌شود، قابل ظهرنویسی است ولو آنکه براتگیر هنوز آن را قبول نکرده باشد.

## ه) تاریخ پرداخت

مطابق بند ۳ ماده ۳۰۸ قانون تجارت ذکر تاریخ پرداخت، در سفته ضروری است. از

۱. اسناد تجاری؛ جزوه درسی، ص ۲۰۰.

البته، نویسنده تأکید می‌کند که این سند به دلیل واحد بودن متعهد و متعهدله آن قابل پذیرش نیست که مانع از متن بر آن تأکید کرده‌ایم.



آنجا که ماده ۳۰۸ قانون تجارت نکته دیگری در مورد تاریخ سفته ذکر نکرده است، مقررات راجع به تاریخ پرداخت برات - با توجه به شباهت آن با سفته - در مورد سفته نیز لازم‌الرعایه است و در اینجا نیازی به تکرار آنها نیست. بنابراین، سفته نیز می‌تواند به وعده معین باشد (چیزی که بسیار رایج است) یا به رؤیت و عندالمطالبه. نکته اخیر را ماده ۳۰۷ قانون تجارت به صراحت بیان کرده است.

(و سایر مندرجات سفته

با استفاده از قاعده وحدت ملاک می‌توان گفت که به طور کلی سایر مندرجات الزامی سفته همان مندرجاتی است که در مورد برات مقرر شده است؛ به استثنای مواردی که مختص برات نیستند.

مثلاً، در مورد مکان تأدیه سفته نیز مقررات برات قابل اعمال است. بنابراین، محل پرداخت ممکن است محل اقامت متعهد باشد و یا محلی دیگر (بند ۶ ماده ۲۲۳ ق. ت). به عکس ذکر بند ۸ ماده مذکور (یعنی تصریح به اینکه سفته نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است) در سفته ضروری نیست؛ چه در برات، این قید به این علت ضروری است که هنگام ارسال برات برای قبولی یا پرداخت، نسخه دیگر آن در اختیار دارنده باشد؛ اما در مورد سفته چنین امری مصداق پیدا نمی‌کند.

در سفته نیز همانند برات «اگر مبلغ بیش از یک دفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است. اگر مبلغ، با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر خواهد بود» (ماده ۲۲۵ ق. ت).

مبحث دوم: ضمانت اجرای عدم قید مندرجات قانونی

قانون‌گذار ما در فصل دوم باب چهارم قانون تجارت که مقررات مربوط به سفته را بیان می‌کند، به ضمانت اجرای عدم ذکر مندرجات مندرج در ماده ۳۰۸ اشاره‌ای نکرده است؛ اما در قوانین خارجی به این نکته اشاره شده است. برای مثال، در قانون

تجارت فرانسه پس از ماده ۵۱۲-۱ L. که شرایط صوری سفته را معین می‌کند، ماده ۵۱۲-۲ L. مقرر می‌کند که در صورت نبودن یکی از موارد مندرج در ماده ۱۸۳، سند امضا شده، سفته محسوب نمی‌شود.<sup>۱</sup>

مع ذلک، همان‌طور که گفته شده است،<sup>۲</sup> اگرچه در قانون تجارت ایران در مورد سفته - مانند برات - به این امر اشاره نشده است که اگر یکی از مندرجات مذکور در ماده ۳۰۸ قانون رعایت نشود، نوشته مزبور مشمول مزایای سفته نمی‌شود، سفته فقط در صورتی مشمول مزایای مذکور در قانون تجارت خواهد بود که موافق مقررات این قانون تنظیم شده باشد.

همان‌طور که گفتیم، مقررات برات، جز در مواردی که با ویژگیهای ذاتی سفته مغایر است، در مورد سفته نیز لازم‌الرعایه‌اند. از طرفی، اگرچه در فصل دوم باب چهارم قانون تجارت، در مورد عدم رعایت مندرجات قانونی سفته ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده است، تبصره ماده ۳۱۹ قانون تجارت، سفته‌ای را که فاقد شرایط اساسی مذکور در قانون تجارت باشد، سند تجاری قلمداد نکرده، مشمول مرور زمان اموال منقول می‌داند. بیهوده نیست که شعبه چهارم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۳۵۵۴-۱۲۵۹ مورخ ۱۳۱۶/۵/۳۱ خود، که قبلاً به آن اشاره کردیم، سفته را نظیر برات معرفی می‌کند که در آن لازم نیست مبلغ به تمام حروف نوشته شود. این نظریه دیوان عالی کشور که همسو با راه‌حلهای عرف و عمل بین‌المللی است و از موارد بطلان سفته می‌کاهد، باید مورد تأیید قرار گیرد.<sup>۳</sup>

۱. جز در موارد استثنائده، هرگاه سفته تاریخ پرداخت نداشته باشد، به رؤیت محسوب می‌شود و هرگاه محل پرداخت نداشته باشد، محل صدور، محل پرداخت آن تلقی می‌شود. چنانچه سفته محل صدور نداشته باشد، محلی که کنار نام متعهد ذکر شده است، محل صدور خواهد بود.

۲. ستوده تهرانی، حسن؛ حقوق تجارت؛ ج ۳، ص ۱۱۲.  
دکتر اعظمی زنگنه نیز بدون آنکه دلیل عقیده خود را بیان کند، سفته‌ای را که فاقد شرایط مندرج در ماده ۳۰۸ باشد، مانند برات فاقد شرایط اساسی محسوب کرده، امتیازهای مربوط به اسناد تجاری را در موردش جاری نمی‌داند (حقوق بازرگانی؛ ص ۲۵۹).

۳. برای آگاهی از نظریه مخالف، رجوع کنید به: اسناد تجاری؛ جزوه درسی، ص ۲۰۵.

## بخش سوم: ماهیت سفته

در حقوق ایران، درباره این نکته که آیا سفته ماهیت مدنی دارد یا تجاری بحثهایی در گرفته و رویه قضایی نیز تا سال ۱۳۳۸ در این مورد، عقیده واحدی نداشته است. در واقع، اختلاف نظر محاکم ناشی از این نکته بود که در قانون تجارت به تجاری بودن ماهیت سفته اشاره‌ای نشده است؛ برخلاف برات که به موجب بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت، عمل تجاری محسوب می‌شود؛ اعم از آنکه بین تجار باشد و یا غیرتجار. از طرفی، ماده ۳۱۸ قانون تجارت که مرور زمان دعاوی مربوط به اسناد تجاری مذکور در قانون تجارت (یعنی برات و سفته و چک) را عنوان می‌کند، به گونه مبهمی تدوین شده است و دادگاهها را در این مورد که آیا سفته ماهیت مدنی دارد یا خیر، در مقابل یکدیگر قرار داده است. ماده ۳۱۸ چنین مقرر می‌دارد: «دعاوی راجعه به برات و فته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتی صادر شده، پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراضنامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواستند بود؛ مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار به دین واقع شده باشد که در این صورت، مبدأ مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است...»

شعبه اول دیوان عالی کشور در این باره چنین نظر داده است: «... اساساً طبق مقررات قانون تجارت، صدور سفته ذاتاً عمل تجاری در حکم بروات بوده و قید جمله «امور تجاری» که در ماده ۳۱۸ بیان شده، صرفاً ناظر به چک می‌باشد و شامل برات و سفته نبوده؛ زیرا موضوع مسلم این است که معاملات برواتی، اعم از اینکه بین تاجر یا غیرتاجر بوده باشد، قانون تجارت آن را در زمره معاملات تجارتی شمرده و ماده ۳۰۹ قانون تجارت مقررات راجع به بروات را در مبحث چهارم الی آخر فصل اول، در مورد فته طلب لازم‌الرعايه دانسته و با این صورت، قید امور تجاری در ماده ۳۱۸ قهراً معطوف به بروات و سفته نخواهد بود».

برعکس، دادگاه شهرستان تهران سفته را ذاتاً تجاری ندانسته و چنین استدلال کرده است:

۱. ر. ک.: مجموعه رویه قضایی (آرشیو حقوقی کیهان)؛ ج ۲، ص ۳۱۵ به بعد.

«... اولاً، منظور از معاملات برواتی مذکور در بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت، خرید و فروش بروات و به عبارت دیگر معاملاتی است که مورد معامله آن بروات می‌باشد و معاملاتی که مورد معامله کالا و اشیایی غیربرات باشد، گرچه خریدار به جای وجه نقد برات بدهد، برواتی محسوب نمی‌شود و عنوان آن معاملات اعتباری می‌باشد؛ ثانیاً، فرضاً قبول کرده شود که بند ۸ ماده ۲ قانون مذکور ناظر است به معاملاتی که در آن به جای وجه نقد برات داده می‌شود، چون در قانون تجارت برات و فته طلب عناوین و تعاریف و شرایط مستقل و متمایزی دارند و لازم‌الرعايه بودن ماده ۳۰۹ قانون تجارت نمی‌تواند موجب شود که سفته و برات از هر حیث و هر جهت مشابه دانسته شود، پیش‌بینی بند ۸ فوق‌الذکر نمی‌تواند شامل فته طلب گردد؛ ثالثاً، با فرض آنکه سفته و برات در عداد هم قرار گیرند و صدور آنها ذاتاً عمل تجاری دانسته شود، مطابق قواعد زبان فارسی و از انشای ماده ۳۱۸ قانون تجارت که می‌گوید: «دعاوی راجعه به برات و فته طلب و چک که...» جای بحث تردید باقی نمی‌گذارد که قید «از طرف تجار یا برای امور تجارتی صادر شده باشد» راجع به بروات و فته طلب و چک است و اگر شیر از این بود باید نوشته می‌شد: دعاوی راجع به برات و فته طلب به طور کلی، و چک در صورتی که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده باشد؛ رابعاً، برای آنکه پژوهشخواه بتواند از مرور زمان مقرر در ماده ۳۱۸ قانون تجارت استفاده کند باید ثابت کند که در تاریخ صدور سفته، تاجر بوده و یا سفته برای امور تجاری صادر شده است... و چون پژوهشخواه دلیلی اقامه نکرده که در تاریخ صدور سفته شغل معمولی خود را معاملات تجاری مذکور در ماده ۲ قانون تجارت قرار داده بوده، دعوی تاجر بودن او در آن زمان با توجه به نظر پژوهش خواننده، محکوم به عدم ثبوت است. به جهات مذکور، مرور زمان سفته ابرازی پژوهش خواننده مطابق با ماده ۷۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی ده سال می‌باشد...»

هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی اصراری شماره ۲۷۸۳-۱۲/۹/۱۳۳۹، رأی دادگاه شهرستان تهران را به شرح زیر تأیید کرده است:

«چون طبق بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت، صدور برات بالذات و به طور مطلق عمل تجارتمی محسوب شده، شرط و قید مذکور در ماده ۳۱۸ آن قانون که در فصل چهارم در مورد مرور زمان انشا گردیده و بدین مضمون است: «دعاوی راجعه به برات و فته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتمی صادر شده»، مربوط به فته طلب و چک معامله می باشد و ارتباطی با برات ندارد و تخصیص و قید، به خصوص برخلاف ظاهر اولیه عبارت قسمت اخیر آن ماده خواهد بود و صحیح نیست و این امر تهافت و مغایرتی با ماده ۳۰۹ قانون تجارت نخواهد داشت و راجع به اینکه طبق حکم مورد فرجام، فرجامخواه تاجر شناخته نشده است، اشکالی متوجه نخواهد بود و اعتراضات فرجامی تحت عنوانی نیست که در حدود قانون نسبت به آن حکم خللی وارد آورد و مستلزم نقض آن گردد و از حیث رعایت اصول و قواعد دادرسی هم اشکال مؤثری مشهود نمی باشد؛ لذا حکم فرجام خواسته با لحاظ آنکه مربوط به فته طلب (سفته) بوده، صحیحاً صادر گردیده است. با توجه به ماده ۵۵۸ آیین دادرسی مدنی به اکثریت ابرام می شود.»

در مورد رأی اصراری دیوان عالی کشور باید گفت اگرچه این موضوع که بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت شامل سفته و چک نمی شود، درست است، در اینکه عبارت «دعاوی راجعه به برات، فته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتمی صادر شده»، هم مربوط به فته طلب است و هم چک، تردید وجود دارد؛ زیرا اگر این چنین بود، در ماده ۳۱۴ قانون تجارت بر این نکته تأکید نمی شد که: «صدور چک ولو اینکه از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً عمل تجارتمی محسوب نیست». آیا از تأکید قانون گذار در اینکه چک ذاتاً عمل تجارتمی نیست، و عدم تصریح او به این نکته در مواد مربوط به سفته نمی توان استنباط کرد که قانون گذار سفته را نیز عمل تجارتمی تلقی می کند؟ دقت در ماده ۳۰۹ قانون تجارت نشان می دهد که در ماده اخیر قانون گذار همان قواعدی را مقرر می کند که در ماده ۳۱۴ مقرر کرده است. در واقع، قانون گذار در مواد مزبور مقرر می کند که مقررات راجعه به بروات تجارتمی (از ضمانت صادر کننده و ظهرنویسها گرفته تا اعتراضات

اقامه دعوی، ضمان و مفقود شدن برات) شامل سفته و چک هم می شود. تنها تفاوت دو ماده ۳۰۹ و ۳۱۴، که یکی در مورد سفته و یکی درباره چک است، این است که در ماده ۳۰۹ هیچ قیدی وجود ندارد که به تجاری بودن یا غیرتجاری بودن اشاره شده باشد؛ در حالی که در ماده ۳۱۴ بر این نکته که چک ذاتاً عمل تجارتمی نیست، تصریح شده است.

مطالعه مواد راجع به برات نیز نشان می دهد که قانون گذار در مورد این سند نیز به تجاری یا غیرتجاری بودن آن اشاره ای نکرده است. پس، از دید قانون گذار برات و سفته ذاتاً عمل تجارتمی تلقی شده اند و در عبارت: «دعاوی راجعه به برات و فته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتمی صادر شده»، جمله آخر یعنی: «از طرف تجار یا برای امور تجارتمی صادر شده» فقط به چک مربوط می شود؛ زیرا در ماده ۳۱۴ قانون گذار فقط در مورد چک قائل به تفکیک سند تجاری و غیرتجاری شده است و قید مندرج در ماده ۳۱۸ در واقع برای تأکید ماده ۳۱۴ است. به بیان دیگر، چون در ماده ۳۱۴، قانون گذار چک را ذاتاً تجارتمی تلقی نکرده است، قصد داشته با وضع ماده ۳۱۸ بر این نکته تأکید کند که در دعاوی راجعه به چک، برحسب اینکه چک از طرف تجار صادر شده باشد و یا برای امور تجارتمی باشد، باید قائل به تفکیک شد.

از طرفی، آنچه به اسناد تجاری ماهیت تجارتمی می دهد، شکل این اسناد است، نه عملیاتی که اساس ایجاد آنها را تشکیل می دهد. اگر روزگاری سفته تجاری و غیرتجاری از یکدیگر جدا می شدند، به این علت بود که از این سند به عنوان وسیله تبدیل پول محل صدور به پول محل پرداخت استفاده می شد؛ امادر حال حاضر که سفته بدین منظور به کار نمی رود، تفکیک سفته تجاری و غیرتجاری بی مورد است. این استدلال در مورد چک نیز صادق است؛ اما چون قانون گذار در ماده ۳۱۴ بر این نکته تأکید کرده است که: «صدور چک ولو اینکه از محلی به محل دیگر باشد، ذاتاً عمل تجارتمی محسوب نیست»، باید در مورد آن قائل به تفکیک شد و از آنجا که در مورد سفته چنین قیدی دیده نمی شود، باید از این تفکیک پرهیز کرد.

در فرانسه نیز که رویه قضایی سفته را ذاتاً تجاری تلقی نکرده است،<sup>۱</sup> صلاحیت رسیدگی به سفته را بیشتر بر عهده دادگاه تجارت گذاشته‌اند؛ به این صورت که اولاً هرگاه سفته متضمن امضانات تجار و غیرتجار باشد، دادگاه صلاحیتدار دادگاه تجارت خواهد بود؛ ثانیاً هرگاه سفته فقط متضمن امضای اشخاص غیرتاجر باشد، عدم صلاحیت دادگاه تجارت وقتی صادر می‌شود که به صلاحیت او ایراد شود (ماده ۶۳۶ ق. ت). هرگاه این ایراد به عدل نیاید، دادگاه تجارت به دعاوی راجع به سفته‌ای که حاوی امضانات اشخاص غیرتاجر است نیز رسیدگی خواهد کرد.

باید اضافه کرد که به دلیل نقش مشابهی که سفته و برات ایفا می‌کنند، قوانین بسیاری از کشورها، نظیر آلمان، ایتالیا و بلژیک میان دو سند مزبور تفاوتی قائل نیستند.<sup>۲</sup>

امروزه در کشور ما نیز تقریباً نیازی به تفکیک برات و سفته از حیث تجاری و مدنی بودن نیست؛ زیرا اولاً از حیث صلاحیت، مرجع رسیدگی به دو سند یکی است و آن دادگاه حقوقی است؛ ثانیاً اگر روزگاری به سبب لزوم رسیدگی اختصاصی به دعاوی تجاری، این تفکیک نمودمند بود، امروزه رسیدگی در تمام دادگاهها اختصاری است و در این مورد، بین برات و سفته تفاوتی وجود ندارد. تنها فایده‌ای که ممکن است وجود داشته باشد، در ماده ۳۱۸ قانون تجارت نهفته است و آن، مرور زمان پنجساله است که همان‌طور که ما معتقدیم، هنوز برقرار است.

به این دلیل، رأی اصراری هیئت عمومی دیوان عالی کشور - همسوبا قوانین دیگر کشورها راجع به سفته - باید کنار گذاشته شود و در مورد سفته نیز به صرف شکل آن، مقررات تجاری اعمال شود؛ اعم از آنکه توسط اشخاص عادی صادر شود و یا آنکه اشخاص تاجر به سبب اعمال تجاری آن را صادر کنند.

۱. Paris, 22 déc. 1958; D. ; 1959, Somm. 54.

۲. اسناد تجاری؛ جزوه درسی، ص ۲۱۴، پاورقی ۱.

### بخش چهارم: اجرای مقررات برات در مورد سفته

به موجب ماده ۳۰۹ قانون تجارت: «تمام مقررات راجع به بروات تجاری (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب [چهارم]) در مورد سفته نیز لازم‌الرعايه است»؛<sup>۱</sup> اما سفته و برات یک تفاوت عمده دارند و آن این است که در برات سه نفر (برات‌کش، محال‌علیه، و دارنده) نقش دارند، در حالی که در سفته فقط دو نفر (متعهد و دارنده) دارای نقشند. بنابراین، نظریات راجع به برات در مورد برانگیز و برات‌کش، در سفته مصداق ندارد؛ نه قبولی وجود دارد و نه محل. در واقع، برخلاف بعضی نظریات<sup>۲</sup> که تعهد متعهد سفته را متضمن دو تعهد صدور و قبولی می‌دانند، تعهد سفته فقط تعهد صادرکننده است و بنابراین، در مورد این سند تجاری نمی‌توان قائل به وجود محل شد. این نکته را دیوان کشور فرانسه مورد تأیید قرار داده است.<sup>۳</sup> شعبه چهارم دیوان کشور ما نیز در این باره نظریه مشابهی دارد. در واقع، برحسب رأی شماره ۱۰۵۲ مورخ ۱۳۱۶/۵/۱۲: «نظر به اینکه مواد ۲۸۲ و ۲۸۹ قانون تجارت، به قرینه ماده ۲۹۰ آن قانون، راجع است به دعوی دارنده برات بر ظهرنویسها و هریک از ظهرنویسان بر یاد سابق خود، و مطابق ماده ۲۹۰ دعوی دارنده برات و ظهرنویسان، بعد از انقضای موعده مذکور در مواد قبیل از آن در صورتی پذیرفته نمی‌شود که برات‌دهنده ثابت نماید در سر وعده وجه برات را به محال‌علیه رسانیده و در این صورت، حق مراجعه به برات‌دهنده را نیز دارد، این قسمت در مورد برات ممکن است؛ چون که برات‌دهنده غیر از محال‌علیه است؛ ولی در موردی که مستند دعوی فته‌طلب و محال‌علیه دیگری غیر از دهنده فته‌طلب در بین نیست، تا ممکن باشد شرط مذکور محقق شود، دعوی دارنده فته‌طلب بر دهنده آن بعد از انقضای

۱. بنابراین برخلاف نظریه شماره ۷/۳۱۴۲ - ۶۲/۸/۱۲ اداره حقوقی وزارت دادگستری (قانون اسناد تجاری ایران؛ ص ۵۵) حتی در سفته‌های به رؤیت، مطالبه باید برحسب واخواست به عمل آید و ارسال اظهارنامه کفایت نمی‌کند.

2. Hamel, J. G. Lagarde et A. Jauffret; *Traité de droit commercial*; t. 2, n°. 1496.

3. Cass. Com., 15 décembre 1947; D.; 1948, 127; S.; 1948, I, 41, note Lescot, J. C. P.; 1948.

2, 4130, note Roblot.

مواعد مذکور، مادام که مرور زمان حاصل نشده، مسموع خواهد بود و با ملاحظه ماده ۲۳۰ و سایر مواد قانون تجارت مربوط به فته طلب و برات، عدم اشتغال ذمه دهنده فته طلب، تأثیر در سقوط تعهد مشارالیه که به موجب فته طلب کرده ندارد.<sup>۱</sup> این نظریه دیوان کشور ایران، با وجود عدم صراحت آن، مؤید وجود مفهوم «محل» در حقوق ایران در مورد برات و عدم وجود آن در مورد سفته است.

## فصل دوم

### قبض انبار

قبض انبار<sup>۱</sup> در قانون تجارت ایران پیش‌بینی نشده است، بلکه در تصویب‌نامه قانونی مورخ ۱۳۴۰/۶/۱۱، مربوط به تأسیس انبارهای عمومی تجویز شده است. مقرراتی نیز راجع به قبض انبار در آیین‌نامه انبارهای عمومی مصوب دی ماه ۱۳۴۰ هیئت وزیران پیش‌بینی شده است که به آنها اشاره خواهد شد.

به موجب ماده یکم تصویب‌نامه «انبار عمومی مؤسسه‌ای است بازرگانی که به منظور قبول امانت و نگهداری مواد اولیه و محصولات صنعتی و فلاحتی و کالاهای صاحبان صنایع و کشاورزان و بازرگانان، با موافقت هیئت نظارت بر انبارهای عمومی و با رعایت مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های مربوط به صورت شرکت سهامی، تأسیس و بر طبق مقررات ایران به ثبت رسیده باشد». انبارهای عمومی در مقابل به امانت گرفتن کالاها، سندی صادر می‌کنند که از دو قسمت قبض رسید و برگ وثیقه تشکیل شده و به «قبض انبار» موسوم است. آنچه در این فصل می‌خوانیم فقط به ماهیت و کاربرد این سند مربوط می‌شود و به طرز تشکیل انبارهای عمومی و نیز به امانت و وثیقه گذاشتن کالاها که در بحث مربوط به قراردادهای تجاری بررسی می‌شوند، ارتباطی نخواهد داشت. ابتدا قبض انبار را تعریف و ماهیت آن را معین می‌کنیم و سپس، ماهیت ظهنویسی و پرداخت این سند تجاری را بررسی خواهیم کرد.

## تعریف، فایده و قواعد عمومی چک

چک وسیله‌ای جهانی برای پرداخت است و به همین دلیل، کوشش می‌شود که در جهان شکل و ماهیتی یکسان داشته باشد. در این باب به بررسی چک در حقوق ایران خواهیم پرداخت. به این منظور ابتدا در این فصل به تعریف، تعیین فایده اقتصادی چک و نیز بیان مختصری از تاریخچه آن می‌پردازیم و سپس چک را از نظر حقوق تطبیقی و حقوق بین‌المللی مطالعه خواهیم کرد. در فصلهای بعد نیز در مورد ضرورت چک، الزامات صدور چک و انتقال و پرداخت آن، سخن خواهیم گفت.

### بخش اول: تعریف و فایده اقتصادی چک

#### مبحث اول: تعریف و ماهیت حقوقی چک

ماده ۳۱۰ قانون تجارت چک را چنین معرفی می‌کند: «چک نوشته‌ای است که به موجب آن، صادرکننده وجوهی را که در نزد محال‌علیه دارد، کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید؛ اما ماده ۲ قانون صدور چک، آن را سندی می‌داند که عهده بانکهای دایر به موجب قانون ایران صادر شده باشد؛ یعنی چک از نظر قانون اخیر، نوشته‌ای است که عهده یک بانک صادر شده باشد و به عبارت دیگر، نوشته‌ای است که محال‌علیه آن یک بانک است.

با توجه به دو ماده فوق و عرف موجود در ایران، چک عبارت از «ورقه‌ای است که به وسیله آن، صادرکننده مبالغی را که بانک در حساب او نگه داشته، خود

برداشت می‌کند و یا به بانک دستور می‌دهد که آن را به شخص ثالث یا به حواله کرد شخص مزبور پرداخت کند. مبلغ موجود در حساب صادرکننده یا توسط صادرکننده در بانک گذاشته شده است و یا آنکه بانک آن را به عنوان اعتبار به حساب او واریز کرده است. پس برخلاف ماده ۳۱۰ قانون تجارت، در عمل، فقط یک بانک می‌تواند محال علیه چک باشد. در کشورهای اروپایی مؤسسات دیگر مالی نیز، بسته به نظر قانون، در حکم بانک تلقی می‌شوند.

چک از این نظر که یک سند شکلی است و سه نفر (صادرکننده، دارنده و بانک) در آن نقش دارند، مانند برات است؛ اما پرداخت وجه چک، برخلاف برات<sup>۱</sup>، فوری است و بنابراین، علی‌الاصول برای پرداخت آن، از سوی دارنده مهلتی به صادرکننده داده نمی‌شود؛ ولی چون اعتبار آن از نظر اشخاص ثالث، به عمل حقوقی صدور آن بستگی دارد، حقوق مربوط به چک با استفاده از حقوق مربوط به برات نوشته شده است.

### مبحث دوم: فایده اقتصادی چک

در مورد برات گفتیم که این سند تجاری هم وسیله پرداخت است و هم وسیله اعطای اعتبار؛ اما چک فقط وسیله پرداخت است و به دلایل زیر دارای اهمیت است:

۱. چک به صادرکننده امکان می‌دهد که هر وقت بخواهد از موجودی خود در بانک بشخصه و یا توسط شخص ثالثی که نماینده اوست، برداشت کند.

۲. چک، پرداخت بدون استفاده از پول را در معاملات میسر می‌سازد و با استفاده از آن، اشخاص مجبور نیستند برای انجام دادن معاملات خود همواره پول همراه داشته باشند؛ در نتیجه، خطر حمل و نقل پول از میان می‌رود.

۱. البته، چک طبیعی چون برات به رؤیت دارد. در برات به رؤیت هم پرداخت فوری است و مانند چک، قبولی در خصوص آن مصداق ندارد. بیهوده نیست که قانون انگلستان راجع به بروات (مصوب ۱۸۸۲) چک را به عنوان برات به رؤیت تلقی می‌کند (ر. ک. : حقوق تجارت تطبیقی؛ ص ۱۷۷).

۳. صدور چک برخلاف نشر اسکناس بر حسب نیاز انجام می‌گیرد و به این علت، استفاده از آن از حجم گردش پول می‌کاهد.

۴. چک موجب تسهیل پرداخت تهاتری است؛ به این معنی که دریافت‌کننده چک به جای نقد کردن آن، چک را به حساب خود می‌گذارد و در عوض، خریدهای خود را با چک انجام می‌دهد و مبلغ چک از حساب او کسر می‌گردد. این مهم‌ترین فایده چک است که به موجب آن، اشخاص می‌توانند بدون استفاده از پول به تعهدات خود عمل کنند. این نوع تهاتر بین حساب، در پاره‌ای کشورها مانند فرانسه<sup>۱</sup>، تحت شرایطی اجباری است.

البته، در مقابل فوایدی که برشمردیم، چک اشکالاتی نیز دارد. مهم‌تر از همه اینکه استفاده از چک به جای پول، متعهدله را در معرض خطر دریافت چک بلامحل و یا چک سرقت شده قرار می‌دهد و فروشنده‌ای که کالا را در قبال چک تسلیم می‌کند، ممکن است دیگر نتواند به پول خود برسد. به این علت، قانون‌گذار، برخلاف برات و سفته، برای صدور چک بلامحل مقررات جزایی مقرر کرده است تا از این طریق، پرداختهایی که با چک انجام می‌شود، تضمین بیشتری داشته باشد. موارد جزایی چک را در جای خود بررسی خواهیم کرد؛ اما در اینجا به ذکر دهمین نکته بسنده می‌کنیم که با وجود این تمهیدات قانونی، صدور چکهای بی‌محل در حال افزایش است. این امر، قانون‌گذار را مجبور می‌کند راه‌حلهای جدیدی را جستجو کند؛ هر چند که تا زمان حاضر، در این باره، راه‌حل مؤثری به دست نیامده است. البته، مقررات قانون صدور چک مورخ ۱۳۵۵ و اصلاحات بعدی آن در ۱۳۷۲/۸/۲۳ نیز در افزایش صدور چکهای بی‌محل بی‌تأثیر نبوده است که به‌موقع به آن اشاره خواهیم کرد.

### بخش دوم: تاریخچه چک و مقررات حاکم بر آن

بعضی مؤلفان ایرانی حقوق تجارت، چک را واژه‌ای فارسی می‌دانند که از قدیم در

1. Ripert, G. et R. Roblot; *Traité de droit commercial*; t.2, nos. 2155-56.

ایران رایج بوده است؛<sup>۱</sup> هر چند برای این ادعای خود دلیلی قانع کننده ندارند. به نظر می رسد لفظ چک که در آثار بعضی نویسندگان و شاعران قدیم ایرانی دیده می شود، به فتح حرف «چ» باشد که به معنی قول و تعهد کتبی است.<sup>۲</sup>

واقعیت این است که چک قدمت تاریخی زیادی ندارد و ابتدا در قرن هفدهم در انگلستان مورد استفاده قرار گرفته است. وجه تسمیه آن نیز این است که در زبان انگلیسی چک (check) به مفهوم بازرسی و بررسی است. از آنجا که بانکها برای پرداخت وجه مندرج در سند، موجودی محیل را نزد خود بازرسی و بررسی می کنند، این سند، چک نامیده شد. فرانسویان که چک را به تقلید از انگلستان و به موجب قانون ۱۴ ژوئن ۱۸۶۵ به کار گرفتند، ابتدا آن را «chec» نامیدند؛ اما بعداً این کلمه کاملاً شکل فرانسه به خود گرفت و به «chèque» تبدیل شد.

قبل از به کار بردن چک، اشخاص برای استناد از وجوه خود در بانک، از برات به رؤیت و یا قبض قابل انتقال<sup>۳</sup> استفاده می کردند. از آنجا که استفاده از این اسناد مستلزم پرداخت حق تمبر سنگینی بود؛ برای توسعه بخشیدن به مؤسسات اعتباری و نیز تشویق مردم به پس انداز، قانون گذار فرانسه در ۱۴ ژوئن ۱۸۶۵ قانون مذکور را وضع کرده، چک را ایجاد کرد که از پرداخت هر گونه وجهی به عنوان حق تمبر معاف بود.<sup>۴</sup>

در انگلستان، چک در شکل فعلی خود احتمالاً در قرن شانزدهم نیز وجود داشته است؛ ولی این نکته مسلم است که در قرن هفدهم مورد استفاده قرار می گرفته

۱. ر. ک.: عرفانی، محمود؛ حقوق تجارت؛ ج ۱، ص ۲۵۱. و حسینی تهرانی، مرتضی؛ «چک و مقررات حقوقی آن»، فصلنامه حق؛ دفتر سوم، ص ۱۰۳ به بعد. و کاتبی، حسینقلی؛ حقوق تجارت؛ ص ۲۳۳.

۲. معزی قصیده سرای ایرانی چنین سروده است:  
آن بزرگان گر شوندی زنده در ایام او «چک» دهندی پیش او بر بندگی و چاکری  
فردوسی شاعر حماسه سرا نیز چک را به معنی نوشته معتبر به کار برده است:

به قیصر سپارم همه یک به یک از این پس نوشته فرستیم و چک

۳. récépissé transmissible  
۴. Droit commercial: n°. 99.

و در اواسط قرن هجدهم توسعه پیدا کرده است.<sup>۱</sup> حقوق انگلستان که چک را «براتی به رؤیت که بر روی بانکداری صادر شده باشد» تلقی می کرد، ابتدا مقررات راجع به چک را در قانون موسوم به «قانون بروات»<sup>۲</sup> (مورخ ۱۸۸۲) و سپس در قانونی به نام «قانون چکها»<sup>۳</sup> (مورخ ۱۹۵۷)، تدوین کرد. این حقوق بر قانون گذار ایالات متحده تأثیر فراوان گذاشته و مبنای قانون موسوم به «قانون اسناد قابل انتقال»<sup>۴</sup> این کشور قرار گرفته است. البته، بعداً با وضع قانون موسوم به «قانون تجارت متحدالشکل»<sup>۵</sup> حقوق امریکا ویژگیهای خود را به دست آورد.<sup>۶</sup>

در ایران تا قبل از سال ۱۳۱۱ سندی به نام چک وجود نداشت؛ اما در این سال قانون تجارت به تصویب رسید و چند ماده آن نیز به چک اختصاص یافت (مواد ۳۱۰ لغایت ۳۱۷). از آن تاریخ، برخلاف برات و سفته، چک دچار تحول شد و مقرراتش تا حدودی از برات و سفته متمایز گشت؛ از جمله آنکه برای چک مقررات جزایی در نظر گرفتند.

مقررات جزایی مندرج در بندهای «الف» و «ب» ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر عمومی، مصوب ۱۳۱۲/۸/۸ که صدوز چک بلامحل را از مصادیق کلاهبرداری تلقی می کرد، نمونه ای از این مقررات است. قوانین دیگری نیز در مورد چک وضع شد که هر بار، بر حسب زمان، چهره چک را دگرگون کردند. برای مثال، قانون چک بلامحل مصوب ۱۳۳۱/۸/۲۷ که ۱۲ ماده و ۵ تبصره داشت، چکهای صادره عهده بانک ملی ایران و بانک و مؤسسات اعتباری مجاز از طرف دولت را در حکم اسناد لازم الاجرا محسوب می کرد و علاوه بر مزایای ناشی از حق شکایت کیفری و

۱. Ripert G. et R. Roblot; *Traité de droit commercial*; t. 2, n°. 2154.  
۲. Bill of Exchange Act  
۳. Cheques Act  
۴. Negotiable Instrument Law  
۵. Uniform Commercial Code

۶. درباره حقوق انگلوساکسون در مورد چک رجوع کنید به:  
Megrah, M.; «Le systèmes du chèque dans le royaume uni», *Banque*; 1960, 10 et Farnsworth; «Le chèque en France et aux Etats-unis», *Rev. de la Banque*; 1962, 433.



مدنی، به دارنده امکان می‌داد که اگر چک به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که مربوط به صادرکننده است، پرداخت نشود، وجه چک را با توجه به قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اسناد رسمی وصول کند. بعد از این قانون، قوانین دیگری نیز به تصویب رسیده‌اند که عبارت‌اند از: قانون چک بی‌محل مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۶ که مشتمل بر ۱۴ ماده و ۴ تبصره بود؛ قانون چک مصوب ۱۳۴۴/۳/۴ و سرانجام، قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ که جز در مورد قسمتی از مواد آن که بعداً به موجب «قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک» مصوب ۱۳۷۲/۸/۲۳ و قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۸۲/۶/۱۲ اصلاح شده است، هنوز اعتبار قانونی دارد.

بدین ترتیب، برخلاف برات و سفته که فقط تابع قانون تجارتند، چک تابع دو قانون مختلف است: قانون تجارت و قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ و اصلاحات آن، و علاوه بر این، قانون مصوب ۱۳۳۷/۴/۲۲ که دربردارنده مقررات مربوط به چکهای تضمین شده است.

لازم است یادآوری کنیم که قانون‌گذار، برخلاف مورد سفته، این نکته را به طور صریح بیان کرده است که عمل صدور چک، ذاتاً تجاری نیست (ماده ۳۱۴ ق. ت) و برحسب اینکه توسط تاجر یا برای امور تجاری مورد استفاده قرار گیرد و یا آنکه توسط اشخاص غیرتاجر به کار گرفته شود، خصیصه تجاری و یا مدنی به خود می‌گیرد. البته، تفکیک چک بر این اساس امروزه منطقی نیست؛ زیرا با توجه به اینکه چک یک سند بانکی است و به طور عمده به وسیله بانکها تنظیم می‌گردد و به کار می‌رود، باید همچون برات، خصیصه تجاری ذاتی پیدا کند.

### بخش سوم: چک در حقوق بین‌الملل

به موازات یکنواخت کردن مقررات مربوط به برات و سفته، این فکر که چک تحت مقررات بین‌المللی یکسان قرار داده شود نیز همواره وجود داشته است. کنفرانسهای لاهه و ژنو در کنار بررسی قواعد برات و سفته، در مورد چک نیز اقداماتی انجام

داده‌اند. کنفرانس ژنو به دنبال کار مهمی که در سال ۱۹۳۰ در مورد برات و سفته به انجام رساند، در ۱۱ مارس ۱۹۳۱ سه کنوانسیون را در مورد چک به تصویب رساند: اولین کنوانسیون حاوی یک قانون متحدالشکل است؛ دومین کنوانسیون به تعارض قوانین پرداخته است و سومین کنوانسیون نیز در مورد حق تمبر است.<sup>۱</sup>

از زمان تصویب کنوانسیونهای ژنو، پاره‌ای از کشورها به آنها پیوسته‌اند و برخی دیگر نیز قوانین داخلی خود را براساس این کنوانسیونها تغییر داده‌اند. این کشورها عبارت‌اند از: آلمان (قانون ۱۴ اوت ۱۹۳۳)، اتریش (قانون ۲۶ فوریه ۱۹۵۵)، بلژیک (قانون اول مارس ۱۹۶۱)، برزیل (قانون ۲۴ ژانویه ۱۹۶۶)، دانمارک (قانون ۲۳ مارس ۱۹۳۲)، فنلاند (قانون ۱۴ ژوئیه ۱۹۳۲)، یونان (قانون ۲۰ دسامبر ۱۹۳۳)، مجارستان (تصویب‌نامه قانونی ۱۹۶۵)، ایتالیا (تصویب‌نامه قانونی ۲۱ دسامبر ۱۹۳۳)، ژاپن (قانون ۲۸ ژوئیه ۱۹۳۳)، موناکو (فرمان ۱۳ مارس ۱۹۳۶)، نروژ (قانون ۲۷ مه ۱۹۳۲)، هلند (قانون ۱۷ نوامبر ۱۹۳۳)، لهستان (قانون ۲۸ آوریل ۱۹۳۶)، پرتغال (قانون ۲۰ آوریل ۱۹۳۶)، سوئد (قانون ۱۳ مه ۱۹۳۳)، سویس (مواد ۱۱۰۰ به بعد قانون تعهدات اصلاحی ۱۸ دسامبر ۱۹۳۶) و فرانسه (تصویب‌نامه قانونی ۱۳۰ اکتبر ۱۹۳۵).

پاره‌ای کشورها بدون آنکه کنوانسیونهای ژنو را وارد قانون‌گذاری خود کنند، از آنها الهام گرفتند و قوانین خود را با آنها تطبیق داده‌اند. این گروه کشورها عبارت‌اند از: رومانی (قانون ۳۰ آوریل و اول مه ۱۹۳۴)، چکسلواکی (قانون ۲۰ دسامبر ۱۹۵۰)، مکزیک (قانون ۲۶ اوت ۱۹۳۲)، لوکزامبورگ (قانون ۴ ژوئیه ۱۹۶۸) که به موجب قانون ۱۶ ژانویه ۱۹۸۷ تغییر یافته است) و اسپانیا (قانون ۱۶ ژوئیه ۱۹۸۵). ایران به کنوانسیونهای ژنو راجع به چک نپیوسته است.

با اینکه کشورهای بسیاری به کنوانسیونهای ژنو پیوسته‌اند، وحدت مقررات راجع به چک هنوز کامل نیست؛ زیرا کشورهای انگلوساکسون تا به حال به این

۱. برای مطالعه متن انگلیسی و ترجمه فارسی این کنوانسیونها رجوع کنید به: مجله حقوقی؛ ش ۱۳، بخش اسناد بین‌المللی؛ و برای توضیح همین کنوانسیونها نیز رجوع کنید به: اخلاقی، بهروز؛ چک در قلمرو حقوق تجارت بین‌الملل، مجله حقوقی؛ ش ۱۳، ص ۷ به بعد.

کنوانسیونها پیوسته‌اند؛ جز انگلستان که فقط کنوانسیون راجع به تمبر را پذیرفته است. البته، کشورهایی که به کنوانسیون ملحق شده‌اند و یا از آن الهام گرفته‌اند، مقررات، آن را به طور یکسان پذیرفته‌اند، بلکه همان‌طور که در مقدمه توجیهی کنوانسیونهای ژنو مربوط به چک آمده است: «اولاً تعدادی از دولتهای ملحق شده، رزروهای اجازه داده شده را اعمال کرده‌اند؛ به نحوی که در بسیاری موضوعات مقررات متفاوت اتخاذ شده است؛ ثانیاً در پاره‌ای موارد - البته به طور محدود - با وجود دقتی که در ترجمه به عمل آمده، اختلاف زبان در کشورهایی که زبان آنها زبان کنوانسیون نبوده، اختلافاتی را موجب گردیده است؛ ثالثاً رویه قضایی کشورهایی که قانون بکنواخت را پذیرفته‌اند، تفسیری منطبق با روح قانون ایجاد نکرده است».

به علت وجود مقررات ارزی و بانکی متفاوت در کشورهای مختلف و محدودیت‌های ناشی از آن، برخلاف برات، در سطح بین‌المللی از چک استقبال چندانی نمی‌شود و در معاملات بین‌المللی، پرداختها بیشتر از طریق حواله ارزی بانکی به عمل می‌آید. شاید به همین دلیل در حال حاضر - تا آنجا که ما اطلاع داریم - برخلاف آنچه در مورد برات و سفته وجود دارد، ضرورت ایجاد یک «چک بین‌المللی» که کاربردی صرفاً بین‌المللی داشته باشد، هنوز احساس نمی‌شود.

## فصل دوم

### صورت چک

علی‌الاصول، چک را بر روی هر ورقه‌ای می‌توان صادر کرد؛ اما در عمل، بانکها و مؤسسات اعتباری، چک را بر روی ورقه‌های چاپی تنظیم می‌کنند و در اختیار مشتریان خود قرار می‌دهند. این اقدام بانکها اگر چه به دارنده اطمینان می‌دهد ورقه‌ای که دریافت می‌کند به‌واقع یک چک است، از آن خطرهایی نظیر سرقت و گم شدن آن و در نتیجه، از بین رفتن حق او به موجب چک مصون نمی‌دارد. برای مذاکره با این گونه خطرها، در کشورهای مختلف، قانون‌گذاران انواع خاصی از چک را پیش‌بینی و ابداع کرده‌اند که متضمن نبود و علائقهای ویژه‌ای است.


با توجه به این واقعیات، ما در بررسی صورت چک، چک عادی - یعنی چکی که قوانین سنتی پیش‌بینی کرده‌اند - را از چکهای خاص جدا کرده‌ایم و هر یک از چکهای اخیر را در بخشی جداگانه مطالعه خواهیم کرد.

#### بخش اول: چک عادی

چک عادی همان چکی است که قانون تجارت ایران در ماده ۳۱۰ آن را تعریف کرده و مواد دیگری را نیز به بیان مندرجات آن اختصاص داده است.

#### مبحث اول: صورت چک

به موجب ماده ۳۱۰ قانون تجارت: «چک نوشته‌ای است که به موجب آن،

تاریخ: ۱۳۷۵ ۴۷۱۱۲۶	شماره: ۱۳۷۵ ۴۷۱۱۲۶	 بانک سپه شعبه	تعیین برادرساز شده
محل صدور: ...	محل پرداخت: ...		مبلغ: ...
نام صادرکننده: ...	نام دارنده: ...	محل صدور: ...	محل پرداخت: ...
مبلغ: ...	تاریخ: ...	محل صدور: ...	محل پرداخت: ...
نام صادرکننده: ...	نام دارنده: ...	محل صدور: ...	محل پرداخت: ...
مبلغ: ...	تاریخ: ...	محل صدور: ...	محل پرداخت: ...

شکل ۳ نمونه‌ای از برگه چک

معاذرکننده وجوهی را که در نزد محال‌علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید. پس، از نظر شکل ظاهر، چک را روی هر ورقه‌ای می‌توان صادر کرد؛ اما معمولاً به صورت چاپی تهیه شده، از طرف بانکها به صورت دسته چک در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که نزد بانک محال‌علیه حساب جاری باز کرده‌اند. دسته چک باید به خود مشتری تحویل شود؛ والا بانک مسئول سوءاستفاده از چکهای متعلق به مشتری است. در قبال هر برگ چکی که بانکها چاپ می‌کنند، دو ریال حق تمبر اخذ می‌شود. این مبلغ کم از علت‌هایی است که باعث می‌شود در پرداختهای مدت‌دار و یا در تضمین معاملات، به جای سفته و برات از چک استفاده شود و همین امر، موجب افزایش ارتکاب جرم صدور چک بلامحل شده است.

الف) مندرجات الزامی

اول: قید کلمه چک در روی ورقه. قانون تجارت قید کلمه «چک» را روی ورقه‌ای که در ماده ۳۱۰ قانون تجارت به آن اشاره شده، ضروری ندانسته است. برعکس، قانون متحدالشکل ژنو راجع به چک، و اغلب قوانین اروپایی، قید کلمه چک را در روی ورقه الزامی می‌دانند.<sup>۱</sup> کلمه «چک» به زبانی قید می‌شود که اصل

۱. ماده ۴۴ قانون مالیاتهای مستقیم، مورخ ۱۳۶۶/۱۲/۳ (مجموعه قوانین سال ۱۳۶۷؛ ص ۳۳).  
 ۲. در حقوق انگلستان، قید کلمه چک در ورقه اجباری نیست.

چک به آن تنظیم شده است. این امر موجب رفع ابهام از ماهیت ورقه است و آن را از برات به رؤیت مجزا می‌کند. در عمل، در کشور ما و کشورهای دیگر مشکلی در این مورد وجود ندارد؛ زیرا روی کلیه ورقه‌های چک که توسط بانکها چاپ می‌شود، کلمه چک قید می‌شود.

دوم: دستور پرداخت. از تعریف چک در ماده ۳۱۰ قانون تجارت چنین استنباط می‌شود که چک باید متضمن دستوری باشد که به موجب آن، صادرکننده وجوهی را که در نزد بانک دارد کلاً یا بعضاً مسترد دارد یا آن را به دیگری واگذار کند. دستور پرداخت باید بدون قید و شرط باشد. «هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نمی‌دهد» (ماده ۲ قانون صدور چک). بدیهی است که در چک باید مبلغ نوشته شده باشد والا چک اعتبار ندارد. سوم: نام پرداخت‌کننده. ماده ۳۱۰ قانون تجارت به اینکه محال‌علیه چک باید الزاماً یک بانک باشد اشاره نکرده است؛ ولی قانون صدور چک فقط از دارندگان چک‌هایی که بر روی یک بانک کشیده شده باشند، حمایت می‌کند. به این دلیل، چکها در عمل فقط بر روی بانکها کشیده می‌شوند.

قید نام پرداخت‌کننده چک در عمل مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا هر بانکی هنگام چاپ ورقه‌های چک، نام خود را روی آنها قید می‌کند.

چهارم: قید مکان صدور. ماده ۳۱۱ قانون تجارت به صراحت به این مورد اشاره کرده است. هرگاه مکان صدور، روی ورقه چک قید نشده باشد، محل پرداخت محل صدور تلقی می‌شود. البته، در عمل در این مورد نیز مشکلی وجود ندارد؛ چه روی چک‌هایی که در اختیار صاحبان حسابهای بانکی گذاشته می‌شود، نام شعبه‌ای که باید چک را پرداخت کند، قید شده است.

پنجم: قید تاریخ صدور. تاریخ صدور چک که باید متضمن روز، ماه و سال صدور باشد، معمولاً به حروف نوشته می‌شود؛ لکن هرگاه به حروف نوشته نشده باشد، از اعتبار چک به عنوان سند تجاری کاسته نمی‌شود. قید تاریخ صدور چک از نظر مدنی و جزایی حایز اهمیت است؛ زیرا صادرکننده چک هنگامی از نظر مدنی و جزایی قابل تعقیب است که دارنده چک مهلت‌های مقرر را در مراجعه به بانک و طرح

دعوی رعایت کرده باشد و این مهلتها نیز از تاریخ صدور چک تعیین می‌شوند.

سایر مطالبی که درباره تاریخ صدور چک باید گفت همان است که در مورد برات گفته شد؛ جز آنکه در مورد چک، به دلیل فوری بودن پرداختش، تاریخ صدور و تاریخ پرداخت، یکی است (ماده ۳۱۱ ق. ت). البته، این تاریخ باید به روز و ماه و سال باشد.<sup>۱</sup>

ششم: قید نام دارنده، به موجب ماده ۳۱۲ قانون تجارت: «چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد... بنابراین، برخلاف برات، صدور چک در وجه حامل بلاشکال است.

هفتم: امضای چک. برخلاف برات و سفته که با مهر صادرکننده نیز معتبرند، اعتبار چک فقط در صورتی است که به امضای صادرکننده رسیده باشد. هرگاه امضای صادرکننده جعل شده باشد، چک باطل است. زیرا چکی که جعل شده باشد وضایت صادرکننده را ندارد (ماده ۱۹۰ ق. م).

هشتم: تعدد نسخ. از آنجا که ماده ۲۱۴ قانون تجارت فقط مقررات مربوط به ضمانت، ظهرنویسی، اعتراض، اقامه دعوی، ضیمان و مفقود شدن برات را در مورد چک لازم‌الاجرا دانسته است، قواعد راجع به تعدد نسخ در برات را نمی‌توان در مورد چک اعمال کرد. در فرانسه که تعدد نسخ چک پذیرفته شده است نیز افراد تقریباً هرگز از این حق استفاده نمی‌کنند.

نهم: ضمانت اجرای مندرجات الزامی. در قانون تجارت ماده خاصی به این امر اختصاص نیافته است؛<sup>۲</sup> لیکن چون قانون صدور چک فقط از چک‌هایی حمایت می‌کند که بر روی بانکها صادر شده‌اند و بانکها نیز شرایط الزامی مذکور در قانون تجارت را روی برگهای چک چاپ می‌کنند و صاحبان حساب فقط محل‌های خالی سند را پر می‌کنند، در عمل فقط اوراقی چک تلقی می‌شوند که شرایط مذکور در

۱. ر. ک.: مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری در زمینه مسائل مدنی؛ ج ۱ ص ۳۱۶.

۲. مع‌ذلک، تبصره ذیل ماده ۳۱۹ ق. ت. چکی را که فاقد شرایط اساسی مقرر در این قانون باشد، یعنی در واقع شرایط منعکس در ماده ۳۱۱ - چک تلقی نمی‌کند.

قانون را داشته باشند.

احتیاطهایی که بانکهای ایران در پرداخت چک می‌کنند، چنان جدی است که می‌توان گفت برحسب عرف و عمل، چکی که دارای شرایط مندرج در قانون نباشد، دیگر چک به حساب نمی‌آید، بلکه سند دیگری است که برحسب شکل و محتوای خود، تابع شرایط دیگری است. مثلاً اگرچه قانون تجارت قید نکرده است که مبلغ چک باید به حروف یا ارقام نوشته شود، در عمل مبلغ چک هم به حروف و هم به ارقام نوشته می‌شود و براساس قاعده وحدت ملاک کلیه مقرراتی که راجع به برات درباره مبلغ برات ذکر گردیده در چک نیز در نظر گرفته می‌شود؛ ولی بانکها برای احتیاط در موارد اختلاف میان مبلغ به حروف و به ارقام از پرداخت وجه چک خودداری می‌کنند تا صادرکننده چک دو مرتبه تصریح کند که کدام مبلغ صحیح و موردنظر است.<sup>۱</sup>

ماده ۳۱۷ قانون تجارت ایران، در مورد ضمانت اجرای مندرجات قانونی چک، یک قاعده حل تعارض را مقرر می‌کند که به موجب آن، چک‌هایی که در ایران صادر نمی‌شوند و یا چک‌هایی که در خارج صادر شده و باید در ایران پرداخت شوند، باید شرایط شکلی مذکور در قانون ایران را داشته باشند، و الا از نظر قانون ایران چک محسوب نمی‌شوند و از مزایای چک برخوردار نخواهند بود.<sup>۲</sup> همان‌طور که در مورد سفته گفتیم،<sup>۳</sup> در مورد چک نیز اگر نوشته‌ای دارای یکی از شرایط اساسی مقرر در قانون تجارت نباشد، چک به حساب نمی‌آید (تبصره ماده ۳۱۹ ق. ت).

۱. ستوده تهرانی، حسن؛ حقوق تجارت؛ ج ۳، ص ۱۲۳.

۲. کوانسیون دوم ژنو راجع به چک، مورخ ۱۹۳۱ که مقررات تعارض قوانین را در مورد چک مقرر می‌کند، صحت صوری چک را تابع قانون محلی می‌داند که تعهد در آنجا ایجاد شده است؛ اما این قاعده متضمن دو استثناءست: اول اینکه هرگاه شرایط صوری محل پرداخت از شرایط صوری محل صدور سهل‌تر باشد، باید شرایط سهل‌تر را اعمال کرد؛ دوم اینکه هرگاه به موجب قانون محل صدور، چک باطل باشد، امضای ورقه در کشوری که آن را چک تلقی می‌کند، امضاکننده را متعهد می‌سازد.

۳. ر. ک.: ص ۱۹۹ و ۲۰۰ همین کتاب.

## ب) مندرجات اختیاری

این موارد را به واسطه عدم منع قانون گذار، در چک نیز مانند برات و سفته می توان درج کرد. مندرجات مزبور که در بررسی برات به توضیح آنها پرداختیم، عبارتند از:

- تعیین نام کسی که چک در وجه او صادر می شود (ماده ۳۱۲ ق. ت)؛

- قید ضمانت که در چک بسیار نادر است؛

- قید شرط بازگشت بدون هزینه که این امر نیز در مورد چک شایع نیست؛

- قید عدم ظهرنویسی؛

- قید علت صدور چک (معامله اصلی) و غیره.

## بخش دوم: چکهای خاص

جز چک تضمین شده که در ایران قانون خاص دارد، چکهای دیگری نیز در سیستم بانکی مورد استناد قرار می گیرد که مطالعه آنها لااقل از نظر آشنایی با خصوصیاتشان مفید به نظر می رسد.

## مبحث اول: چک تضمین شده

در قوانین فعلی ایران از دو نوع چک با نام «چک تضمین شده» سخن به میان آمده است: نخست چک تضمین شده بانک ملی و دیگر چک تضمین شده موضوع قانون جدید صدور چک (اصلاحی ۱۳۷۲/۸/۲۳).<sup>۱</sup>

## الف) چک تضمین شده بانک ملی

این چک را قانون چکهای تضمین شده مصوب ۱۳۳۷/۴/۲۲ به وجود آورده است.

۱. در خصوص این قانون ر. ک.: مقاله نگارنده تحت عنوان «نقدی بر قانون جدید صدور چک

مصوب ۱۳۷۲»، نامه سفید؛ س ۱۳۷۴، ش ۲، ص ۱۱۵. و قائم مقام فراهانی، محمدحسین؛ «نقدی بر قانون اصلاحی چک مصوب آبان ۷۲»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی؛

ش ۳۳، ص ۴۳.

قانون مزبور که در مجموع ۵ ماده دارد، در ماده یک خود مقرر می کند: «به بانک ملی ایران اجازه داده می شود که به تقاضای مشتریان، چکهایی به نام چکهای تضمین شده که پرداخت وجه آنها از طرف بانک تعهد شده باشد، در دسترس صاحبان حساب بگذارد».

در واقع، صادرکننده چک مشتری بانک است و بانک به عنوان محال علیه مسئولیت دارد وجه چک (محل چک) را از حساب مشتری پرداخت کند. چون با تضمین پرداخت وجه، بانک در حقیقت محل چک را به دارنده آن اختصاص می دهد، نمی تواند پس از آنکه چک را در اختیار صاحب حساب گذاشت، مبلغ چک را برای پرداخت مبلغی جز پرداخت وجه چک اختصاص دهد. به این علت، با تغییر صاحب چک بر اثر ظهرنویسی، محل چک به دارنده های بعدی آن اختصاص می یابد. در تأیید این مطلب، ماده ۲ قانون چکهای تضمین شده مقرر می دارد: «صادرکننده و پشت نویسان حق ندارند پرداخت وجه چک تضمین شده را منع کنند یا تقاضای مسدود کردن آن را بنمایند». ماده ۳ قانون اخیر در تأیید انتقال محل چک به دارنده صراحت بیشتری دارد: «فوت و حجر و ورشکستگی صادرکننده چک تضمین شده خللی به حقوق دارنده چک وارد نخواهد ساخت. طلبکاران صادرکننده نیز حق توقیف وجه این نوع چک را در صورتی که به نفع دیگری صادر یا پشت نویسی شده باشد، نخواهند داشت».

اما قانون گذار که به موجب مواد ۲ و ۳ قانون اخیر، صادرکننده و ظهرنویسان را از تقاضای مسدود کردن چک منع کرده است و نیز طلبکاران صادرکننده و ظهرنویس را از توقیف وجه چک محروم کرده، مسئولیت بانک را در پرداخت چک معین نکرده است. در این مورد، بدیهی است بانکی که پرداخت وجه چک را تضمین کرده، تعهد می کند که صادرکننده چک، معادل وجه آن در بانک موجودی دارد و متعهد می شود که وجه مزبور را به شخص دیگری جز دارنده چک پرداخت نکند و الا مسئول است.

چون چک تضمین شده را می توان به صورت حامل صادر کرد - که در عمل

هم چنین است - و در بسیاری از معاملات کلان نیز به جای استفاده از پول از این چک استفاده می شود، و در نتیجه ممکن است این چک به رقیب پول تبدیل شود، قانون گذار برای جلوگیری از شیوع آن، اجازه استفاده از چک تضمین شده را فقط به بانک ملی داده است. در همین باره، ماده ۴ قانون ۱۳۳۷ مقرر می دارد: «سایر بانکها حق ندارند چکهایی به ترتیب مذکور در ماده یک به جریان بگذارند».

با وجود این، هیئت عمومی دیوان عالی کشور به موجب رأی شماره ۷۴ مورخ ۱۳۴۶/۱۰/۲۷ چک تضمین شده را مشمول بلیت بانک شناخته، جعل آن را در حکم جعل اسکناس محسوب کرده و به اکثریت چنین رأی داده است:

«... اعتراضات بعضی از متهمین فرجام خواهد... به عدم انطباق عمل انتسابی به آنان، با شق ۹ از ماده ۹۸ قانون مجازات عمومی استنادی دادگاه به این بیان که چک تضمین شده بلیت یا اسکناس بانک نیست، بلکه با تعریفی که در قانون مزبور از آن شده، نظیر چکهای عادی است که اشخاص صادر می کنند و اینکه منظور از بلیت بانک همان اسکناس و کلمات «بلیت» یا «اسکناس» که در ماده مذکور نوشته شده با هم مترادف می باشند، این اعتراضات نیز وارد و موجه به نظر نمی رسد؛ چه ذکر کلمات مترادف دارای مفهوم واحد در قانون غیر معقول است] و هر چند ممکن است گفته شود اسکناس نوعی بلیت بانک می باشد، ولی چنین نیست که بلیت بانک منحصرأ بر اسکناس اطلاق شود، بلکه بلیت بانک ورقه بهاداری است با مشخصات معین که از طرف بانک مجاز انتشار می یابد و بانک متعهد پرداخت وجه آن به دارنده است و اوراق بهادار مورد بحث در این پرونده نیز که منحصرأ به وسیله بانک ملی ایران (که یک مؤسسه وابسته به دولت و تمام سرمایه آن متعلق به دولت است) با امضای مدیر مسئول آن انتشار یافته و تعهد پرداخت وجه آن به دارنده گردیده و مورد استفاده عموم قرار گرفته و عملاً رواج کامل دارد، از مصادیق بارز بلیت بانک شناخته می شود که جعل آن مشمول شق ۹ از ماده ۹۸ قانون کیفر عمومی است و منظور مقنن از ذکر بلیت بانک در ماده مذکور که یک مفهوم کلی است شمول و تسری حکم آن ماده نسبت به تمام اقسام مختلف آن بوده است و لذا، اعتراض

بعضی از فرجام خواهان به اینکه چون در تاریخ وضع ماده ۹۸ قانون مجازات عمومی، چک تضمین شده وجود نداشته، جعل آن مشمول ماده مذکور نمی باشد، ناموجه و مردود است...»<sup>۱</sup>

البته، رأی هیئت عمومی دیوان کشور قابل انتقاد به نظر می رسد؛ زیرا در رأی مزبور چک تضمین شده همردیف اسکناس تلقی شده است؛ در حالی که اولاً این تلقی موجب می شود که چکهای مزبور با اسکناس رقابت کنند و از ارزش آن بکاهند؛<sup>۲</sup> ثانیاً در حالی که اسکناس متکی به تعهد بانک مرکزی و پشتوانه دولت است و به همین خاطر به راحتی مورد پذیرش مردم قرار گرفته است، پشتوانه چک تضمین شده، بانک ملی ایران است که با وجود دولتی بودنش ممکن است، لاقلاً از نظر تئوری، ورشکسته شود. به علاوه، دریافت کنندگان چک تضمین شده چنین تصور می کنند که از یک بانک معمولی، سندی عادی دریافت کرده اند، نه سندی چون اسکناس که به خودی خود قابل نقل و انتقال است و قدرت خرید دارد. در واقع، جعل اسکناس باعث می شود که اعتبار دولت نزد مردم خدشه دار شود؛ اما جعل چک تضمین شده چنین اثری ندارد و مسلماً نباید با جعل اسکناس مقایسه شود. آنچه مجازات جعل اسکناس را تشدید می کند حمایت از اعتبار دولت است، نه حقوق افراد خصوصی. علاوه بر این، پرداخت توسط اسکناس باعث می شود که تعهد پرداخت کننده در مقابل متعهدله ساقط شود؛ در حالی که در مورد چک، حتی با چک تضمین شده نیز چنین امری صادق نیست و تا زمانی که چک نقد نشود و یا به حساب دارنده واریز نگردد، تعهد صادر کننده همچنان به قوت خود باقی می ماند. به این دلیل، اسکناس و چک تضمین شده را نباید به یک چشم نگریست و برای آن مجازات واحدی مقرر کرد.

۱. مجموعه رویه قضایی (آرشیو حقوقی کیهان)؛ س ۱۳۴۶، ص ۲۸ به بعد.

۲. بانک مرکزی فرانسه (Banque de France) به همین علت، مدت ها نسبت به دادن اجازه صدور چکهای به اصطلاح تأیید شده که در این کشور معمول است، تردید داشت و صدور آنها را قبول نمی کرد.

## ب) چک تضمین شده قانون جدید صدور چک (اصلاحی ۱۳۷۲/۸/۲۳)

این نوع چک را بند سوم ماده یک قانون جدید صدور چک چنین تعریف می‌کند: «چک تضمین شده، چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت آن توسط بانک تضمین می‌شود».

همان‌طور که در بحث مربوط به چک تأیید شده خواهیم دید، این نوع چک در حقیقت یک چک بانکی است، نه چکی که بانک آن را تضمین می‌کند. به علاوه تضمینی دانستن این نوع چک صحیح نیست؛ زیرا بانک ضامن پرداخت آن نیست، بلکه متعهد، یعنی صادرکننده آن است. این نوع چک تضمین شده هنگامی مشمول تعریف ماده ۳۱۰ قانون تجارت خواهد شد که بانک آن را بر عهده شعبه خود صادر کند و اگر بانک، چک را بر روی خود صادر کند، عنوان چک نخواهد داشت. با این حال، قانون‌گذار با بیان این نوع چک در اصلاحات اخیر قانون صدور چک، خواسته است صادرکنندگان این نوع چک را مشمول مجازاتهای مذکور در قانون اخیر کند.

## مبحث دوم: انواع دیگر چک

علاوه بر چک تضمین شده، از چکهای دیگری نیز در ایران استفاده می‌شود که برخی از آنها را در حقیقت نمی‌توان چک نامید و مقررات ویژه‌ای نیز برای آنها پیش‌بینی نشده است؛ اما چون بانکها برحسب نیاز و یا به تقلید از بانکهای خارجی از آنها استفاده می‌کنند، به سه نوع از این چکها که در کشورهای مختلف استفاده بیشتری دارند، اشاره می‌کنیم که عبارت‌اند از: چک تأیید شده، چک بسته و چک مسافرتی.

## الف) چک تأیید شده

این نوع چک در اصلاحات جدید قانون صدور چک، پیش‌بینی شده است. در بند ۲ ماده یک که به بیان انواع چک پرداخته است، چک مزبور چنین تعریف شده است: «چک تأیید شده، چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر

و توسط بانک محالاً علیه پرداخت وجه آن تأیید می‌شود». در واقع، این تعریف مشابه همان تعریفی است که قانون ۱۳۳۷ از چک تضمین شده بانک ملی ارائه داده است. همان‌طور که گفتیم چک تضمین شده بانک ملی چکی است که توسط مشتری صادر می‌شود و پرداخت آن توسط بانک تضمین می‌گردد؛ یعنی حساب صادرکننده تا میزان مبلغ چک مسدود می‌شود.

با توجه به اینکه قانون جدید صدور چک، برای این نوع چک مقررات ویژه‌ای پیش‌بینی نکرده است، مقررات قانون ۱۳۳۷ در مورد چک تضمین شده بانک ملی هنوز معتبر است و می‌توان گفت که در حال حاضر در ایران دو نوع چک تأیید شده وجود دارد: چک تأیید شده بانک ملی که عنوان چک تضمین شده دارد و دیگری، چک تأیید شده‌ای که به ظاهر از این پس بانکها در صدور آنها مجازند و مقررات حاکم بر آن نامعلوم است؛ به ویژه اینکه مقررات چکهای تضمین شده بانک ملی در مورد نوع اخیر چک تأیید شده، قابل اعمال نیست.<sup>۱</sup>

## ب) چک بسته

چک بسته<sup>۱</sup> چکی است که در روی آن دو خط موازی کشیده شده باشد. وجود این دو خط موازی حکایت از بسته بودن چک دارد و به این معناست که وجه آن فقط به یک بانک یا یک مرکز چکهای پستی و یا یکی از مشتریان بانک محالاً علیه پرداخت

۱. قانون‌گذار با بیان تعریفهای نامناسب در ماده یک قانون صدور چک (مصوب ۱۳۷۲)، مشکلاتی به وجود آورده است که به طور قطع باعث سردرگمی قضات خواهد شد؛ از جمله اینکه از چک بانکی به چک تضمین شده تعبیر کرده است؛ در حالی که در این نوع چک، متعهد اصلی، بانک است، نه تضمین‌کننده، و یا اینکه از چک تأیید شده قانون ۱۳۳۷ به چک تضمین شده تعبیر کرده است. این تعبیر بر این اساس که در این نوع چک، بانک ضامن پرداخت است، صحیح است؛ اما ترجمه نادرستی از اصطلاح «chèque certifié» است که در فرانسه و بعضی کشورهای دیگر معمول است و ترجمه درست آن، «چک تأیید شده» است که قانون‌گذار با آن را در قانون جدید صدور چک به کار برده است.

خواهد شد. در فرانسه، این نوع چک از سال ۱۹۱۱ به کار گرفته شد و مشمول مقررات قانون ۳۰ اکتبر ۱۹۳۵ است که در سال ۱۹۳۸ در آن تجدیدنظر شده است.<sup>۱</sup>

این نوع چک فوایدی دارد؛ از جمله اینکه صادرکننده از خطر دزدیده شدن و یا گم شدن چک مصون است؛ زیرا سارق و یا کسی که چک را پیدا کرده است نمی‌تواند با مراجعه به بانک آن را وصول کند و هیچ بانکی نیز حاضر نمی‌شود این چک را قبول کرده، آن را برای باینده دریافت کند. به علاوه، وصول چک به این صورت نیست که به پول نقد تبدیل شود و در اختیار دارنده قرار گیرد، بلکه وجه این چکها فقط به حساب دارنده ریخته می‌شود. تنها اشکال این نوع چک این است که دو خط موازی روی آنها را - که در واقع روی چکهای عادی کشیده شده است - به آسانی می‌توان پاک کرد و به این ترتیب، سارق یا کسی که این چک را به دست آورده می‌تواند آن را دریافت کند. برای جلوگیری از این خطر، بانکداران فرانسه چک بسته را فقط در اختیار مشتریان خاص قرار می‌دهند. قانون‌گذار نیز برای کاستن از این خطر، مقرر کرده است که اولاً بانک چک بسته را فقط از مشتریان خود، یا از یک بانک و یا یک مرکز چکهای پستی بپذیرد؛ ثانیاً آن را جز به حساب اشخاص اخیر نقد نکند. بانکی که این مقررات را رعایت نکرده باشد، تا میزان مبلغ چک، مسئول پرداخت خسارت خواهد بود.

جز در موارد فوق، در سایر موارد نحوه گردش چک بسته مانند چک معمولی است؛ هرگاه به حواله کرد باشد، قابل ظهرنویسی است و هرگاه حامل باشد می‌توان آن را با قبض و اقباض منتقل کرد.<sup>۲</sup>

### ج) چک مسافرتی

این نوع چک نیز در ایران مقررات ویژه‌ای ندارد؛ ولی بانک مرکزی، در مورد مسافرتهاى خارج از کشور از آن استفاده می‌کند.

۱. در حال حاضر، این نوع چک موضوع مقررات مواد ۱۳۱-۴۴ L. و ۱۳۱-۴۶ L. قانون پولی و مالی این کشور است.

2. Cass. Crim, 13 décembre 1966; J. C. P.; 1967, 4, 10.

قانون صدور چک در بند ۴ ماده یک خود به این چک اشاره کرده است. به موجب تعریفی که در بند مزبور آمده است: «چک مسافرتی چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می‌گردد». این تعریف، چکهای در گردش را نیز شامل می‌شود. مع ذلک، در قانون صدور چک برای این نوع چک مقررات ویژه‌ای تعیین نشده است.

چک مسافرتی که ساخته بانكهای آنگلوساکسون است و در فرانسه و کشورهای دیگر نیز از آن تقلید شده است، از نظر ماهوی مانند چکهای عادی نیست. در واقع، این چکها به صورت ورقه‌های صد دلاری، پنجاه فرانکی و غیره و با شماره خاص صادر می‌شود و توسط بانک صادرکننده در اختیار خریدار قرار می‌گیرد. چک مسافرتی متضمن امضای خریدار است که حین تسلیم چک به او توسط بانک، روی ورقه چک قید می‌شود و به طور معمول این چکها در اختیار مسافرانی که به کشورهای مختلف می‌روند، گذاشته می‌شود. از زمانی که بانک این چکها را در اختیار خریدار قرار می‌دهد تا زمانی که خریدار آن را مورد استفاده قرار می‌دهد، معمولاً مدت زمانی طولانی سپری می‌شود و در این مدت، بانک از یک اعتبار مجانی قابل ملاحظه استفاده می‌کند. با این مزیت، میان بانک ایران عمده جهان برای استفاده از این چکها رقابتی سخت در گرفته است.

مع ذلک، چک مسافرتی معمولاً دارای شرط به حواله کرد است و از طریق ظهرنویسی منتقل می‌شود.<sup>۱</sup> هرگاه چک ظهرنویسی نشده باشد، خود بانک و یا یکی از کارگزاران او مبلغ چک را که مقداری از آن به عنوان کمیسیون کسر می‌شود، در اختیار مشتری قرار می‌دهد. نحوه وصول وجه به این صورت است که دارنده، محلی از چک را که برای امضا در نظر گرفته شده است در حضور مأموری که چک را

۱. در عمل، چک مسافرتی یا به نام یک مؤسسه (مانند یک آژانس مسافرتی) ظهرنویسی می‌شود که با بانک صادرکننده قراردادی مبنی بر پرداخت وجه چک منعقد کرده است و یا به نام یک تاجر (مانند هتلدار) که آن را به عنوان وسیله پرداخت از مشتری قبول می‌کند و یا به نام یک بانک که چک را تنزیل می‌کند و وجه آن را در اختیار خریدار قرار می‌دهد.



نقد می‌کند، امضا می‌کند. این امضا باید به امضایی که خریدار، هنگام تسلیم چک از طرف بانک صادر کننده یا کارگزار بانک مزبور به او، بر روی چک کرده است، تطبیق کند.

درباره ماهیت حقوقی چک مسافرتی اتفاق نظر وجود ندارد. گروهی از مؤلفان و نیز دادگاههای استیناف فرانسه این سند را چک تلقی می‌کنند؛ مشروط بر اینکه دارای شرایط مندرج در قانون ۱۳۳۵ فرانسه باشد.<sup>۱</sup> مع ذلک، رأی شعبه کیفری دیوان کشور فرانسه، مخالف این نظر است. به عقیده این مرجع، چون سند به دارنده امکان می‌دهد در هر یک از شعبه‌های بانک صادر کننده آن را دریافت کند، صادر کننده و محال علیه چک یکی است و بنابراین، سند مورد بحث فقط نوعی تعهد به پرداخت است که بانک صادر کننده آن را به عهده گرفته است و به مفهوم دستور پرداخت (که در مورد چک صادق است) نیست.<sup>۲</sup>

مدتهاست در ایران، چکهایی در اختیار مشتریان بانکها قرار می‌گیرد که می‌توان آنها را با چکهای مسافرتی شبیه دانست؛ مانند «سپه چک» که توسط بانک سپه تهیه شده، در اختیار مشتریان قرار می‌گیرد.

در دستورالعمل شماره ۲/س ج - ۶۹/۵/۱۵ بانک مزبور، هدف و نحوه صدور و تنظیم و نقد کردن «سپه چک» بیان شده است. به موجب این دستورالعمل: «۱) دارنده سپه چک می‌تواند به کلیه شعب بانک در سرتاسر کشور با در دست داشتن مدرک شناسایی معتبر مراجعه و وجه آن را دریافت نماید؛ ۲) سپه چک قابل نقل و انتقال است؛ لذا گیرنده وجه آن ممکن است شخص خریدار اولیه و یا اشخاص دیگری که از جانب خریدار، سپه چک به آنها انتقال داده شده است باشد؛ ۳) سپه چک دارای قابلیت انتقالی سریع است؛ چه به محض اینکه خریدار محل و آگذاری را امضا نماید، قابل انتقال بوده و انتقال دهندگان بعدی نیازی به انتقال آن با امضای ظهر سپه چک ندارند».

باید پرسید که آیا این چک را می‌توان چک به مفهوم قانون تجارت تلقی

کرد و آن را مشمول قانون صدور چک مورخ ۱۳۵۵ محسوب داشت و صادر کننده آن را در موارد معین قابل مجازات جزایی دانست یا خیر.

به نظر ما این چک نه مشمول قانون تجارت است و نه مشمول قانون صدور چک، بلکه تعهدی است از جانب بانک سپه به اینکه مبلغی را که مشتری در شعبه‌ای پرداخت کرده در شعبه‌های دیگر به او پرداخت کند. شعبه پرداخت کننده، وجه سند را به نمایندگی از شعبه‌ای می‌پردازد که مشتری مبلغ آن را به او پرداخت کرده است. بنابراین، با وجود آنکه چک مزبور قابل انتقال است، این انتقال مشمول مقررات ظهن نویسی مذکور در قانون تجارت نیست و هرگاه بانک به دلیلی (مثل ورشکسته شدنش) از پرداخت وجه چک به جانشین دارنده اول خودداری کند، دارنده فعلی فقط می‌تواند در حدود مقررات قانون مدنی به دارنده قبلی مراجعه کند.

1. Ripert, G. et R. Reblot; *Traité de droit commercial*, t. 2, n° 2178.

2. Crim., 29 Mars 1955; *Banque*; 1956, 41, obs. Marin.

نظر به اینکه صدور چک یک عمل حقوقی است، صادرکننده برای انجام دادن آن باید اهلیت داشته باشد؛ اما همانند برات - و به طریق اولی - برای صدور چک بحث اهلیت تجاری مطرح نیست و اصولاً چک ذاتاً عمل تجاری محسوب نمی‌شود (ماده ۳۱۴ ق.ت). از نظر مشروعیت جهت نیز، همان مطالبی که در مورد برات گفته شد در مورد چک نیز لازم‌الرعایه است. همچنین، صدور چک به وکالت که معمولاً توسط مدیران و اشخاص حقوقی انجام می‌شود، صحیح است و مقررات آن همان است که در مورد برات گفته شد.

### مبحث دوم: شرایط مربوط به محال‌علیه

قانون‌گذار ایران هنگام وضع قاعده در مورد چک، نخواست است به آن تخصیص بانکی بدهد. به این علت، ماده ۳۱۰ قانون تجارت فقط از محال‌علیه چک سخن گفته است. بنابراین، از نظر قانون‌گذار، چک را روی هر کسی می‌توان صادر کرد. در عمل، تا سالهای اخیر ورته‌ای به نام چک هرگز روی کسی چیز بانک صادر نمی‌شد. پس از انقلاب، پاره‌ای مؤسسات به‌ویژه نهادهای خیریه و بعضی شرکت‌های مضاربه‌ای، برای کسانی که نزد آنان وجهی می‌گذارند نیز مبادرت به صدور ورته‌هایی کرده‌اند که از آنها به چک تعبیر می‌شود. هرگاه این اوراق دارای شرایط مندرج در قانون تجارت باشند، باید آنها را چک تلقی کرد و از حیث ظهنویسی و ضمانت تابع مقررات چک دانست. مع‌ذلک، قانون صدور چک مورخ ۱۳۵۵ و اصلاحیه آن (مصوب ۱۳۷۲/۸/۲۳) فقط اسنادی را چک محسوب کرده است که عهده‌ی یکی از بانکها صادر شده باشد. بنابراین، مقررات قانون اخیر و به‌ویژه مقررات جزایی آن، شامل چکهایی که محال‌علیه آنها اشخاصی غیر از بانکها باشد، نخواهد شد. به علاوه، قانون صدور چک در ماده ۲ خود، چکهایی صادره عهده‌بانکهایی که طبق قوانین ایران در داخل و یا خارج دایر می‌شوند را هم در حکم اسناد لازم‌الاجرا تلقی کرده است. به این علت، این امر در مورد چکهایی که محال‌علیه آنها اشخاصی غیر از بانکها باشند نیز قابل اعمال نیست. بنابراین، چکهایی چاپ شده

## الزامات صدور چک

### بخش اول: الزامات مربوط به اشخاص ذی‌نفع

همانطور که گفتیم در چک نیز مانند برات سه نفر نقش دارند: صادرکننده، محال‌علیه و دارنده. مطالعه وضعیت این سه نفر در این سند تجاری ضروری است؛ اما رابطه هر یک از این افراد با یکدیگر، همان است که در مورد برات گفته شد و در اینجا از تکرار آنها خودداری می‌شود.

### مبحث اول: شرایط مربوط به صادرکننده

صادرکننده چک فقط روی محال‌علیه می‌تواند مبادرت به صدور چک کند و حق صدور چک بر روی خود را - به حکم صریح ماده ۳۱۰ قانون تجارت - ندارد. مع‌ذلک، صادرکننده می‌تواند براساس ماده ۳۱۰ به منظور دریافت وجه برای خود یا در وجه شخص دیگر اقدام به صدور چک کند. چکی که برای پرداخت وجه به خود صادرکننده صادر می‌شود، در صورتی قابل پرداخت است که ظهنویسی نشده باشد؛ اما در پاسخ به این پرسش که آیا این چک قابل ظهنویسی است، باید گفت که ظهنویسی چنین چکی بلاشکال است؛ زیرا صدور آن در قانون تجارت پیش‌بینی شده است.

۱. این فرض دقیقاً مشابه وضعی است که در مورد برات وجود دارد. به موجب ماده ۲۲۴ ق.ت: «... ممکن است به حواله کرد شخص دیگر باشد یا به حواله کرد خود برات‌دهنده».

نظر به اینکه صدور چک یک عمل حقوقی است، صادرکننده برای انجام دادن آن باید اهلیت داشته باشد؛ اما همانند برات - و به طریق اولی - برای صدور چک بحث اهلیت تجاری مطرح نیست و اصولاً چک ذاتاً عمل تجاری محسوب نمی‌شود (ماده ۳۱۴ ق.ت). از نظر مشروعیت جهت نیز، همان مطالبی که در مورد برات گفته شد در مورد چک نیز لازم‌الرعایه است. همچنین، صدور چک به وکالت که معمولاً توسط مدیران و اشخاص حقوقی انجام می‌شود، صحیح است و مقررات آن همان است که در مورد برات گفته شد.

### مبحث دوم: شرایط مربوط به محال‌علیه

قانون‌گذار ایران هنگام وضع قاعده در مورد چک، نخواست است به آن خصیصه بانکی بدهد. به این علت، ماده ۳۱۰ قانون تجارت فقط از محال‌علیه چک سخن گفته است. بنابراین، از نظر قانون‌گذار، چک را روی هر کسی می‌توان صادر کرد. در عمل، تا سالهای اخیر ورقه‌ای به نام چک هرگز روی کسی جز بانک صادر نمی‌شد. پس از انقلاب، پاره‌ای مؤسسات به‌ویژه نهادهای خیریه و بعضی شرکت‌های مضاربه‌ای، برای کسانی که نزد آنان وجهی می‌گذارند نیز مبادرت به صدور ورقه‌هایی کرده‌اند که از آنها به چک تعبیر می‌شود. هرگاه این اوراق دارای شرایط مندرج در قانون تجارت باشند، باید آنها را چک تلقی کرد و از حیث ظهنویسی و ضمانت تابع مقررات چک دانست. مع‌ذلک، قانون صدور چک مورخ ۱۳۵۵ و اصلاحیه آن (مصوب ۱۳۷۲/۸/۲۳) فقط اسنادی را چک محسوب کرده است که عهده‌ی یکی از بانکها صادر شده باشد. بنابراین، مقررات قانون اخیر و به‌ویژه مقررات جزایی آن، شامل چکهایی که محال‌علیه آنها اشخاصی غیر از بانکها باشد، نخواهد شد. به علاوه، قانون صدور چک در ماده ۲ خود، چکهایی صادره عهده‌بانکهایی که طبق قوانین ایران در داخل و یا خارج دایر می‌شوند را هم در حکم اسناد لازم‌الاجرا تلقی کرده است. به این علت، این امر در مورد چکهایی که محال‌علیه آنها اشخاصی غیر از بانکها باشند نیز قابل اعمال نیست. بنابراین، چکهایی چاپ شده

## الزامات صدور چک

### بخش اول: الزامات مربوط به اشخاص ذی‌نفع

همان‌طور که گفتیم در چک نیز مانند برات سه نفر نقش دارند: صادرکننده، محال‌علیه و دارنده. مطالعه وضعیت این سه نفر در این سند تجاری ضروری است؛ اما رابطه هر یک از این افراد با یکدیگر، همان است که در مورد برات گفته شد و در اینجا از تکرار آنها خودداری می‌شود.

### مبحث اول: شرایط مربوط به صادرکننده

صادرکننده چک فقط روی محال‌علیه می‌تواند مبادرت به صدور چک کند و حق صدور چک بر روی خود را - به حکم صریح ماده ۳۱۰ قانون تجارت - ندارد. مع‌ذلک، صادرکننده می‌تواند براساس ماده ۳۱۰ به منظور دریافت وجه برای خود یا در وجه شخص دیگر اقدام به صدور چک کند. چکی که برای پرداخت وجه به خود صادرکننده صادر می‌شود، در صورتی قابل پرداخت است که ظهنویسی نشده باشد؛ اما در پاسخ به این پرسش که آیا این چک قابل ظهنویسی است، باید گفت که ظهنویسی چنین چکی بلااشکال است؛ زیرا صدور آن در قانون تجارت پیش‌بینی شده است.

۱. این فرض دقیقاً مشابه وضعی است که در مورد برات وجود دارد. به موجب ماده ۲۲۴ ق.ت: «... ممکن است به حواله کرد شخص دیگر باشد یا به حواله کرد خود برات دهنده».

نقد می‌کند، امضا می‌کند. این امضا باید به امضایی که خریدار، هنگام تسلیم چک از طرف بانک صادر کننده یا کارگزار بانک مزبور به او، بر روی چک کرده است، تطبیق کند.

درباره ماهیت حقوقی چک مسافرتی اتفاق نظر وجود ندارد. گروهی از مؤلفان و نیز دادگاههای استیناف فرانسه این سند را چک تلقی می‌کنند؛ مشروط بر اینکه دارای شرایط مندرج در قانون ۱۳۳۵ فرانسه باشد.<sup>۱</sup> مع ذلك، رأی شعبه کیفری دیوان کشور فرانسه، مخالف این نظر است. به عقیده این مرجع، چون سند به دارنده امکان می‌دهد در هر یک از شعبه‌های بانک صادر کننده آن را دریافت کند، صادر کننده و محال علیه چک یکی است و بنابراین، سند مورد بحث فقط نوعی تعهد به پرداخت است که بانک صادر کننده آن را به عهده گرفته است و به مفهوم دستور پرداخت (که در مورد چک صادق است) نیست.<sup>۲</sup>

مدهاست در ایران، چکهایی در اختیار مشتریان بانکها قرار می‌گیرد که می‌توان آنها را با چکههای مسافرتی شبیه دانست؛ مانند «سپه چک» که توسط بانک سپه تهیه شده، در اختیار مشتریان قرار می‌گیرد.

در دستورالعمل شماره ۲/ س ج - ۶۹/۵/۱۵ بانک مزبور، هدف و نحوه صدور و تنظیم و نقد کردن «سپه چک» بیان شده است. به موجب این دستورالعمل: «۱) دارنده سپه چک می‌تواند به کلیه شعب بانک در سراسر کشور با در دست داشتن مدرک شناسایی معتبر مراجعه و وجه آن را دریافت نماید؛ ۲) سپه چک قابل نقل و انتقال است؛ لذا گیرنده وجه آن ممکن است شخص خریدار اولیه و یا اشخاص دیگری که از جانب خریدار، سپه چک به آنها انتقال داده شده است باشد؛ ۳) سپه چک دارای قابلیت انتقالی سریع است؛ چه به محض اینکه خریدار محل واگذاری را امضا نماید، قابل انتقال بوده و انتقال دهندگان بعدی نیازی به انتقال آن با امضای ظهر سپه چک ندارند».

باید پرسید که آیا این چک را می‌توان چک به مفهوم قانون تجارت تلقی

کرد و آن را مشمول قانون صدور چک مورخ ۱۳۵۵ محسوب داشت و صادر کنندگان آن را در موارد معین قابل مجازات جزایی دانست یا خیر.

به نظر ما این چک نه مشمول قانون تجارت است و نه مشمول قانون صدور چک، بلکه تعهدی است از جانب بانک سپه به اینکه مبلغی را که مشتری در شعبه‌ای پرداخت کرده در شعبه‌های دیگر به او پرداخت کند. شعبه پرداخت کننده، وجه سند را به نمایندگی از شعبه‌ای می‌پردازد که مشتری مبلغ آن را به او پرداخت کرده است. بنابراین، با وجود آنکه چک مزبور قابل انتقال است، این انتقال مشمول مقررات ظهنویسی مذکور در قانون تجارت نیست و هرگاه بانک به دلیلی (مثل ورشکسته شدنش) از پرداخت وجه چک به جانشین دارنده اول خودداری کند، دارنده فعلی فقط می‌تواند در حدود مقررات قانون مدنی به دارنده قبلی مراجعه کند.

1. Ripert, G. et R. Roblot, *Traité de droit commercial*, t. 2, n° 2178.

2. *Crim.* 20 Mars 1955; *Bull.* 1056, 41, obs. Merin.

توسط مؤسسات غیربانکی، در صورت بلامحل بودن، نه از نظر جزایی قابل پیگیری هستند و نه از نظر اجرایی.

دارنده چنین چکهایی فقط در حدود مقررات قانون تجارت (در صورتی که سند شرایط مندرج در قانون تجارت را دارا باشد) می تواند اقامه دعوی کرده، وجه آن را وصول کند.

### مبحث سوم: شرایط مربوط به دارنده

چک ممکن است به نفع هر شخصی صادر شود. ماده ۳۱۲ قانون تجارت، در این مورد، سه فرض را پیش بینی کرده است:

۱. چک ممکن است در وجه حامل صادر گردد. هرگاه نام دارنده بر روی چک مشخص نشده باشد و یا عبارت «در وجه حامل» در آن قید نشود، چک در وجه حامل تلقی می شود. با توجه به عدم منع قانون، چک ممکن است در وجه شخص معین صادر شده، ولی متضمن عبارت «یا در وجه حامل» نیز باشد. در این صورت نیز چک، در وجه حامل محسوب می شود.

۲. ممکن است چک در وجه شخص معین صادر شده باشد؛ بدون آنکه در آن قید «حواله کرد» و قیادی نظیر آن وجود داشته باشد. چنین چکی را فقط شخص تعیین شده می تواند وصول کند.

۳. چک ممکن است به حواله کرد شخص معین باشد و یا «در وجه شخص معین و یا به حواله کرد او». چنین چکی مانند چک در وجه حامل، قابل ظهورنویسی است.

در فرانسه، در این باره که آیا تسلیم چک موجب سقوط تعهد بدهکار در معامله اصلی می شود یا نه، مباحثاتی به عمل آمده است. علت بحث این بوده است که چک از نظر عامه، وسیله پرداخت تلقی می شود. مسئله این است که اگر برای مثال، خریدار در عقد بیع، ثمن معامله را به صورت چک تسلیم بایع کند، با این عمل، تعهد او به پرداخت ثمن ساقط می شود یا خیر؟ بعضی معتقدند که تسلیم چک یک نوع تبدیل تعهد است؛ به این معنی که تعهد سابق (تعهد به پرداخت ثمن) ساقط

می شود و تعهد جدیدی جای آن را می گیرد. قانون گذار فرانسه این نظریه را پذیرفته و معتقد است که با تسلیم چک، طلب سابق دارنده با تمام تضمینهای آن باقی می ماند.<sup>۱</sup> بنابراین، از نظر حقوق فرانسه، تسلیم چک به منزله پرداخت نیست، بلکه باعث می شود که به تضمینهای دارنده افزوده شود. دیوان کشور فرانسه نیز به پیروی از این قاعده مقرر کرده است که تا مبلغ چک نقداً پرداخت نشود و یا به حساب دارنده واریز نگردد، تعهد اصلی به جای خود باقی است.<sup>۲</sup>

حقوق ایران در این مورد چنین صراحتی ندارد؛ اما روشن است که تسلیم چک برای پرداخت، پرداخت به مفهوم حقوقی کلمه نیست؛ یعنی موجب سقوط تعهد صادرکننده که ناشی از قرارداد اصلی است، نمی شود. بنابراین، تسلیم چک موجب سقوط تعهد سابق و ایجاد تعهد جدید به نفع متعهدله نیست. به این علت، هرگاه معامله اصلی متضمن ضمانتی به نفع دارنده چک باشد، صدور چک و تسلیم آن، ضمانت ضامن معامله مزبور را منتفی نمی کند. این نکته در مورد برات نیز صادق است، هر چند برات، برخلاف چک، دارای مدت پرداخت است.<sup>۳</sup>

### بخش دوم: ضرورت وجود محل

در مطالعه محل چک، همچون محل برات، چند مسئله باید مورد بررسی قرار گیرد: اولین مسئله، مطالعه مفهوم «محل چک» است. گفته شد که در عمل، محال علیه چک همیشه یک بانک یا مؤسسه اعتباری مشابه آن است و بانک گاه برای مشتریان خود اعتباری در نظر می گیرد یا آنکه مأمور می شود اسناد تجاری (برات و سفته) مشتریان خود را وصول و در حساب آنان واریز کند و گاه فقط مأمور حفظ و

۱. ماده ۶۲ قانون ۳۰ اکتبر ۱۹۳۵.

۲. نگاه کنید به:

Ripert G. et R. Roblot; *Traité de droit commercial*; t. 2, n°. 2192.

۳. اگرچه تعهد به پرداخت توسط چک، تبدیل تعهد نیست، حتی اگر تبدیل تعهد هم باشد، باز دلیل قانونی بر سقوط تعهد اصلی و ایجاد تعهد براتی وجود ندارد و مقتضای اصل، بقای آن است. برای بحث تفصیلی در خصوص تبدیل تعهد ر.ک. سقوط تعهدات؛ ص ۱۵۴.

نگهداری نقدینه‌های مشتریان خود است. حال باید دید آیا برات و سفته‌های مشتریان که نزد بانکها وجود دارد و یا اعتبار اعطایی بانکها به مشتریانشان نیز می‌تواند محل تلقی شود و یا اینکه محل فقط از آن وجوه نقدی‌ای تشکیل می‌شود که مشتری در حساب خود نزد بانک دارد.

مسئله دوم این است که آیا محل چک با انتقال، آن، به دارنده جدید چک منتقل می‌شود یا خیر. گرچه این امر را در مورد برات نیز مطرح کردیم، اما به سبب ویژگی آن در مورد چک، به بررسی دوباره آن می‌پردازیم. به علاوه به لزوم وجود محل نیز خواهیم پرداخت تا از این طریق تأثیر آن در صحت صدور چک بررسی شود و همچنین ضمانت اجرایی کیفری و مدنی عدم وجود آن در مورد چک مورد مطالعه قرار گیرد.

### مبحث اول: مفهوم و ویژگیهای محل

الف) مفهوم محل  
از ماده ۱۱۰ قانون تجارت استنباط می‌شود که محل چک از «جوهری» تشکیل می‌شود که صادرکننده نزد محال‌علیه دارد؛ اما امروزه علاوه بر وجوه نقدی، اعتباری که محال‌علیه به صادرکننده تخصیص می‌دهد نیز می‌تواند محل را تشکیل دهد. ماده ۳ قانون جدید صدور چک در این مورد صراحت بیشتری دارد. به موجب این ماده: «صادرکننده چک باید در تاریخ صدور، معادل مبلغ چک در بانک محال‌علیه، محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده) داشته باشد...».

اعتبار قابل استفاده آن اعتبار موجودی است که بانک تعهد کرده است آن را در اختیار صاحب حساب (صادرکننده چک) قرار دهد. بنابراین، هرگاه بانک ظرف مدتی چکهای صادرکننده را بدون داشتن وجهی در حساب او پرداخت کند نمی‌توان گفت که مشتری نزد بانک دارای اعتبار قابل استفاده است. بنابراین، هرگاه بانک چک صادرکننده را نپردازد، چک بلامحل تلقی می‌شود؛ زیرا چنین تسهیلاتی اعتبار قابل استفاده نیست و بانک در قبال عدم پرداخت چک مسئول نخواهد بود؛

همچنین است هرگاه صادرکننده، به جای وجه نقد و یا اعتبار قابل استفاده، تعدادی سند تجاری نزد بانک محال‌علیه داشته باشد که وصول کند؛ زیرا وجود چنین اسنادی در نزد بانک به این معنی نیست که صادرکننده محل چک را نزد بانک تأمین کرده است.

### ب) ضرورت وجود محل چک

چون چک سندی است که به محض رؤیت محال‌علیه باید پرداخت شود، صادرکننده در زمان صدور چک باید محل آن را به صورت نقد و یا اعتبار قابل استفاده نزد بانک تأمین کرده باشد. مع ذلك، صحت صدور چک بستگی به وجود محل ندارد. این نکته را در بررسی برات توضیح دادیم و در اینجا از تفصیل آن خودداری می‌کنیم.

### ج) قابلیت انتقال محل

ماده ۱۲ قانون صدور چک تأکید می‌کند که صادرکننده در زمان صدور چک باید دارای وجه نقد یا اعتبار قابل استفاده‌ای در بانک باشد. پس از صدور نیز صادرکننده نباید محل چک را شخصاً دریافت کند و یا آن را به شخص دیگری واگذار کند. به این دلیل، از نظر تحلیلی، دستور پرداخت وجه چک به بانک را نمی‌توان وکالت تلقی کرد.

صدور چک، برای دارنده آن، حقی غیرقابل برگشت نسبت به محل ایجاد می‌کند؛ اما آیا از این غیرقابل برگشت بودن حق دارنده می‌توان نتیجه گرفت که محل چک به دارنده انتقال پیدا می‌کند؟

پاسخ منفی است. در واقع، از آنجا که چک، برخلاف برات، به قبولی محال‌علیه نمی‌رسد، شخص اخیر (بانک) تا قبل از ارائه چک به وسیله دارنده، از وجود آن اطلاع ندارد. بنابراین، هرگاه پس از صدور چک، صادرکننده شخصاً محل چک را وصول کند و یا آن را به شخص دیگری واگذار کند، دارنده چک نه

می‌تواند مسئولیت بانک را مطرح کند و نه می‌تواند علیه دارنده دیگری که با ارائه چک به بانک، محل را دریافت کرده است، اقداماتی انجام دهد. به این دلیل، برخلاف آنچه ادعا شده است،<sup>۱</sup> ماده ۳۱۰ قانون تجارت، انتقال محل چک به دارنده را مقرر نکرده است.

### بحث دوم: ضمانت اجرای صدور چک بلامحل

اگرچه عدم وجود محل در حین صدور چک، باعث بی‌اعتبار شدن آن از نظر حقوقی نمی‌شود،<sup>۲</sup> صادرکننده حق ندارد مبادرت به صدور چنین چکی کند، و الا هم از نظر جزایی و هم از نظر مدنی مسئول خواهد بود.

#### الف) ضمانت اجرای جزایی

صدور چک بلامحل، علی‌الاصول، قابل تعقیب جزایی است؛ اما این امر شامل تمام چکهای بدون محل نمی‌شود. برای تعقیب صادرکننده چک باید شرایط شکلی خاصی رعایت شود و دادگاه صالح نیز به منظور صدور حکم مجازات صادرکننده، باید شرایط مندرج در قانون صدور چک را رعایت کند. در اینجا ابتدا مواردی را که صادرکننده چک قابل تعقیب جزایی است، بیان می‌کنیم و پس از ذکر شرایط شکلی تعقیب جزایی و طرق رسیدگی به شکایت در دادگاه صالح، سرانجام نتایج

۱. به موجب نظریه شماره ۷/۱۹۵۴ مورخ ۶۲/۵/۲۶؛ اداره حقوقی وزارت دادگستری: با توجه به ماده ۳۱۰ قانون تجارت که صریح است به اینکه چک نوشته‌ای است که به موجب آن، صادرکننده وجوهی را که نزد محال علیه دارد، کلاً یا بعضاً مسترد و یا به دیگری واگذار می‌نماید، به نظر می‌رسد که بانک می‌تواند وجه چکهایی را که صاحب حساب آن در زمان حیات خود صادر و سپس فوت کرده است، پرداخت نماید؛ زیرا به محض صدور چک، صاحب حساب وجه آن را به شخص دیگری واگذار کرده است (قانون اسناد تجاری ایران؛ ص ۵۱).

۲. بند سه ماده ۳ قانون متحدالشکل ژنو رایج، چک، دولتها را از وضع قاعده‌ای که به موجب آن صدور چک بی‌محل موجب بی‌اعتباری و بطلان آن باشد، ممنوع کرده است.

صدور حکم به محکومیت صادرکننده را بررسی خواهیم کرد.

اول: چک قابل تعقیب جزایی. ماده ۳ قانون صدور چک، تکلیف صادرکننده چک را به شرح زیر مقرر کرده است:

«صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن، از پرداخت وجه چک خودداری نماید».

مطابق ماده ۷ این قانون: «هر کسی مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد:

الف) چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال باشد، به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم خواهد شد.

ب) چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال باشد از شش ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.

ج) چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال بیشتر باشد به حبس از یک سال تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت ۲ سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادرکننده چک اقدام به اصدار چکهای بلامحل نموده باشد، مجموع مبالغ مندرج در قانون چکها ملاک عمل خواهد بود».

تبصره. این مجازاتها شامل مواردی که ثابت شود چکهای بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا پرداخت بهره ربوی صادر شده است، نمی‌شود.

ماده ۱۰ نیز مقرر می‌دارد: «هرکس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید، عمل وی در حکم صدور چک بی‌محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیرقابل تعلیق است».

پس با توجه به مواد ۳، ۷ و ۱۰ قانون جدید صدور چک، صادر کننده به جرم صدور چک بلامحل به شرح زیر قابل تعقیب جزایی است:<sup>۱</sup>

۱. صدور چک بلامحل. قانون گذار در بیان مفهوم بلامحل بودن چک، دو مورد را پیش بینی کرده است: اول اینکه در تاریخ مندرج در چک، در حساب صادر کننده وجه نقد نباشد؛ دوم اینکه حساب بانکی صادر کننده مسدود باشد و با وجود این، او مبادرت به صدور چک کند.<sup>۲</sup> در مورد دوم، صادر کننده هنگامی قابل تعقیب جزایی است که به بسته بودن حساب بانکی خود عالم باشد. اثبات این امر نیز با شاکلی است و با هر دلیلی امکان پذیر است؛ اما در مورد اول، اثبات علم و قصد سحرمانه و سوء نیت صادر کننده لازم نیست.<sup>۳</sup>

با وجود آنکه ماده ۲ قانون صدور چک تصریح می کند که صادر کننده باید در تاریخ مندرج در چک معادل وجه چک در بانک محل داشته باشد، به موجب ماده ۹ همان قانون: «در صورتی که صادر کننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری، وجه چک را نقداً به دارنده آن پرداخته یا با موافقت شاکی خصوصاً ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد، یا فرجیات پرداخت آن را در بانک، محال علیه فرستد نماید، قابل تعقیب کیفری نیست. در مورد اخیر، بانک مذکور مکلف است تا میزان وجه چک، حساب صادر کننده را مسدود نماید و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک، وجه آن را بپردازد». وضع ماده ۹ از طرف قانون گذار، در واقع برای جلوگیری از

۱. اگرچه ماده ۷ قانون صدور چک، در متن اصلاحی از «صدور چک بلامحل» صحبت می کند؛ اما مسلم است که «چک بلامحل» تنها به مفهوم خاص کلمه، شامل چکی که فاقد محل است نمی شود بلکه، هر گاه در حساب صادر کننده وجه باشد ولی به دلیلی از دلایل منعکس در ماده ۳ چک قابل پرداخت نباشد، جرم صدور چک بلامحل محقق تلقی می شود.

۲. باید توجه داشت که صدور هر ورقه چک بلامحل، جرم واحد است و بنابراین اگر کسی به مناسبت یک دین، دو یا چند چک بلامحل صادر کند، مرتکب جرائم متعدد شده و مطابق مقررات راجع به تعدد جرم مجازات خواهد شد (رای هیئت عمومی دیوان عالی کشور مندرج در قانون اساسی تجاری ایران؛ ص ۷۱).

۳. ک. روزنامه رسمی؛ آراء وحدت رویه قضایی از ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۸؛ ص ۲۲۸.

افزایش حجم پرونده های مطرح در دادگستری بوده؛ ولی متأسفانه در عمل وسیله ای برای صدور چکهای فاقد محل شده است. صادر کننده می داند که اگر موجبات پرداخت «عین وجه چک» را بعد از شکایت فراهم کند، قابل تعقیب نیست و بر این مبنا، مبادرت به صدور چکی می کند که در زمان صدور فاقد محل است. نکته قابل توجه در این مورد این است که هر چند عمل صادر کننده، عنوان جزایی «صدور چک بلامحل» دارد، نمی توان آن را براساس مواد مربوط به کلاهبرداری تعقیب کرد؛ مگر آنکه شرایط جرم کلاهبرداری موجود باشد. البته، بلامحل بودن چک به این معنی نیست که در حساب صادر کننده هیچ گونه وجهی موجود نیست، بلکه کسر موجودی نیز شامل این عنوان است (ماده ۵ قانون صدور چک). در صورت اخیر، بانک مکلف است که به تقاضای دارنده چک مبلغ موجود در حساب را به او بپردازد. چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نشده است، بلامحل محسوب می شود (ماده ۵ قانون صدور چک).

۲. پرداخت وجه چک از حساب، پس از صدور، ممکن است صادر کننده پس از صدور چک، وجه آن را از حساب خود در بانک برداشت کند. در این صورت نیز قانون گذار صادر کننده چک را قابل مجازات دانسته است. تا قبل از اصلاح قانون صدور چک در سال ۱۳۸۲ این پیش بینی کاملاً منطقی بود؛ زیرا در غیر این صورت، با تفسیر مضیق ماده ۳ این امکان وجود نداشت که چنین اقدامی، جرم صدور چک بلامحل قلمداد شود؛ چرا که شرط تحقق جرم اخیر این بود که هنگام صدور چک، صادر کننده آن، محل چک را در بانک تأمین نکرده باشد. با اصلاح قسمت اول ماده ۳ مبنی بر اینکه صادر کننده باید در تاریخ قید شده در چک در حساب خود نزد بانک وجه نقد داشته باشد، این قسمت از ماده نیز می بایست برداشته می شد چرا وقتی که صادر کننده باید در تاریخ مندرج در چک - که ممکن است مؤخر بر صدور و تسلیم چک باشد - در حساب خود وجه نقد داشته باشد، برداشتن وجوه از حساب اگر پس از صدور چک و قبل از تاریخ مندرج در چک باشد، جرم تلقی نمی شود، بلکه آنچه جرم است این است که در تاریخ مندرج در چک در حساب وجه نباشد.



۳. دستور عدم پرداخت وجه چک. هرگاه صادرکننده پس از صدور چک، دستور عدم پرداخت آن را صادر کرده، بانک را از پرداخت وجه آن ممنوع کند، مشمول ماده ۷ قانون صدور چک است و قابل مجازات خواهد بود. معذک، ماده ۱۴ قانون مزبور به مواردی اشاره می‌کند که در آنها صادرکننده می‌تواند دستور عدم پرداخت صادر کند؛ بدون آنکه قابل مجازات باشد. این موارد عبارت‌اند از: موردی که چک مفقود یا سرقت یا جعل شود و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت و یا جرایم دیگر تحصیل شده است. مطابق تبصره دوم این ماده «دستوردهنده مکلف است پس از اعلام به بانک شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک هفته، گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم نماید. در غیر این صورت، پس از انقضای مدت مذکور، بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک، وجه آن را پرداخت می‌کند. معذک، تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون که در سال ۱۳۷۶ به ماده الحاق شده است، توقف پرداخت چکهای تقسین شده و مسافرتی را تنها در صورتی مجاز دانسته که بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید. این تبصره شامل چکهای تضمین شده بانک ملی که در آنها صادرکننده بانک نیست - بلکه مشتری است - نمی‌شود. بانک در صورتی به این دستور ترتیب اثر می‌دهد که هویت دستوردهنده را احراز کند. در صورت احراز، وجه چک تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی، یا انصراف دستوردهنده، در حساب مسدودی نگهداری می‌شود.<sup>۱</sup>

دارنده چک می‌تواند علیه دستوردهنده شکایت کند و هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده است، ثابت گردد، دستوردهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ قانون صدور چک، به پرداخت کلیه خسارت وارد شده به دارنده

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۷۶؛ ص ۱۱۱۹.

۲. با توجه به اطلاق ماده ۱۴، مفاد آن در خصوص هر نوع چکی که در ماده ۱ قانون صدور چک آمده است لازم‌الرعایه است. بنابراین، تحت شرایط مندرج در ماده ۱۴ می‌توان دستور عدم پرداخت چکهای تضمین شده، مسافرتی و تأیید شده را نیز صادر کرد.

محکوم خواهد شد.<sup>۱</sup>

۴. تنظیم غیر صحیح چک. صادرکننده نباید چک را به صورتی تنظیم کند که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن، از پرداخت چک خودداری کند (ماده ۳ قانون صدور چک).

اگرچه قانون‌گذار به این نکته اشاره نکرده است، مسلم است که تنظیم غیر صحیح چک فقط هنگامی قابل مجازات است که با قصد مجرمانه صورت گرفته باشد. بنابراین صرف اینکه چک به صورت نادرست تنظیم شده، مجوز محکوم کردن صادرکننده نیست.

دارنده در صورت مراجعه به بانک و عدم وصول چک، باید به طریق مقتضی از صادرکننده بخواهد که چک را تصحیح کند و در صورت عدم تصحیح، صادرکننده قابل تعقیب خواهد بود. البته در صورتی که چک به علت صحیح تنظیم نشدن پرداخت نشود، بانک مکلف است به تقاضای دارنده گواهی عدم پرداخت تسلیم کند و علت عدم پرداخت را نیز در آن قید کند.

در این مورد، اثبات قصد مجرمانه صادرکننده به عهده دارنده چک است؛ اما چون مطابق ماده ۹ قانون چک، صادرکننده می‌تواند موجبات پرداخت چک را فراهم کند، هرگاه در صورت شکایت شاکی، چنین نکند، قابل مجازات خواهد بود.

۱. به موجب ماده ۱۳ سابق قانون صدور چک (مصوب ۱۳۵۵)، بی‌حقی دستوردهنده در مراجع قضایی، باعث محکومیت او به پرداخت خسارت معنوی و نیز خسارت تأخیر تأدیه (در صورت مطالبه) بود. ماده ۱۴ قانون ۱۳۷۲، آن دو ضمانت اجرایی را حذف کرده و به جای آنها مقرر کرده است که دستوردهنده به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد. این بیان مفهومی دو پهلو دارد. هم می‌توان گفت که قانون‌گذار خواسته است خسارت معنوی و خسارت تأخیر تأدیه - که ممکن است غیرشرعی تلقی شوند - را حذف کند و هم می‌توان گفت که قصد قانون‌گذار آن بوده که علاوه بر خسارتهای معنوی و تأخیر تأدیه، پرداخت خسارتهای دیگر را نیز مقرر کند. درست این بود که در این مورد، قانون با صراحت تنظیم می‌شد تا باعث مشاجره قضایی نشود.

در واقع، برای تعقیب جزایی صادرکننده، همین عدم اقدام کافی است و دارنده مجبور نیست که قصد مجرمانه او را به طریق دیگری ثابت کند.

همان‌طور که گفته شد، قانون‌گذار در ماده ۷ قانون صدور چک برای صادرکننده‌ای که تحت شرایط مندرج در ماده ۳ چک بلامحل صادر کرد، مجازات حبس و جریمه مقرر کرده است. این مجازات‌ها موجب می‌شود که بعضی طلبکاران از بلهکاران خود چک‌هایی دریافت کنند که می‌دانند فاقد محل است، ولی به سبب قابل مجازات بودن صادرکننده، آنها اسکان می‌یابند که در مقابل بدهکار، نسبت به برات و سفته، تضمین بیشتری داشته باشند. این اقدام، البته غیرقابل پذیرش است. چگونه قابل قبول است که کسی که می‌داند از بدهکار خود چک بلامحل دریافت می‌کند قانوناً بتواند در صورت عدم پرداخت، شکایت کیفری کند؟ این است که باید از اقدام قانون‌گذار در تصحیح قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ راه که صدور چک بلامحل در بعضی موارد را غیرقابل تعقیب اعلام کرده است استنباط کرد. این موارد که در ماده ۱۳ اصلاحی قانون چک ذکر شده‌اند، همان مواردی است که در ماده ۱۲ قانون صدور چک قبل از اصلاح آن در سال ۱۳۶۱ ذکر شده بود و عبارت‌اند از:

۱. در صورتی که ثابت شود چک سفید امضا داده شده است، اگر کسی از چک سفید امضا برخلاف توافقات طرفین استفاده کند، ذی‌نفع می‌تواند از راه عنوان خائن در امانت تحت تعقیب قرار دهد.

۲. هرگاه در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقیق شرطی شده باشد، ماده ۲ قانون صدور چک مقرر می‌کند که «... هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد». مع‌ذلک، اگر چنین چکی به بانک تسلیم شود و فاقد محل باشد، دارنده نمی‌تواند علیه صادرکننده شکایت کیفری کند.

۳. هرگاه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. چون برخلاف برات و سفته، لازم نیست روی چک به نسبت مبلغ آن تمبر الصاق شود، اغلب از آن به عنوان وسیله تضمین معاملات، به‌ویژه قراردادهای

۱. منظور از چک سفید امضا، چکی است که مبلغ در آن قید نشده باشد.

مقاطع کاری، استفاده می‌شود. قانون صدور چک چک‌هایی را که به این منظور صادر می‌شوند، قابل تعقیب جزایی نمی‌داند.

۴. هرگاه بدون قید در متن چک، ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. این مورد با موارد ۲ و ۳ مشابه است؛ ولی از نظر وسیله اثبات وجود شرط و یا تضمین با آنها تفاوت دارد. در موارد ۲ و ۳، شرط و تضمین در خود چک قید می‌شود؛ در حالی که در این مورد، فرض این است که شرط و تضمین در قراردادی جداگانه درج می‌شود. قانون‌گذار می‌توانست موارد ۲، ۳ و ۴ را در یک بند بگنجانند؛ ولی ترجیح داده است که مقصود خود را ساده‌تر و روشن‌تر بیان کند.

۵. در صورتی که ثابت شود چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صادر چک، مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک است هیئت عمومی دیوان کشور سابقاً در این مورد، نظری مخالف ابراز کرده بود.<sup>۱</sup>

ماده ۱۲ قانون ۱۳۵۵ اثبات ادعا در مورد بندهای فوق را به تنهایی با شهادت شهود میسر نلغداد نمی‌کرد. با وضع قانون اصلاحی ۱۳۸۲، اثبات موارد بالا با هر دلیلی ممکن است.

مقررات جزایی قانون صدور چک فقط در مورد چک‌هایی اعمال می‌شود که عهده بانکه صادر می‌شوند؛ اعم از آنکه چک عهده بانکه‌ای صادر شده باشد که طبق قوانین ایران در داخل ایران تأسیس شده و شعب آنها در خارج است (ماده ۲ قانون صدور چک) و یا آنکه چک در ایران عهده بانکه‌ای صادر شود که در خارج ایران هستند (ماده ۷ قانون صدور چک). بنابراین، چک‌هایی که طبق قانون تجارت، به عهده یک محال‌علیه که بانک نیست صادر می‌شود، هر چند عنوان چک داشته باشند، قابل تعقیب جزایی نیستند.

۱. مجموعه رویه قضایی (آرشیو حقوقی کیهان)؛ ج ۱، ص ۱۳۲ به بعد. خلاصه رأی چنین است: تجریز چک در زمانی مقدم بر تاریخ پرداخت، آن را از صورت چک خارج نخواهد کرد و تاریخ استفاده همان تاریخی است که در چک قید شده است.

دوم: شرایط شکلی تعقیب صادرکننده. عمده‌ترین شرایط شکلی که براساس آنها می‌توان صادرکننده چک بی‌محل را مورد تعقیب قرار داد، عبارت‌اند از:

۱. شکایت شاکی. تعقیب جزایی صادرکننده هنگامی امکان‌پذیر است که دارنده نزد مراجع قضایی، علیه وی شکایت کند. این شکایت باید در مهلت‌های مقرر در ماده ۱۱ قانون صدور چک به عمل آید. به موجب این ماده: «... در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند، با ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید، دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت. منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است. برای تشخیص اینکه چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک، مراجعه کرده است، بانکها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک، هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید نمایند. کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده، حق شکایت کیفری نخواهد داشت؛ مگر آنکه انتقال قهری باشد».

این سختگیرانه‌ها برای آن است که از اقدام اشخاص سودجویی که با انتقال چکهای برگشتی به خود، علیه صادرکنندگان آنها شکایت می‌کردند، جلوگیری شود. به این علت، تبصره ماده ۱۱، انتقال چک را بعد از شکایت شاکی، مرجح متوقف شدن تعقیب صادرکننده می‌داند.

برای شکایت کیفری، لازم نیست که دارنده شخصاً به بانک مراجعه کند. اگر دارنده بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری (نماینده) وصول کند و در عین حال، حق شکایت کیفری او در صورت بی‌محل بودن چک، محفوظ بماند، باید هویت و نشانی خود را با تصریح نمایندگی شخص مذکور، در ظهر چک قید کند. در این صورت، بانک اعلامیه مذکور در ماده ۴ و ۵ را به نام صاحب چک صادر می‌کند و حق شکایت کیفری او محفوظ خواهد بود.

مطابق ماده ۱۲ قانون صدور چک: «هرگاه قبل از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت نماید و یا اینکه متهم وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن

پرداخت کند، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور<sup>۱</sup> را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع نماید، مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب [را] صادر خواهد کرد.... هرگاه پس از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت کند و یا اینکه محکوم‌علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید، اجرای حکم موقوف می‌شود و محکوم‌علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد»<sup>۲</sup>.

۲. گواهی عدم پرداخت. برای تعقیب صادرکننده چک بی‌محل، دارنده باید ثابت کند که چک فاقد محل است و یا به یکی از دلایل مذکور در ماده ۲ قانون صدور چک، نتوانسته است مبلغ چک را از بانک دریافت کند. اثبات این امر با هر دلیلی ممکن نیست، بلکه دارنده باید گواهینامه مخصوصی را از بانک مربوط دریافت کند و به مرجع رسیدگی قضایی ارائه دهد.

به موجب ماده ۴ قانون صدور چک: «هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده ۲ پرداخت نگردد، بانک مکلف است در برگ مخصوصی که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادرکننده در آن ذکر شده باشد، علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً قید و آن را امضا و مهر نموده و به دارنده چک تسلیم

۱. به موجب تبصره اضافه شده به ماده ۱۲ قانون صدور چک: «میزان خسارت و نحوه احتساب آن بر مبنای قانون الحاق یک تبصره به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک، مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهد بود». تبصره ماده ۲ مقرر کرده است که «خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه‌های دادرسی و حق‌الوکاله براساس تعرفه‌های قانونی است».

۲. قسمت اخیر ماده را که مقرر می‌کند: «محکوم‌علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود» باید در حال حاضر نسخ شده تلقی کرد، زیرا، قانون مصوب ۱۳۸۲، اصولاً صدور حکم به جزای نقدی را، که قبلاً از ماده ۷ قانون پیش‌بینی شده بود، ملغی کرده است. بنابراین در حال حاضر، هیچ‌گونه وجهی بابت جریمه نقدی از محکوم‌علیه دریافت نمی‌شود.

نماید. در برگ مزبور باید مطابقت امضای صادرکننده با نمونه امضای موجود در بانک (در حدود عرف بانکداری) و یا عدم مطابقت آن از طرف بانک تصدیق شود. بانک مکلف است به منظور اطلاع صادرکننده چک، فرراً نسخه دوم این برگ را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است ارسال دارد. در برگ مزبور باید نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک نیز قید گردد».

ماده ۵ قانون صدور چک نیز مقرر می کند: «در صورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد، به تقاضای دارنده چک، بانک مکلف است مبلغ موجود در حساب را به دارنده چک بپردازد و دارنده چک، با قید مبلغ دریافت شده در پشت چک، و تسلیم آن به بانک، گواهینامه مشتمل بر مشخصات چک و مراتبی که پرداخت شده از بانک دریافت نماید. چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده بر محل حساب در بانک بانکی در این مورد برای دارنده چک، جایزین اصل چک خواهد بود. در مورد این ماده نیز بانک مکلف است نسبت به اصلاحیه مقرر در ماده مذکور و ابراهام علیه السلام».

همان‌طور که گفتیم، ارائه گواهینامه موضوع ماده ۵ فقط وسیله اثبات ادعای عدم انبساطی یا کسر موجودی در شرط لازم ترتیب کیفی است. هرگاه گواهینامه مزبور ارائه نگردد، به حکم ماده ۱۱ قانون صدور چک، تعقیب صادرکننده مجاز نخواهد بود. البته، صرف ارائه گواهینامه برای تعقیب کافی نیست، بلکه دارنده باید گواهینامه مزبور را به موقع از بانک درخواست کند و به موقع نیز آن را به مرجع قضایی ارائه دهد. مهلت تقاضای صدور گواهینامه شش ماه از تاریخ صدور چک، و مهلت مراجعه به مرجع قضایی شش ماه از تاریخ صدور گواهینامه بانکی خواهد بود. (ماده ۱۱ قانون صدور چک).

سوم: طرق رسیدگی به شکایت کیفی. پس از صدور کیفرخواست، در دادگاه کیفری به شکایت دارنده چک رسیدگی می شود. نحوه رسیدگی تابع مقررات ویژه نیست و همان مقررات آیین دادرسی کیفری در مورد رسیدگی به جرم صدور چک بلامحل نیز قابل اعمال است. در عین حال، ماده ۱۶ قانون صدور

چک تأکید می کند که در مورد این جرایم، رسیدگی در دادسرا و دادگاه فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد. قانون گذار علاوه بر این، قواعد خاصی را که در مورد اخذ تأمین از شخصی که متهم به صدور چک بلامحل است در قانون اصلاحی ۱۳۸۲ پیشینی کرده بود حذف و اخذ تأمین در مورد چک را تابع مقررات عام کرده است.

در واقع ماده ۱۸ اصلاحی ۱۳۸۲ مقرر می دارد: «مرجع رسیدگی کننده جرایم مربوط به چک بلامحل از متهمان در صورت توجه اتهام طبق ضوابط مقرر در ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری - مصوب ۸/۶/۷۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی - حسب مورد یکی از قراردادهای تأمین کفالت یا وثیقه (اعم از نقد یا ضمانتنامه بانکی یا سال منقول و غیر منقول) اخذ می نماید. بدین ترتیب، برخلاف گذشته، مرجع رسیدگی مکلف نیست الزاماً وجه الضمان نقدی یا ضمانتنامه بانکی معادل وجه چک یا قسمتی از آن که مورد شکایت واقع شده از متهم اخذ کند. این برنمود قانون گذار، در راستای نکر تبدیل جنبه کیفری چک بلامحل است، که با حذف موارد مصرح در ماده ۱۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۸۲، مجموعه گام مهمی در جهت غیر جزایی کردن صدور چک بلامحل است که چندین سال است در کشورهای نظیر فرانسه، اجرا شده و نتیجه مطلوبی نیز داشته است».

طبق ماده ۲۲ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۸۲: «در صورتی که به متهم دسترسی حاصل نشود، آخرین نشانی متهم در بانک محال علیه، اقامتگاه قانونی او محسوب است و هرگونه ابلاغی به نشانی مزبور به عمل می آید؛ هرگاه متهم حسب مورد به نشانی بانکی یا نشانی تعیین شده شناخته نشود، یا چنین محلی وجود نداشته

۱. این موارد عبارت بودند از: صدور چک به عنوان تضمین یا تأمین اعتبار یا مشروط، و عهده دار یا سفید امضا که، همان‌طور که قبلاً گفته شد، دیگر جنبه کیفری ندارند.
۲. در این خصوص رجوع کنید به: مقاله نگارنده با عنوان «نقش بانکها در پیشگیری از صدور چک بلامحل»، مجله نامه مفید، ش ۳۷، مرداد و شهریور ۱۳۸۲، ص ۱۷۹.

باشد، گواهی مأمور به منزله ابلاغ اوراق تلقی می‌شود و رسیدگی، بدون لزوم احضار مهم وسیله مطبوعات، ادامه خواهد یافت.

چهارم: نتایج تعقیب کیفری متهم به صدور چک بلامحل. علاوه بر مجازاتهای مندرج در ماده ۷ و ۱۰ قانون صدور چک،<sup>۱</sup> براساس ماده ۲۱ همین قانون، در صورت تعقیب کیفری شخص متهم به صدور چک بلامحل و صدور کیفرخواست، بانکها کلیه حسابهای جاری او را بسته و تا سه سال به نام او حساب جاری دیگری باز نمی‌کنند. قانون سابق مقرر کرده بود که زمانی حساب مشتری بانک بسته می‌شود که وی ظرف سه سال، بیش از یک بار چک بی محل صادر کرده و تعقیب او منتهی به صدور کیفرخواست شده باشد و همچنین دادسراها نیز مکلف بودند صدور کیفرخواست را به بانک مرکزی اطلاع دهند و بانک مزبور مکلف بود مشخصات کسانی را که با رعایت این قانون باید حسابشان بسته و نباید حساب جاری برایشان باز شود، ضمن بخشنامه به تمام بانکها اعلام کند.

ماده ۲۱ قانون صدور چک، پس از اصلاحات ۱۳۷۲، سختگیری بیشتری در نظر گرفته است. اگر شخصی فقط یک بار چک بلامحل صادر کند و تعقیب او منتهی به صدور کیفرخواست شود، بانکها مکلفند تا سه سال حساب جاری دیگری به نام او باز نکنند. در اصلاحات جدید به بانک مرکزی وظیفه بسیار مهم اعطا شده است. به این صورت که بانک مزبور باید اسامی افرادی را که مرتکب صدور چک بلامحل می‌شوند، در لیست خاصی منظم کند و در اختیار سایر بانکها قرار دهد. به علاوه، تعیین ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و نحوه پاسخ به استعلامهای بانک، به تصویب آیین‌نامه‌ای که بانک مرکزی تنظیم خواهد کرد، موکول شده است. باید امیدوار بود که تبادل اطلاعات میان بانک مرکزی و بانکهای دیگر، به صورتی مطلوب انجام شود؛ زیرا تأثیر این عملکرد بر

۱. به موجب ماده ۱۰ قانون صدور چک: «هرکس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید عمل وی در حکم صدور چک بی محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیر قابل تعلیق است.»

صادر کنندگان چکهای بلامحل، از تعیین مجازات بیشتر خواهد بود.<sup>۱</sup> در مواردی که شخصی به وکالت یا نمایندگی از سوی دیگری چک بدون محل صادر می‌کند، آیا بانک باید به موجب ماده ۲۱ حساب آمر را ببندد یا خیر؟ برای مثال، هرگاه مدیر شرکتی به نمایندگی از طرف شخص حقوقی مبادرت به صدور چک بلامحل کند آیا حساب شخصی مدیر مسدود می‌شود یا حساب شخص حقوقی؟ به نظر می‌رسد که در این مورد، حساب خود مدیر را به عنوان صادرکننده چک و شخص حقوقی را به عنوان مسئول تضامنی می‌توان مسدود کرد.

#### ب) ضمانت اجرای مدنی

در صورت برگشت چک، دارنده می‌تواند هم از طریق صدور اجراییه و هم از طریق مراجعه به دادگاه، حق خود را وصول کند.

اول: صدور اجراییه. ماده ۲ قانون صدور چک، چک را در حکم اسناد لازم‌الاجرا قرار داده و به موجب آن: «... دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد؛ می‌تواند طبق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی، وجه چک یا باقیمانده آن را از صادرکننده وصول کند...». صدور اجراییه موکول به رعایت مهلتها و شرایط دیگر مربوط به دعاوی جزایی نیست؛ ولی دارنده در صورتی می‌تواند صدور آن را تقاضا کند که چک مطابق شرایط مندرج در قانون صدور چک تنظیم شده باشد.

برای صدور اجراییه، دارنده چک باید عین چک و گواهینامه مذکور در ماده ۴ یا گواهینامه مندرج در ماده ۵ را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم کند. اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضای چک با نمونه امضای

۱. با آنکه در قوانین کشور انگلستان جرمی به نام «صدور چک بلامحل» وجود ندارد، این کشور از جمله کشورهایی است که در آنها به دلیل سیاست تبادل اطلاعات بین بانکها، صدور چک بلامحل در کمترین میزان است.

صادر کننده در بانک، از طرف بانک گواهی شده باشد. برخلاف موردی که در آن دارنده شکایت کیفری می کند، ماده ۲ قانون صدور چک دارنده متقاضی صدور اجراییه را کسی می داند که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او پشت نویسی شده است و یا حامل چک (در مورد چکهای در وجه حامل) یا قائم مقام قانونی آنهاست (قسمت اخیر ماده ۲) و بنابراین، متقاضی اجراییه صرفاً کسی نیست که برای اولین بار به بانک مراجعه می کند، بلکه کسی که پس از مراجعه به بانک چک به او منتقل شده است نیز حق تقاضای صدور اجراییه را دارد.

در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب - اعم از شخص حقیقی یا حقوقی - صادر شده باشد، صادر کننده چک و صاحب حساب به طور تضامنی مسئول پرداخت وجه چک هستند و به علت وجود تضامن، اجراییه علیه هر دو صادر می شود (ماده ۱۹ قانون صدور چک).

دوم: اقامه دعوی مدنی. اقامه دعوی مدنی در دادگاه، به تبعیت دعوی جزایی ممکن و میسر است. هر گاه به بطلی اقامه دعوی تبعی در دادگاه ممکن نباشد، دارنده می تواند مستقلاً در دادگاه اقامه دعوی مدنی کند. ماده ۱۵ قانون صدور چک به دارنده حق داده است که وجه چک و ضرر و زیان خود را در دادگاه کیفری مرجع رسیدگی مطالبه کند. در چنین صورتی، دادگاه کیفری صلاحیت رسیدگی و صدور حکم را خواهد داشت؛ بی آنکه میزان مبلغ چک تأثیری در صلاحیت دادگاه بگذارد. رسیدگی به این دعوی مطابق مقررات عام قانون آیین دادرسی کیفری و مدنی خواهد بود.

هر گاه چک به وکالت یا نمایندگی صادر شده باشد، طرح دعوی مدنی دارنده به تبعیت دعوی جزایی، فقط علیه صادر کننده میسر است. بنابراین، هر گاه دارنده بخواهد از حقی که ماده ۱۹ قانون صدور چک به او داده است استفاده کرده، علیه صاحب حساب (و نه کسی که به وکالت چک را صادر کرده است) اقامه دعوی کند، فقط می تواند دعوی مدنی مطرح سازد.

اقامه دعوی مستقل مدنی در یک صورت نیز میسر است و آن در صورتی

است که چک پس از رسیدگی کیفری قابل تعقیب جزایی تلقی نشده و قرار موقوفی یا منع تعقیب جزایی متهم صادر شده باشد و یا اینکه مهلتهای قانونی و سایر شرایط مذکور در قانون صدور چک از طرف دارنده رعایت نشده باشد؛ لکن چون اقامه دعوی جزایی و صدور اجراییه فقط علیه صادر کننده میسر است، دعوی مدنی معمولاً هنگامی اقامه می شود که دارنده بخواهد برای وصول وجه چک سایر مسئولان چک (ظهر نویس و ضامن) را مورد تعقیب قرار دهد.

## بخش دوم: آثار انتقال

چون ظهرنویسی چک ممکن است برای انتقال مالکیت و یا برای وصول (یعنی انتقال به عنوان وکالت) و یا به عنوان وثیقه باشد، این موارد را جداگانه بررسی می‌کنیم.

## مبحث اول: ظهرنویسی برای انتقال مالکیت

این نوع ظهرنویسی و آثار آن همان است که در مورد برات بیان شد. در واقع، ماده ۳۱۴ قانون تجارت، مقررات مربوط به ظهرنویسی برات را در مورد چک نیز لازم‌الرعایه دانسته است. بدین ترتیب مقررات چک در مورد قواعد مربوط به مسئولیت تضامنی ظهرنویسان (ماده ۲۴۹ ق.ت)، قواعد مربوط به ایرادات در مقابل دارنده چک<sup>۱</sup> و نیز قواعد راجع به انتقال مالکیت محل، همان است که درباره برات گفته شد. باید تأکید کرد که ظهرنویسی چک، موجب انتقال مالکیت محل آن نیست. بنابراین، برخلاف مقررات حقوق فرانسه، هرگاه صادرکننده چک پس از صدور آن ورشکسته شود، دارنده چک برای دریافت طلب خود باید وارد غرما شود؛ زیرا مالکیت محل برات به او منتقل نشده است (ماده ۲۵۱ ق.ت). اما آیا قاعده مندرج در ماده ۴۲۲ قانون تجارت در مورد چک نیز لازم‌الرعایه است؟

۱. هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۷۸۷ مورخ ۳۹/۹/۱۲، به عدم توجه ایرادات راجع به معامله میان صادرکننده و طرف (دارنده) مستقیم او نسبت به دارنده فعلی نظر داده است. در پرونده مربوط، صادرکننده چک در مقابل دارنده فعلی ایراد می‌کند که چک مزبور بابت معامله‌ای بوده که او با دارنده قبلی (پدر صادرکننده) منعقد کرده و چون معامله مزبور، از سوی دارنده قبلی انجام نشده، چک بایست به صادرکننده مسترد می‌شد، نه آنکه به دارنده فعلی منتقل شود. در این باره دیوان عالی کشور نظر داده است که صادرکننده چک در معامله میان دارنده قبلی و دارنده فعلی سمتی نداشته تا برای اقامه دعوی علیه دارنده فعلی صالح باشد و بتواند به علت عدم انجام یافتن معامله، وجه چک را از مشارالیه بخواهد. در حقیقت، این رأی عدم توجه ایراد صادرکننده در مقابل دارنده فعل را به سبب معامله صادرکننده با دارنده قبلی بیان می‌کند؛ هر چند که به صراحت اشاره‌ای به اصل عدم توجه ایرادات ندارد (قانون اسناد تجاری ایران؛ ص ۷۰).

## فصل چهارم

## انتقال چک

## بخش اول: صور انتقال

به موجب قسمت اخیر ماده ۳۱۲ قانون تجارت، چک «... ممکن است به صرف امضای در ظهر [آن] به دیگری منتقل شود». این تنها راه انتقال چک نیست و در همه احوال هم نمی‌توان چک را به صرف امضای ظهر آن به دیگری منتقل کرد و از مقررات قانون تجارت در مورد انتقال اسناد تجاری بهره‌مند شد.

علی‌الاصول، چک به صورت حواله کرد صادر می‌شود. در چنین حالتی چک قابل ظهرنویسی است. همچنین هرگاه چک در وجه حامل یا در وجه شخص معین یا به حواله کرد او صادر شده باشد نیز می‌توان آن را ظهرنویسی کرد. برعکس، هرگاه چک در وجه شخص معین صادر شده باشد و روی آن عبارت غیرقابل انتقال یا غیرقابل ظهرنویسی قید شده باشد، نمی‌توان آن را از طریق ظهرنویسی منتقل کرد و انتقال آن، تابع مقررات انتقال طلب مدنی است. هرگاه چک در وجه حامل باشد و یا هیچ‌گونه قیدی در خصوص دارنده در روی ورقه چک وجود نداشته باشد، از طریق قبض و اقباض قابل انتقال است. در این صورت، دارنده فقط به کسانی می‌تواند مراجعه کند که ورقه چک را امضا کرده‌اند.

از آنجا که قانون‌گذار، انتقال چک با مهر انتقال‌دهنده را پیش‌بینی نکرده است، ظهرنویسی چک با استفاده از مهر ممکن نیست و مشمول مقررات مربوط به چک نمی‌شود. سایر جنبه‌های انتقال چک، همان است که در مورد برات گفته شد.

این ماده مقرر می‌کند: «هرگاه تاجر ورشکسته فته‌طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته، سایر اشخاصی که مسئول تأدیه وجه فته‌طلب یا برات می‌باشند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت، وجه آن را نقلاً بپردازند یا تأدیه آن را در سر وعده تأمین نمایند». بدیهی است که یکی از این اشخاص که مسئول پرداخت تلقی شده، ظهرنویس است؛ لیکن، چون ماده ۴۲۲ از مواهی نیست که ماده ۳۱۴ قانون تجارت به آن اشاره کرده است، مقررات آن در مورد چک قابل اعمال نیست. به علاوه، خود ماده ۴۲۲ نیز از چک صحبت نمی‌کند. این امر کاملاً با طبیعت چک تطبیق می‌کند؛ چرا که چک، برخلاف برات و سفته، اصلاً مهلت پرداخت ندارد تا بتوان در مورد حال شدن دین مسئولان آن بحث کرد.

#### مبحث دوم: ظهرنویسی برای وکالت و وثیقه

ظهرنویسی به عنوان وکالت در چک بیشتر از برات و سفته معمول است. این نوع ظهرنویسی، زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که دارنده، چک را برای وصول، تسلیم بانک می‌کند. بانک پس از وصول، مبلغ چک را به حساب مشتری واریز می‌کند. وکالت در وصول، از طریق ظهرنویسی و با قید هر عبارتی در ظهر چک که حکایت از وکالت کند، میسر است. مع‌ذک، برای وصول وجه چک از طریق واریز حساب، معمولاً جمله زیر در چک قید می‌شود: «لطفاً پس از وصول به حساب شماره ... واریز شود». این نوع ظهرنویسی، تابع قواعد مربوط به برات است. بنابراین، هرگاه ظهرنویسی به صراحت حاکی از وکالت نباشد، ظهرنویسی به عنوان وکالت تلقی نمی‌شود و ممکن است ظهرنویسی به عنوان انتقال تلقی شود. اماره مذکور در ماده ۲۴۷ قانون تجارت که به موجب آن: «ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است؛ مگر اینکه ظهرنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد»، در مورد چک نیز صادق است (ماده ۳۱۴ ق. ت).

ظهرنویسی چک برای وثیقه نیز تابع مقررات برات است و بنابراین، از شرح

مجدد آن خودداری می‌کنیم.

#### فصل پنجم

### پرداخت چک

ماده ۳۱۴ قانون تجارت به گونه‌ای تنظیم شده که پرداخت چک تقریباً تابع همان شرایطی باشد که در مورد برات گفته شد. مع‌ذک، پرداخت چک دارای قواعد ویژه‌ای است و ما این فصل را با توجه به این ویژگیها به شرایط پرداخت و آثار و نتایج عدم پرداخت چک اختصاص می‌دهیم.

#### بخش اول: شرایط پرداخت

برای آنکه چک پرداخت شود، دارنده باید آن را به بانک ارائه دهد. ارائه چک بانک را متکلف به پرداخت وجه چک می‌کند؛ اما بانک ملزم است که در پرداخت چک نکاتی را رعایت کند، و الا در مقابل صادرکننده و مسئولان دیگر چک مسئول خواهد بود.

#### مبحث اول: تکالیف دارنده در ارائه چک

##### الف) ارائه فوری چک

همان‌طور که گفته شد، برخلاف برات و سفته، چک وسیله اعطای اعتبار نیست و به این علت، پرداخت آن فوری است. ماده ۳۱۳ قانون تجارت در این باره می‌گوید: «وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود». این نکته را ماده ۳ قانون صدور



در مورد چکهایی که در خارج صادر شده است و باید در ایران پرداخت شود مهلت ارائه برای پرداخت وجه چک، چهار ماه از تاریخ صدور است (ماده ۳۱۷ ق. ت). ضمانت اجرای عدم رعایت مهلهای مزبور، اسقاط حق دارنده در دریافت وجه چک نیست، بلکه هرگاه چک بعد از تاریخهای مزبور به بانک ارائه شود نیز در صورت وجود محل، قابل پرداخت است و در واقع، بسیاری از چکها بعد از مهلهای مزبور به بانک ارائه می‌شوند. به علاوه، هرگاه بعد از مهلهای مزبور چک به بانک ارائه شود، حق شکایت کیفری و به تبع آن، حق شکایت مدنی دارنده علیه صادرکننده از بین نمی‌رود؛ مشروط بر اینکه زمان مراجعه به بانک بعد از شش ماه مقرر در ماده ۱۰ قانون صدور چک نباشد. ضمانت اجرای عدم رعایت مهلهای مذکور در قانون تجارت برای مراجعه به بانک، این است که دارنده دیگر نمی‌تواند به ظهنویس مراجعه کند (قسمت دوم ماده ۳۱۵ ق. ت).

ارائه چک باید در روز غیر تعطیل به عمل آید. اگر آخرین روز ارائه، تعطیل باشد، چک باید روز بعد از آن به بانک ارائه شود.

#### ب) محل ارائه

چک باید در محلی که روی ورقه قید شده است، برای پرداخت ارائه شود. این امر در عمل مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا بانکها نام و محل اقامت خود را در چک قید می‌کنند و همین محل، مکان پرداخت چک است. هرگاه دارنده مقیم یا ساکن محلی غیر از محل پرداخت مندرج در چک باشد، می‌تواند از طریق اعطای وکالت در وصول به بانک خود، وجه آن را به حساب خودش واریز کند. این امر، مکان پرداخت چک را تغییر نمی‌دهد؛ زیرا در چنین صورتی نیز پرداخت در محلی صورت می‌گیرد که روی ورقه چک قید شده است.

#### مبحث دوم: تکالیف بانک

قانون تجارت، به تکالیف بانک در پرداخت وجه چک، پس از ارائه آن، اشاره‌ای

چک نیز به نحوی بیان کرده است: «هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد» و به عبارت دیگر، بانک باید با بروسی شرایط صحت چک، آن را پرداخت کند. از مجموع این دو ماده استنباط می‌شود که چک، در اولین باری که ارائه می‌شود، قابل پرداخت است و درج شرط خلاف در چک و یا تعیین مهلتی برای پرداخت آن، کان‌لیم‌یکن تلقی می‌شود. بنابراین، هرگاه چکی که دارای تاریخ مؤخر است به بانک ارائه شود، بانک باید بدون توجه به این تاریخ، چک را در همان تاریخ ارائه، پرداخت کند.

صادرکننده چکی که تحت شرایط اخیر به بانک ارائه می‌شود، نمی‌تواند پرداخت آن را ممنوع کند؛ مگر در مواردی که قانون معین کرده است. این موارد همان‌طور که گفتیم در ماده ۱۴ قانون صدور چک ذکر شده‌اند و عبارت‌اند از: گم شدن، به سرقت رفتن و یا جعل چک و نیز موردی که چک از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگر تحصیل شده باشد. موردی که اداره تصفیه، پس از صدور حکم ورشکستگی صادرکننده، دریافت وجه چک توسط دارنده را ممنوع می‌کند را نیز باید به موارد مذکور افزود. چون با صدور چک، محل آن به مالکیت دارنده در نمی‌آید و به عبارت دیگر، دارنده از طلبکاران صادرکننده محسوب می‌شود، او نمی‌تواند وجه چک را دریافت کند و چنانچه آن را دریافت کند، به حکم بند ۲ ماده ۴۲۳ قانون تجارت باید وجه را به مدیر تصفیه مسترد دارد و برای دریافت طلب خود از صادرکننده (ورشکسته) داخل غرما شود.

پرداخت فوری چک به این معنی نیست که دارنده مکلف است آن را در همان روز صدور به بانک ارائه کند؛ اما برای آنکه بتواند از مزایای تجاری چک استفاده کند، باید در ظرف مهلهای مقرر در قانون تجارت، چک را به بانک ارائه کند. این مهلتها براساس ماده ۳۱۵ قانون تجارت به شرح زیر است:

«اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد، دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور، وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود.»

نکرده است. بنابراین، درباره این تکالیف، مقررات حقوق عام قابل اعمال است. مع ذلک، در این زمینه می‌توان به چند مورد اشاره کرد:

۱. در مورد حقوقی که دارنده چک نسبت به وجه آن دارد، بانک باید، در صورت وجود محل، وجه چک را پرداخت کند و هرگاه بدون دلیل موجه از پرداخت خودداری کند، مسئول زیانهای دارنده قانونی چک خواهد بود. برای مثال، هرگاه بانک بدون دلیل از پرداخت وجه چک به دارنده خودداری کند و محل چک به دلیلی (مانند ورشکسته شدن صادرکننده) از بین برود، بانک باید خسارت دارنده را جبران کند.

۲. نسبت به صادرکننده و دیگر مسئولان چک، بانک در پرداخت وجه باید رعایت احتیاطهای لازم را در حدود عرف بانکداری معمول دارد. از جمله دقت کند که چک به طور صحیح تنظیم شده باشد و به‌ویژه امضای موجود در چک را با امضای صاحب حساب - که در کارت مخصوصی نزد خود نگهداشته است - تطبیق دهد. هرگاه امضاها مزبور، در حدود عرف بانکداری با هم تطبیق نکند، بانک باید از پرداخت چک خودداری کند، و الا در مقابل صادرکننده مسئول است. البته، بانک متخصص کشف جعل سند نیست و بنابراین، در صورت جعلی بودن چک و پرداخت آن، مسئولیتی ندارد؛ لکن هرگاه چک متضمن امضایی باشد که به‌وضوح با امضای نزد بانک تطبیق نمی‌کند، بانک در صورت پرداخت، مسئول خواهد بود. به عکس، هرگاه چک به نحو ماهرانه جعل شده باشد، بانک مسئول محسوب نمی‌شود.

۳. در صورتی که بانک تشریفات قانونی راجع به پرداخت را رعایت نکرده باشد نیز مسئول است. برای مثال، چون به موجب ماده ۳۱۶ قانون تجارت: «کسی که وجه چک را دریافت می‌کند باید ظهر آن را امضا یا مهر نماید؛ اگرچه چک در وجه حامل باشد»، بانک باید وجود این امضا یا مهر را در ظهر چک کنترل کند و هرگاه چکی که به طریق فوق امضا یا مهر نشده است را پرداخت کند، مسئول خواهد بود.

۴. هرگاه چک در وجه شخص معین باشد، بانک مکلف است هویت دارنده را

بررسی کند. بانکهای داخل ایران معمولاً جز در مورد چکهای مهم چنین کاری نمی‌کنند. هرگاه چک در وجه حامل باشد، بانک مکلف نیست که هویت دارنده را بررسی کند. مع ذلک، چون بانکها به حکم ماده ۱۱ قانون صدور چک باید هویت اولین آورنده را در ظهر چک قید کنند، می‌توانند هویت آورنده را با توجه به اوراق شناسایی او با مطالب ظهر چک تطبیق کنند؛ اما اگر چنین اقدامی هم نکنند مسئول نیستند.

### بخش دوم: آثار و نتایج عدم پرداخت چک

در صورت وجود شرایط قانونی و به‌ویژه وجود محل، بانک وجه چک را می‌پردازد. پرداخت ممکن است به صورت تسلیم پول نقد به دارنده و یا واریز به حساب او نزد بانک پرداخت‌کننده چک و یا بانکی که دارنده نزد او حساب دارد، باشد. این پرداخت به حیات چک پایان می‌دهد و موجب سقوط تعهد صادرکننده است.

هرگاه چک، کلاً یا جزئاً پرداخت نشود، دارنده حق دارد به صادرکننده و مسئولان دیگر چک مراجعه کند. این حق موکول به رعایت شرایطی است که در قانون پیش‌بینی شده است. ابتدا شرایط مراجعه دارنده به مسئولان چک را بیان می‌کنیم و سپس به بیان حدود حق مراجعه او به مسئولان خواهیم پرداخت.

### مبحث اول: شرایط مسئولیت مسئولان چک

برای آنکه دارنده بتواند از مزایایی که قانون تجارت به نفع او مقرر کرده است، استفاده کند، باید چک را در مهلهای معین به بانک ارائه دهد و عدم پرداخت آن را تسجیل کند و به‌موقع اقامه دعوی کند.

#### الف) رعایت مهلت در مراجعه به بانک

همان‌طور که گفته شد، مطابق ماده ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون تجارت، دارنده بسته به اینکه چک باید در همان محل صدور پرداخت شود یا خیر، باید مهلهای پانزده روز، چهل و پنج روزه و چهارماهه را رعایت کند. در این صورت، دارنده حق دارد به

نکرده است. بنابراین، درباره این تکالیف، مقررات حقوق عام قابل اعمال است. مع ذلک، در این زمینه می‌توان به چند مورد اشاره کرد:

۱. در مورد حقوقی که دارنده چک نسبت به وجه آن دارد، بانک باید، در صورت وجود محل، وجه چک را پرداخت کند و هرگاه بدون دلیل موجه از پرداخت خودداری کند، مسئول زیانهای دارنده قانونی چک خواهد بود. برای مثال، هرگاه بانک بدون دلیل از پرداخت وجه چک به دارنده خودداری کند و محل چک به دلیلی (مانند ورشکسته شدن صادرکننده) از بین برود، بانک باید خسارت دارنده را جبران کند.

۲. نسبت به صادرکننده و دیگر مسئولان چک، بانک در پرداخت وجه باید رعایت احتیاطهای لازم را در حدود عرف بانکداری معمول دارد. از جمله دقت کند که چک به طور صحیح تنظیم شده باشد و به‌ویژه امضای موجود در چک را با امضای صاحب حساب - که در کارت مخصوصی نزد خود نگهداشته است - تطبیق دهد. هرگاه امضاها مزبور، در حدود عرف بانکداری با هم تطبیق نکند، بانک باید از پرداخت چک خودداری کند، و الا در مقابل صادرکننده مسئول است. البته، بانک متخصص کشف جعل سند نیست و بنابراین، در صورت جعلی بودن چک و پرداخت آن، مسئولیتی ندارد؛ لکن هرگاه چک متضمن امضایی باشد که به‌وضوح با امضای نزد بانک تطبیق نمی‌کند، بانک در صورت پرداخت، مسئول خواهد بود. به عکس، هرگاه چک به نحو ماهرانه جعل شده باشد، بانک مسئول محسوب نمی‌شود.

۳. در صورتی که بانک تشریفات قانونی راجع به پرداخت را رعایت نکرده باشد نیز مسئول است. برای مثال، چون به موجب ماده ۳۱۶ قانون تجارت: «کسی که وجه چک را دریافت می‌کند باید ظهر آن را امضا یا مهر نماید؛ اگرچه چک در وجه حامل باشد»، بانک باید وجود این امضا یا مهر را در ظهر چک کنترل کند و هرگاه چکی که به طریق فوق امضا یا مهر نشده است را پرداخت کند، مسئول خواهد بود.

۴. هرگاه چک در وجه شخص معین باشد، بانک مکلف است هویت دارنده را

بررسی کند. بانکهای داخل ایران معمولاً جز در مورد چکهای مهم چنین کاری نمی‌کنند. هرگاه چک در وجه حامل باشد، بانک مکلف نیست که هویت دارنده را بررسی کند. مع ذلک، چون بانکها به حکم ماده ۱۱ قانون صدور چک باید هویت اولین آورنده را در ظهر چک قید کنند، می‌توانند هویت آورنده را با توجه به اوراق شناسایی او با مطالب ظهر چک تطبیق کنند؛ اما اگر چنین اقدامی هم نکنند مسئول نیستند.

### بخش دوم: آثار و نتایج عدم پرداخت چک

در صورت وجود شرایط قانونی و به‌ویژه وجود محل، بانک وجه چک را می‌پردازد. پرداخت ممکن است به صورت تسلیم پول نقد به دارنده و یا واریز به حساب او نزد بانک پرداخت کننده چک و یا بانکی که دارنده نزد او حساب دارد، باشد. این پرداخت به حیات چک پایان می‌دهد و موجب سقوط تعهد صادرکننده است. هرگاه چک، کلاً یا جزئاً پرداخت نشود، دارنده حق دارد به صادرکننده و مسئولان دیگر چک مراجعه کند. این حق موقوف به رعایت شرایطی است که در قانون پیش‌بینی شده است. ابتدا شرایط مراجعه دارنده به مسئولان چک را بیان می‌کنیم و سپس به بیان حدود حق مراجعه او به مسئولان خواهیم پرداخت.

#### مبحث اول: شرایط مسئولیت مسئولان چک

برای آنکه دارنده بتواند از مزایایی که قانون تجارت به نفع او مقرر کرده است، استفاده کند، باید چک را در مهلت‌های معین به بانک ارائه دهد و عدم پرداخت آن را تسجیل کند و به‌موقع اقامه دعوی کند.

#### الف) رعایت مهلت در مراجعه به بانک

همان‌طور که گفته شد، مطابق ماده ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون تجارت، دارنده بسته به اینکه چک باید در همان محل صدور پرداخت شود یا خیر، باید مهلت‌های پانزده روز، چهل و پنج روزه و چهارماهه را رعایت کند. در این صورت، دارنده حق دارد به

چک نیز به نحوی بیان کرده است: «هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد» و به عبارت دیگر، بانک باید با بررسی شرایط صحت چک، آن را پرداخت کند. از مجموع این دو ماده استنباط می‌شود که چک، در اولین باری که ارائه می‌شود، قابل پرداخت است و درج شرط خلاف در چک و یا تعیین مهلتی برای پرداخت آن، کان‌لم‌یکن تلقی می‌شود. بنابراین، هرگاه چکی که دارای تاریخ مؤخر است به بانک ارائه شود، بانک باید بدون توجه به این تاریخ، چک را در همان تاریخ ارائه، پرداخت کند.

صادرکننده چکی که تحت شرایط اخیر به بانک ارائه می‌شود، نمی‌تواند پرداخت آن را ممنوع کند؛ مگر در مواردی که قانون معین کرده است. این موارد همان‌طور که گفتیم در ماده ۱۴ قانون صدور چک ذکر شده‌اند و عبارت‌اند از: گم شدن، به سرقت رفتن و یا جعل چک و نیز موردی که چک از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگر تحصیل شده باشد. موردی که اداره تصفیه، پس از صدور حکم ورشکستگی صادرکننده، دریافت وجه چک توسط دارنده را ممنوع می‌کند را نیز باید به موارد مذکور افزود. چون با صدور چک، محل آن به مالکیت ذرنده در نمی‌آید و به عبارت دیگر، دارنده از طلبکاران صادرکننده محسوب می‌شود، او نمی‌تواند وجه چک را دریافت کند و چنانچه آن را دریافت کند، به حکم بند ۲ ماده ۴۲۳ قانون تجارت باید وجه را به مدیر تصفیه مسترد دارد و برای دریافت طلب خود از صادرکننده (ورشکسته) داخل غرما شود.

پرداخت فوری چک به این معنی نیست که دارنده مکلف است آن را در همان روز صدور به بانک ارائه کند؛ اما برای آنکه بتواند از مزایای تجاری چک استفاده کند، باید در ظرف مهلت‌های مقرر در قانون تجارت، چک را به بانک ارائه کند. این مهلتها براساس ماده ۳۱۵ قانون تجارت به شرح زیر است:

«اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد، دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور، وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود.»

در مورد چک‌هایی که در خارج صادر شده است و باید در ایران پرداخت شود مهلت ارائه برای پرداخت وجه چک، چهار ماه از تاریخ صدور است (ماده ۳۱۷ ق.ت). ضمانت اجرای عدم رعایت مهلت‌های مزبور، اسقاط حق دارنده در دریافت وجه چک نیست، بلکه هرگاه چک بعد از تاریخ‌های مزبور به بانک ارائه شود نیز در صورت وجود محل، قابل پرداخت است و در واقع، بسیاری از چکها بعد از مهلت‌های مزبور به بانک ارائه می‌شوند. به علاوه، هرگاه بعد از مهلت‌های مزبور چک به بانک ارائه شود، حق شکایت کیفری و به تبع آن، حق شکایت مدنی دارنده علیه صادرکننده از بین نمی‌رود؛ مشروط بر اینکه زمان مراجعه به بانک بعد از شش ماه مقرر در ماده ۱۰ قانون صدور چک نباشد. ضمانت اجرای عدم رعایت مهلت‌های مذکور در قانون تجارت برای مراجعه به بانک، این است که دارنده دیگر نمی‌تواند به ظهنویس مراجعه کند (قسمت دوم ماده ۳۱۵ ق.ت).

ارائه چک باید در روز غیر تعطیل به عمل آید. اگر آخرین روز ارائه، تعطیل باشد، چک باید روز بعد از آن به بانک ارائه شود.

#### ب) محل ارائه

چک باید در محلی که روی ورقه قید شده است، برای پرداخت ارائه شود. این امر در عمل مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا بانکها نام و محل اقامت خود را در چک قید می‌کنند و همین محل، مکان پرداخت چک است. هرگاه دارنده مقیم یا ساکن محلی غیر از محل پرداخت مندرج در چک باشد، می‌تواند از طریق اعطای وکالت در وصول به بانک خود، وجه آن را به حساب خودش واریز کند. این امر، مکان پرداخت چک را تغییر نمی‌دهد؛ زیرا در چنین صورتی نیز پرداخت در محلی صورت می‌گیرد که روی ورقه چک قید شده است.

#### مبحث دوم: تکالیف بانک

قانون تجارت، به تکالیف بانک در پرداخت وجه چک، پس از ارائه آن، اشاره‌ای

کلیه مسئولان چک مراجعه کند. اگر دارنده مهلت‌های مذکور در قانون صدور چک را رعایت کرده باشد، یعنی ظرف شش ماه از تاریخ صدور چک به بانک مراجعه کرده و یا از تاریخ مراجعه به بانک و گرفتن گواهینامه عدم پرداخت، ظرف شش ماه به دادگستری مراجعه کرده باشد، حق دارد علیه صادرکننده، تحت شرایطی که قبلاً گفته شد، شکایت کیفری به عمل آورد.

اگر مهلت‌های فوق رعایت نشده باشد، مسئولیت امضاکنندگان چک یکسان نیست. هرگاه دارنده چک در ظرف مواعد مذکور در قانون تجارت (مواد ۳۱۵ و ۳۱۷) به بانک مراجعه نکرده باشد، دیگر حق مراجعه به ظهرنویس را ندارد و چون مسئولیت ضامن ظهرنویس نیز در حد مسئولیت ظهرنویس است، حق مراجعه به ضامن ظهرنویس نیز از دارنده سلب می‌شود (ماده ۳۱۴ ناظر به ماده ۲۴۹ ق.ت).<sup>۱</sup> در فرض اخیر، ماده ۳۱۵ قانون تجاری دعوی دارنده علیه صادرکننده را در صورتی قبول می‌کند که وجه چک به سببی که مربوط به محال‌علیه است از بین نرفته باشد و الا صادرکننده نیز مسئول نخواهد بود. فرض قبانون گذار عمدتاً این بوده است که اگر محال‌علیه در حالی ورشکسته شد که محل چک در نزد اوست، صادرکننده مسئول نباشد.

چون چک باید به فوریت پرداخت شده، به حیات آن پایان داده شود، قانون گذار دارنده‌ای را که دیر به بانک مراجعه کرده باشد مقصر تلقی کرده، حق او را در مراجعه به صادرکننده ساقط کرده است. البته، مراد اعمال این قاعده کم است؛ زیرا در عمل، محال‌علیه چک همیشه بانک است و خطر ورشکسته شدن بانک نیز تقریباً وجود ندارد.

هرگاه دارنده چک ظرف مهلت شش ماه از تاریخ صدور، به بانک مراجعه

۱. البته، در صورتی که دارنده در مهلت‌های مزبور به بانک مراجعه کرده باشد، با توجه به ماده ۳۱۴، ناظر به ماده ۲۸۶ قانون تجارت، باید ظرف یک سال به دادگاه مراجعه کند و الا حق رجوع به ظهرنویس را ندارد؛ و چون برخلاف برات، رویه قضایی ایران، در مورد چک اعتراض را ضروری ندانسته است، مهلت یک سال مندرج در ماده ۲۸۶ قانون تجارت از تاریخ مراجعه به بانک محاسبه می‌شود (ر.ک.: قانون اسناد تجاری ایران؛ ص ۵۳).

نکرده باشد و یا مراجعه کرده اما تا شش ماه پس از صدور گواهینامه عدم پرداخت به دادگاه مراجعه نکند، حق شکایت کیفری او ساقط خواهد شد. این شکایت فقط علیه صادرکننده امکان‌پذیر است و در هر حال در مورد سایر مسئولان (ظهرنویس، ضامن حتی ضامن صادرکننده) قابل اعمال نیست. حق شکایت کیفری دارنده، علیه صادرکننده چک از حیث رعایت مهلت، به رعایت مهلت‌های مندرج در مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون تجارت وابسته نیست و اینکه دارنده مهلت‌های مربوط به شکایت کیفری را رعایت کرده باشد، کافی است.

#### ب) تسجیل عدم پرداخت یا کسر موجودی

علاوه بر رعایت مواعد بالا، برای آنکه دارنده بتواند علیه صادرکننده و سایر مسئولان اقامه دعوی کند، باید عدم پرداخت را تسجیل کند. تعقیب کیفری صادرکننده میسر نیست، مگر با اخذ گواهینامه مذکور در ماده ۵ قانون صدور چک. اما آیا برای تعقیب مدنی مسئولان چک، گواهینامه مزبور وسیله تسجیل و اثبات عدم محل یا کسر محل است یا نه؟ به عبارت دیگر، آیا گواهینامه مزبور می‌تواند جای واخواست را بگیرد؟ تردید در این باره بدان دلیل است که ماده ۳۱۴ قانون تجارت، مقررات قانون تجارت راجع به برات را از حیث «اعتراض و اقامه دعوی» شامل چک نیز کرده است.

دیوان کشور، در این مورد، بارها اظهارنظر کرده است. از آراء مهم هیئت عمومی دیوان عالی کشور رأی شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۴۵/۴/۲۰ است که جنبه اصراری دارد.<sup>۱</sup>

به موجب این نظریه: «هر چند ماده ۳۱۴ قانون تجارت مقررات راجع به بروات و سفته را شامل چک نیز دانسته، ولی در مورد بحث، فقط کیفیت اعتراض موردنظر است. اعتراضنامه‌ای که در ماده ۲۹۳ قانون تجارت نسبت به بروات قید شده از نظر احراز نکول محال‌علیه است که پس از احراز نکول می‌توان بر علیه

۱. مجموعه رویه قضایی (آرشیو حقوقی کیهان)؛ ۱۳۴۶، ص ۲۲۷ به بعد.

صادرکننده برات و یا ظهرنویس و یا هر دو اقامه دعوی نمود؛ ولی نسبت به چک اعمال این تشریفات، به عبارت دیگر پروتست، به نحوی که ماده ۲۳۶ قانون تجارت مقرر داشته، ضرورت ندارد، بلکه منظور اطلاع صادرکننده چک و یا ظهرنویس از علم پرداخت وجه چک می باشد که این اطلاع ممکن است به صورت اعتراضنامه مقرر در ماده ۲۳۶ و یا اظهارنامه رسمی که در حقیقت همان اعتراضنامه می باشد، به عمل آید و چون در این مورد فرجام خواه پس از برگشت چک از بانک، به وسیله اظهارنامه رسمی صادرکننده را مستحضر داشته، منظور واقعی از اعتراض به عمل آمده است... بنابراین، از نظر این رأی اصراری، اعتراض مذکور در ماده ۳۱۴ قانون چک، هم شامل وخواست مندرج در ماده ۲۲۶ می شود و هم شامل اظهارنامه رسمی. البته، استدلال دیوان کشور مبنی بر اینکه اعتراض مذکور در ماده ۳۱۴ منطبق با اعتراض بیان شده در ماده ۲۳۶ است، درست نیست؛ چرا که در چک مسئله نکول مطرح نیست و به علاوه، منظور از اعتراض موضوع ماده ۳۱۴ در واقع، اعتراض عدم پرداخت موضوع ماده ۲۴۹ و ماده ۲۸۰ قانون تجارت است.

رأی مؤتمن دیگر هیئت عمومی دیوان عالی کشور رأی شماره ۱۶۵۴ مورخ

۴۵/۵/۴۰ است<sup>۱</sup> که خلاصه آن به این قرار است:

«پروتست مقرر در ماده ۲۹۳ قانون تجارت نسبت به برات تجارتنی به منظور احراز نکول محال علیه است تا پس از تحقق نکول، دارنده برات مجاز و مُحَقِّق برای مراجعه به صادرکننده برات یا ظهرنویس و یا به همه آنان مجتمعاً باشد و نسبت به چک اتیان این تشریفات به نحوی که ماده ۲۳۶ قانون تجارت پیش بینی نموده، ضرورت ندارد و نامه بانک ملی ایران بر عدم تأدیه وجه چک کافی بوده و الزامی برای وخواست در مورد چک علیه بانک نیست؛ چون ظهرنویس در قبال دارنده چک مسئول و عدم تأدیه وجه چک از طرف بانک نیز ضمن اظهارنامه ارسالی به فرجام خوانندگان اعلام و وجه چک مطالبه گردیده...»

همان طور که ملاحظه می شود، هیئت عمومی دیوان کشور در این رأی

۱. مجموعه رویه قضایی (آرشیو حقوقی کیهان)؛ ج ۲، ص ۲۲۱ به بعد.

مصدق جدیدی برای اعتراض موضوع ماده ۳۱۴ پیدا کرده است و آن «نامه بانک» مبنی بر عدم کفایت وجه است که در واقع همان گواهینامه عدم پرداخت است.

استدلال دیوان کشور به اینکه اعتراض مذکور در ماده ۳۱۴ قانون تجارت می تواند چیزی غیر از وخواست - به نحوی که برای برات مقرر شده است - باشد، متفقاً مورد تأیید مراجع قضایی نبوده است. همچنان که رأی شماره ۱۶۵۴ مورخ ۴۵/۵/۱۰ هیئت عمومی نیز با اکثریت اتخاذ شده است.

از آنجا که آراء اصراری دیوان کشور برای دادگاههای تالی لازم الاتباع نیست، مخالفت با این آراء در پاره ای مراجع قضایی ادامه داشته است تا آنکه هیئت عمومی دیوان عالی کشور رأی شماره ۵۳۶ مورخ ۶۹/۷/۱۰ خود را در مقام وحدت رویه صادر کرد و به بحثهای میان دادگاهها خاتمه داد.<sup>۱</sup> به موجب رأی مزبور:

«قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ در مادتين ۲ و ۳، و قانون تجارت به شرح مواد ۳۱۰ تا ۳۱۵ شرایط خاصی را در مورد چک مقرر داشته که از آن جمله کیفیت صدور چک و تکالیف دارنده چک از لحاظ موعد مراجعه به بانک و اقدام بانک محال علیه به پرداخت وجه چک یا صدور گواهی عدم تأدیه وجه آن و وظیفه قانونی بانک دایر به اخطار مراتب به صادرکننده چک می باشد. مسئولیت ظهرنویس چک موضوع ماده ۳۱۴ قانون تجارت هم براساس این شرایط تحقق می یابد و وخواست برات و سفته به ترتیبی که در ماه ۲۸۰ قانون تجارت قید شده ارتباطی با چک پیدا نمی کند. بنابراین، گواهی بانک محال علیه دایر بر عدم تأدیه وجه چک، که در مدت ۱۵ روز به بانک مراجعه شده به منزله وخواست می باشد و رأی شعبه ششم دیوان عالی کشور که هیئت عمومی حقوقی دیوان عالی کشور هم با آن موافقت داشته، صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸، برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.»

به این ترتیب، به عقیده دیوان عالی کشور، منظور از اعتراض مزبور این است

۱. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران؛ ش ۱۳۳۳۱، ۱۳۶۹/۹/۱۵.

که دارنده به بانک مراجعه کند و در صورت عدم پرداخت، گواهینامه بانک مبنی بر عدم تأدیه را دریافت دارد. این اقدام به منزله اعتراض است و لازم نیست که دایته چک، علاوه بر آن اقدام دیگری بکند. دیوان عالی کشور در واقع، از نظریه داستان کل کشور که تشریفات و اخواست را در صورتی انجام شده تلقی کرده بود که علاوه بر گواهی عدم پرداخت بانک، دارنده از طریق اظهارنامه وجه چک را از ظو نویس مطالبه کرده باشد نیز فراتر رفته است. به عبارت دیگر، به نظر هیئت عمومی دیوان عالی کشور، صرف گواهی بانک محال علیه دایر بر عدم تأدیه وجه چک که در مدت ۱۵ روز به بانک مراجعه شده، به منزله و اخواست است و هیچ تشریفات دیگری لازم نیست.

نظریه دیوان عالی کشور که بدین ترتیب از این پس لازم الاتباع است، جای بحث فراوان دارد و مسلم است که با موازین قانونی منطبق نیست.<sup>۱</sup> در ماده ۳۱۴ قانون تجارت به گونه ای صریح مقررات اعتراض راجع به برات در مورد چک نیز لازم الرعایه تلقی شده است و منظور قانون گذار اعتراضی است که با طبیعت چک سازگار است. بنابراین، چون در مورد چک، نکول مصداق ندارد، اعتراض نمی تواند چیزی جز اعتراض عدم تأدیه باشد؛ چیزی که در مواد ۲۴۹ و ۲۸۰ قانون تجارت نیز پیش بینی شده است و ماده ۳۱۴ ناظر به آنهاست.

ماده ۲۴۹ قانون تجارت مسئولیت تضامنی ظهن نویسان را برقرار کرده است که نسبت به حقوق عام، جنبه استثنایی دارد و چون استثنایی است، فقط در صورتی اعمال می شود که تحت شرایط مندرج در ماده مزبور باشد.

مطابق ماده ۲۴۹ دارنده برات در صورتی قادر به تعقیب ظهن نویس است که در صورت عدم پرداخت وجه برات، اعتراض صورت گرفته باشد. مواد ۲۹۳ به بعد قانون تجارت، اعتراض و موارد مربوط به آن را پیش بینی کرده است. ماده ۲۹۵ نیز تأکید می کند که هیچ نوشته ای نمی تواند از طرف دارنده برات جای اعتراضنامه را

۱. ر.ک.: کاتوزیان، ناصر: «مسئولیت ظهن نویسان و ضمانت چک»، *کانون ترکلا؛ دوره جدید*.

بگیرد. این استدلال دیوان کشور که در مورد چک، منظور قانون گذار کیفیت اعتراض بوده است، قانع کننده نیست و با روح قانون تجارت مخالف است. اعتراض در حقوق تجارت مفهوم خاصی دارد و فقط شامل نوشته ای می شود که طبق مواد ۲۹۳ و ۲۹۴ قانون تجارت تنظیم شود و هیچ نوشته دیگری اعم از اظهارنامه و یا گواهینامه بانک جای آن را نمی گیرد. در حقوق فرانسه که قانون گذار ما از آن اقتباس کرده است، و روح قانون ما را باید در آنجا جستجو کرد، هیچ چیز دیگری نمی تواند جای اعتراض (پروتست) را بگیرد.<sup>۱</sup> البته باید اذعان کرد که این تعهد به اعتراض، مطابق مواد ۲۹۳ و ۲۹۴ برای دارندگان چک که اغلب تاجر و حرفه ای نیستند و با چنین تشریفات ناآشنایند، ایجاد اشکال می کند؛ به ویژه اینکه این عمل متضمن هزینه ای برای دارنده است؛ ولی این اشکالات را قانون باید حل کند و صدور آرائی که به وضوح با مفاد قانون مخالف است، راه جل مطلوب نیست.

مشکل تشریفات و اخواست و هزینه های راجع به آن در مورد سفته نیز صادق است و با وجود این، در مورد این سند تجاری، حتی در مورد سفته هایی که توسط اشخاص غیر تاجر ردوبدل می شوند، مسئله و اخواست را نمی توان منتفی دانست.

### مبحث دوم: حدود حق رجوع دارنده به مسئولان

در مورد حقوق دارنده چک در مقابل مسئولان آن، بیش از آنچه در مورد برات و سفته گفتیم، مطلب قابل ذکری وجود ندارد. ماده ۳۱۴ قانون تجارت مقرر می دارد: «... مقررات این قانون از ضمانت صادر کننده و ظهن نویسها و اعتراض و اقامه دعوی و ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود». بدین ترتیب

۱. در این کشور برای تسهیل تعقیب صادر کننده، قانون گذار اجازه داده است که دارنده چک پرداخت نشده می تواند با ارائه گواهی بانک مبنی بر عدم پرداخت (attestation de rejet) از صادر کننده شکایت کیفری کند. مع ذلک، این گواهی هرگز جای اعتراض را نگرفته است. در واقع، اعتراض تنها وسیله ای است که به دارنده امکان می دهد علیه مسئولان چک اقامه دعوی کند و از مزایای قانون تجارت در مورد این سند استفاده کند. در این باره رجوع کنید به:

مستولان چك، در مقابل دارنده، مسئوليت تضامني دارند (ماده ۲۴۹ ق.ت) و فرقي نميكنند دين آنها كه ناشي از چك است، مدني باشد يا تجاري. قواعد حقوقي مربوط به چك در واقع، برگردان قواعد مربوط به برات است؛ به استثنای مواردی که در قانون تجارت و یا در قانون صدور چك به صراحت فقط در مورد چك بيان شده است؛ از جمله حق دارنده در مراجعه به اجرای ثبت و تقاضای صدور اجراییه طبق مقررات مربوط به اجرای اسناد رسمي، كه فقط در مورد چك صادق است، آن هم بر علیه صادركننده.

آنچه در مورد مرور زمان دعاوی مربوط به برات و سفته گفتیم نیز علی الاصول در خصوص چك لازم الرعایه است؛ اما برخلاف برات و سفته، قانونگذار در ماده ۳۱۴ دربارهٔ ویژگی تجاری و یا غیر تجاری بودن چك صحبت کرده است. بنابراین، دعوی مربوط به چك ممكن است، بر حسب مورد تجاری یا غیر تجاری باشد. هرگاه دعوی تجاری باشد تابع مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت است كه در مورد آنها صحبت كردیم و در غیر این صورت، دعوی مربوط به چك، تابع مقررات آیین دادرسی مدني است. با این تفاوت كه چون در حقوق ما در مورد چك، گواهینامه عدم پرداخت به معنی اعتراض است، هر جا كه ابتدای مهلت مراجعه دارنده برات به مستولان آن، تاریخ اعتراض عدم پرداخت فرض شده باشد (مقتد مواد ۲۸۶ و ۲۸۷)، در مورد چك ابتدای این مهلت از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت از سوی بانك خواهد بود، مشروط بر اینکه گواهینامه بانك در مهلتهای ۱۵ روز، ۴۵ روز و چهار ماه مندرج در مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون تجارت اخذ شده باشد.

۱- در واقع، چون مطابق اصول اعتراض باید در مهلت انجام شود تا مؤثر باشد، برای آنكه دارنده چك بتواند از مزایایی كه قانون تجارت برای او مقرر کرده است استفاده كند، گواهینامه بانك باید در مهلت اخذ شود. به عكس در صورت عدم مراجعه دارنده به بانك در مهلتهای مندرج در مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون تجارت، حق شكایت کیفری دارنده تا مدت شش ماه از تاریخ صدور چك یا شش ماه از تاریخ گواهینامه بانك محفوظ خواهد بود (ماده ۱۱ قانون صدور چك).

پیوست: قانون اصلاحیه چك ۱۳۸۲

قوانین و مقررات عمومی  
شماره ۴۳۶۶۶

۱۳۸۲/۶/۲۴

حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای سید محمد خاتمی  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

لایحه شماره ۱۷۶/۳۰۱۷۶ مورخ ۲۴۷۱۷/۳۰ مورخ ۱۳۸۱/۶/۲۵ دولت در مورد اصلاح موادی از قانون صدور چك كه در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۸۲/۶/۲ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسیده است. در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می گردد.  
رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

۱۳۸۲/۷/۳

شماره ۳۶۸۷۰  
وزارت دادگستری

قانون اصلاح مواردی از قانون صدور چك كه در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ دوم شهریور ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۱۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۴۳۶۶۶ مورخ ۸۲/۶/۲۴ واصل گردیده، به پیوست جهت اجرا ابلاغ می گردد.  
رئیس جمهور - سید محمد خاتمی

قانون اصلاح موادی از قانون صدور چك

ماده ۱- در ماده (۳) قانون صدور چك مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ به عبارت «صادركننده چك باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چك در بانك محال علیه محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده) داشته باشد» به صورت زیر تغییر می یابد:  
صادركننده چك باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانك محال علیه وجه نقد داشته باشد.